

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زنان مطالعات

سال ۴، شماره ۱  
بهار ۱۳۸۵

فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی

دانشگاه الزهراء  
پژوهشکده‌ی زنان

صاحب امتیاز  
مدیر مسئول  
سرمدبیر

دانشگاه الزهراء  
دکتر زهره خسروی  
دکتر خدیجه سفیری

ویراستار فارسی  
ویراستار انگلیسی  
طراح و صفحه‌آرا  
طراح جلد  
کارشناس نشریه

وفا سرمست  
محمدحسین هاشمی  
وفا سرمست  
اشرف موسوی‌لر  
کبری مهرابی کوشکی

ناشر  
ترتیب انتشار  
شماره‌ی پروانه‌ی انتشار  
شماره‌ی علمی-پژوهشی  
شمارگان

انتشارات دانشگاه الزهراء  
فصلی  
۱۳۴/۱۴۰۶  
۳/۲۹۱۰/۱۱۱۹  
۱۵۰۰

وب‌گاه  
<http://JWS.alzahra.ac.ir/>

نشانی  
کد پستی  
تلفن  
فکس  
تلفن عمومی  
پست الکترونیک

تهران، میدان ونک، خیابان ونک  
۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶  
۸۸۰۵ ۸۹۲۶  
۸۸۰۴ ۹۸۰۹  
۲۰۸۰ داخلی ۸۸۰۴ ۴۰۵۱-۹  
women\_rc@alzahra.ac.ir

## هیئت تحریریه

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر زهرا افشاری
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر احمد جعفرنژاد
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر زهره خسروی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم	دکتر حکیمه دبیران
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر هما زنجانی‌زاده
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر باقر ساروخانی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر خدیجه سفیری
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر فاطمه علایی رحمانی
(UK) Southampton University	دکتر کاتلین کندال
(USA) South West Missouri State University	دکتر شهین گرامی
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر شکوفه گلخو
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	دکتر محمدمصدق مهدوی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر گلنار مهران

## داوران این شماره

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر محمدعلی بابایی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر اشرف‌السادات بنی‌جمالی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی مدیریت، دانشگاه تهران	دکتر احمد جعفرنژاد
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر سیمین حسینیان
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر منیژه حقیقی‌نسب
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران	دکتر فاضله خانی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور	دکتر محمدجواد زاهدی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر خدیجه سفیری
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی الاهیات، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر فاطمه علایی رحمانی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر اسماعیل مشیری
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر مرتضا منادی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی	دکتر حسین مهرپور
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء <sup>۳</sup>	دکتر فرناز ناظرزاده

فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* درجه‌ی علمی-پژوهشی را  
با شماره‌ی ۳/۲۹۱۰/۱۱۱۹ در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۰  
از وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری دریافت نمود.

## فهرست

- ۵ بررسی عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر  
در زنان شالی‌کار شهرستان رشت  
در سال کشت ۸۴-۸۳  
نگین فلاح حقیقی  
دکتر شاپور ظریفیان
- ۲۳ تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر اشتغال زنان  
بررسی مقطعی بین‌کشوری  
دکتر زهرا افشاری  
فرح رضانی
- ۳۷ بنیادهای نظری مخالفان قضاوت زنان در ایران  
دکتر جمیله کدیور
- ۵۵ بررسی رابطه‌ی آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در زنان  
دکتر عباس ابوالقاسمی  
آذر کیامرثی
- ۶۷ بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن  
در زمینه‌ی روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج  
دکتر مجید موحد  
محمدتقی عباسی شوازی
- ۱۰۱ شناسایی و رتبه‌بندی عامل‌های مؤثر  
در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی  
در سازمان‌های دولتی استان یزد  
دکتر سیدحبیب‌الله میرغفوری
- ۱۲۳ جایگاه زن در هنر تجسمی امروز ایران  
دکتر زهرا رهنورد

## یادآوری به نویسندگان

- مقاله، تایپ‌شده و حداکثر ۳۰ صفحه باشد.
- مقاله‌های رسیده نباید پیش‌تر در مجله‌های فارسی‌زبان داخل یا خارج کشور چاپ شده‌باشد.
- نام کامل، رتبه‌ی دانشگاهی یا جایگاه علمی، نشانی الکترونیکی، و خلاصه‌ئی از زنده‌گی‌نامه‌ی علمی نویسنده(گان) آورده‌شود.
- چکیده‌ی مقاله حداکثر در یک صفحه به زبان‌های فارسی و انگلیسی، همراه با واژه‌گان کلیدی نوشته‌شود.
- فرستادن دو نسخه از مقاله الزامی است و مقاله‌های رسیده بازگردانده‌نمی‌شود.
- متن تایپ‌شده‌ی کامل و نهایی مقاله و چکیده‌ی آن، به صورت فایل سازگار با **Microsoft® Word** یا متن **Unicode** با مقاله فرستاده‌شود.
- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام نویسنده(گان)، سال انتشار، و صفحه‌ی منبع درون پرنانتر نوشته و در مورد اصطلاحات و نام‌های خارجی، اصل آن در پانویس آورده‌شود.
- منابع به ترتیب الفبایی نام خانواده‌گی در پایان مقاله با نگارش زیر آورده‌شود:  
**کتاب‌ها:** نام خانواده‌گی، نام نویسنده. سال انتشار. نام کتاب. شماره‌ی جلد و چاپ. نام برگرداننده به فارسی. محل انتشار: نام ناشر.  
**مقاله‌ها:** نام خانواده‌گی، نام نویسنده. سال انتشار. «عنوان مقاله». نام مجله دوره(شماره‌ی مجله): شماره‌ی صفحات.
- برای آگاهی از شیوه‌ی درست مقاله و روش نگارش منابع به شیوه‌نامه‌ی زیر بنگرید:  
<http://jws.alzahra.ac.ir/editor/styles.htm>
- نشریه‌ی **مطالعات زنان** ترجیح می‌دهد نوشتارهایی را چاپ کند که دست‌آورد پژوهش‌های ایرانی درباره‌ی مسائل زنان در ایران باشد.
- نشریه در ویرایش مقاله‌های رسیده، بدون تغییر در محتوای آن آزاد است.
- مسئولیت مطالب آمده در مقاله‌ها، به عهده‌ی نویسنده(گان) است.

## بررسی عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر در زنان شالی‌کار شهرستان رشت در سال کشت ۸۴-۸۳

نگین فلاح حقیقی

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده‌ی اقتصاد و توسعه‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران

دکتر شاپور ظریفیان

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران

### چکیده

فرآیند تولید در بخش کشاورزی و وابسته‌گی شدید این بخش به طبیعت و شرایط آب‌وهوایی و اثرپذیری آن از آفت‌ها و بیماری‌های نباتی، آن را متفاوت از دیگر زمینه‌های تولید و تجارت، و پرخطر و همراه با خطر برای کشاورزان ساخته‌است. این، در حالی است که گروه بزرگی از کشاورزان ما، که سه کالای بنیادی و راهبردی کشاورزی (گندم، برنج، و جو) کشت می‌کنند، خرده‌پا هستند و از این رو، در برابر نشیب و فرازهای بازارهای داخلی و رقابت‌های خارجی آسیب‌پذیر اند. بخش کشاورزی برای رسیدن به اهداف توسعه باید بتواند از ظرفیت‌های نیروی انسانی خود - که نیمی از آن زنان اند- بهره‌ی کافی ببرد. در این میان، زنان روستایی، به‌ویژه آنان که سرپرست خانوار اند، بیش از دیگران در معرض خطر و از دیدگاه اقتصادی نیز معمولاً شکننده‌تر اند. با نگرش به این که زنان، به‌ویژه در نوار شمالی ایران، بخشی عمده از کار کشاورزی را بر دوش دارند، نمی‌توان نقش و جایگاه آنان را در این بخش نادیده انگاشت.

در این پژوهش، عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر در زنان شالی‌کار شهرستان رشت، در سال کشت ۸۴-۸۳ بررسی شده‌است. برای این کار، ۱۸۲ نفر از زنان شالی‌کار، از ۵ بخش این شهرستان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ئی تصادفی گزیده‌شدند و با آنان گفت‌وگو شد. یافته‌ها نشان داد که بیش‌تر زنان شالی‌کار در برابر خطر بی‌تفاوت بودند. هم‌چنین سن، پیشینه‌ی شالی‌کاری، و شمار اعضای خانوار، رابطه‌ئی منفی و معنادار، و میزان سواد، سطح زیر کشت برنج، مقدار زمین ملکی شالی‌کار، و درآمد سالیانه از فروش برنج، رابطه‌ئی مثبت و معنادار با خطرپذیری دارد. بررسی‌های مقایسه‌ئی نیز تفاوتی معنادار در خطرپذیری شالی‌کاران با مالکیت‌های گوناگون نشان داد.

### واژه‌گان کلیدی

زنان شالی‌کار؛ خطرپذیری؛

### پیش‌گفتار

به طور کلی می‌توان گفت که شالی‌کاران خرده‌پا بخشی بزرگ از کل تولید برنج کشور را بر دوش دارند. به سخن دیگر، تولید برنج در ایران بر پایه‌ی تلاش گروهی بزرگ از کشاورزان خرده‌پا استوار است که جایگاه اقتصادی بسیار شکننده و به همان اندازه خطرپذیری کم‌تری دارند. در این میان، گذشته از شرایط بوم‌شناسانه و پیرامونی که همیشه پدیدآورنده‌ی تنگناهایی برای کشاورزان است، تأثیرپذیری از نوسان‌های قیمت در درون کشور و ناتوانی رقابت با تولیدکنندگان بزرگ‌تر نیز همیشه برای آنان مشکل‌ساز است و برای توجیه خطرناپذیری این گروه کافی می‌نماید. اما نکته‌ی مهم این است که بدون توسعه‌ی منابع انسانی، توسعه‌ی کشاورزی در هیچ یک از زیربخش‌ها شدنی نیست. یکی از سوبه‌های توسعه‌ی انسانی، با نگرش به محروم نگه داشته‌شدن زنان در سال‌های گذشته، توجه به نقش این گروه در کشاورزی و مدیریت منابع انسانی با توجه به مسئله‌ی جنسیت است؛ چرا که توان‌مندسازی زنان روستایی - با توجه به این که آن‌ها نیمی از پیکره‌ی نیروی انسانی را، به‌ویژه در کشاورزی، می‌سازند - می‌تواند ما را به اهداف توسعه‌ی روستایی و کشاورزی نزدیک سازد. یعنی باید این باور در جامعه، به‌ویژه جامعه‌ی کشاورزی ما نهادینه شود که کشاورزی بخشی از آن مردان نیست و باید در آن فرصت‌هایی برای توان‌مندسازی و شکوفایی توانایی‌های دختران و زنان روستایی فراهم آید تا ضمن کاستن از فشارهای اجتماعی، با معرفی فن‌آوری‌های نو، برای ورود زنان و دختران مستعد و علاقه‌مند به زمینه‌ها و رشته‌های مناسب زمینه‌سازی شود.

در همین راستا، این پژوهش پیمایشی برای بررسی عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر در میان زنان شالی‌کار شهرستان رشت در سال کشت ۸۴-۸۳ انجام شد.

### روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، میزان نظارت، درجه‌ی کنترل متغیرها، و قابلیت تعمیم، پیمایشی است. در این پژوهش، برای بررسی نظام‌مند، بر پایه‌ی بررسی‌ها و پژوهش‌های پیشین و دیدگاه کارشناسان، فرضیه‌های زیر تدوین شد:



- ۱- سن زنان شالی‌کار با میزان خطرپذیری آن‌ها رابطه دارد.
- ۲- پیشینه‌ی شالی‌کاری با میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار رابطه دارد.
- ۳- میزان سواد زنان شالی‌کار با خطرپذیری آنان رابطه دارد.
- ۴- شمار افراد خانوار زنان شالی‌کار با خطرپذیری آنان رابطه دارد.
- ۵- سطح زیر کشت برنج با میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار رابطه دارد.
- ۶- میزان مالکیت زمین کشاورزی با خطرپذیری آنان رابطه دارد.
- ۷- میزان تولید برنج با خطرپذیری زنان شالی‌کار رابطه دارد.
- ۸- درآمد فروش برنج با خطرپذیری زنان شالی‌کار رابطه دارد.
- ۹- زنان شالی‌کار با مالکیت‌های متفاوت (ملکی، اجاره‌ئی، سهم‌بری، و موارد

دیگر) خطرپذیری متفاوتی نیز دارند.

با نگرش به این که مقیاس فراگیر و مناسبی برای اندازه‌گیری متغیر وابسته‌ی این پژوهش، یعنی میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار شهرستان رشت، پیدا نشد، تصمیم بر آن شد تا مقیاسی برای اندازه‌گیری این متغیر فراهم آید. برای سنجش پایایی درونی مقیاس، ضریب آلفای کرون‌باخ به کار رفت، که در نهایت، هیچ کدام از گویه‌ها حذف نشد و در مقیاس اولیه باقی ماند.

جامعه‌ی آماری این پژوهش، زنان شالی‌کار شهرستان رشت بود که در سال کشت ۸۴-۸۳ برنج کاشته‌بودند. شمار زنان شالی‌کار در شهرستان رشت، بر پایه‌ی داده‌های مرکز آمار ایران، ۵۵۳۳ نفر برآورد شد که در این پژوهش جامعه‌ی آماری شمرده‌می‌شود. برای نمونه‌گیری، ۱۸۲ نفر زن شالی‌کار از ۵ بخش شهرستان، به روش طبقه‌ئی تصادفی گزیده‌شدند. برای برآورد حجم نمونه، دستور کوکران به کار رفت. برای برآورد واریانس جامعه‌ی بررسی‌شونده، ۳۰ نفر از زنان شالی‌کار شهرستان رشت در گام نخست به شیوه‌ی تصادفی گزیده و آزموده‌شدند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و بر پایه‌ی واریانس متغیرهای وابسته، حجم نمونه ۱۸۲ نفر پذیرفته‌شد. داده‌های پژوهش، با پرسش‌نامه گردآوری شد که در بخش نخست ویژگی‌های همه‌گانی و در بخش دوم مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیر وابسته‌ی میزان خطرپذیری، و در بخش سوم متغیر درک خطر شالی‌کاران آمد.

برای سنجش روایی پرسش‌نامه، از دیدگاه‌های شماری از کارشناسان و استادان گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران استفاده شد. پایایی پرسش‌نامه نیز به روش آلفای کرون‌باخ اندازه‌گیری شد که یافته‌های آن در جدول ۱ آمده‌است.

جدول ۱- میزان آلفای کرون باخ برای گویه‌های بررسی‌شده در پرسش‌نامه‌ی پژوهش

سازه	آلفای کرون باخ
سازه‌های تعیین‌کننده‌ی میزان خطرپذیری	۰/۷۶
درک خطر	۰/۸۸

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، با بررسی‌های اسنادی و کتابخانه‌ئی، جست‌وجوی منابع الکترونیکی، و بررسی میدانی (مصاحبه) گردآوری شد. برای کندوکاو داده‌ها، روش‌های آماری گوناگونی مانند آماره‌های توصیفی و استنباطی در نرم‌افزار SPSS به کار گرفته شد.

### چارچوب نظری

درباره‌ی خطر تعاریف و مفاهیم گوناگونی وجود دارد. خطر هم‌ارز فارسی واژه‌ی ریسک<sup>۱</sup> است. در اقتصاد کشاورزی، خطر به حالتی گفته می‌شود که در آن مقدار دقیق یک متغیر تصادفی مشخص نیست، اما توزیع احتمالی آن مشخص است (کوپاهی، ۱۳۸۲). ریسک در **واژه‌نامه‌ی وبستر**، احتمال ضرر و زیان مالی و جانی تعریف شده است (ترکمانی، ۱۳۷۷). برداشت تصمیم‌گیرنده‌گان از خطر، بر توزیع احتمالی متغیر خطری در الگوی برنامه‌ریزی آن‌ها پایه‌گذاری می‌شود و احتمال رخ دادن رویدادها، معمولاً احتمالی فردی یا ذهنی است و تصمیم‌گیرنده بر پایه‌ی تجربه‌های شخصی، درجه‌ی آگاهی، روحیه‌ی شخصی در رویارویی با خطرها و بنا بر اطلاعات موجود درباره‌ی رویداد مورد نظر، اعتماد شخصی خود را درباره‌ی احتمال رخ دادن رویداد بیان می‌کند (هازل و نورتون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶).

بنابراین، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در بخش کشاورزی، گذشته از این که نیازمند آگاهی کافی از شرایط تولید و منابع موجود کشاورزی است، تا اندازه‌ی زیادی به آگاهی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران از شیوه‌ی تصمیم‌گیری کشاورزان و واکنش آن‌ها در برابر سیاست‌های پیش‌گرفته‌شده بسته‌گی دارد (رستی، ۱۳۸۳). در این میان، توجه به مسائل جنسیتی و آماربرداری بر پایه‌ی تفاوت‌های جنسیتی موجب می‌شود توجه بیشتری به زنان که تا کنون هم‌چون نیمه‌ی فراموش‌شده‌ی اجتماع بوده‌اند شود و نیازسنجی‌ها بنا بر تفاوت‌های زنان و مردان انجام گیرد.

1. Risk (Etymology: French *Risque*, from Italian *Risco*)

2. Hazell, Peter B. R., and Norton, Roger D.





از دیدگاه بیمه، خطر، نادانسته بودن رخ دادن رویدادهای زیان‌بار است و معرف نادانسته‌گی رخ دادن رویداد است، نه زیان یا علت و احتمال آن (دریجانی و قربانی، ۱۳۷۷). خطر، انحراف در پیش‌آمدهای ممکن که در موقعیتی معین وجود دارد، تعریف شده است (ویلیامز و هم‌کاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳).

بخش کشاورزی، نقشی مهم در اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارد. فعالیت در این بخش در میان دیگر بخش‌های مختلف اقتصادی، به علت شرایط خاص حاکم بر آن، همواره با خطر و ناپایداری همراه بوده است و بهره‌برداران کشاورزی به خاطر اطمینان نداشتن به درآمد خود، نگران بازپرداخت وام، پرداخت هزینه‌های ثابت (اجاره زمین و مالیات)، و در بسیاری از موارد پرداخت هزینه‌های زنده‌گی اند (محمودزاده، ۱۳۸۳). زنان نیز که بخش آسیب‌پذیر جامعه اند بی‌گمان توان پذیرش خطر کم‌تری را خواهند داشت، به‌ویژه اگر مسئولیتی هم‌چون سرپرستی خانوار را نیز داشته باشند.

نگرش به این مسائل، سیاست‌گذاران را وا می‌دارد تا با دست‌یابی به شناخت بهتر از شیوه‌ی تصمیم‌گیری بهره‌برداران در شرایط همراه با خطر، در برخورد با خطرهای احتمالی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را پیش گیرند که دربرگیرنده‌ی یافته‌های پژوهش‌ها در زمینه‌ی تحلیل‌های جنسیتی باشد که دست‌یابی به اهداف توسعه‌ی کشاورزی را آسان می‌سازد. شناسایی خطر، به طور عمده، از راه تجربه به دست می‌آید. تجربه‌های گذشته و طرح‌های آزمایشی مهم‌ترین منابع شناسایی خطر به شمار می‌رود، ولی امروزه با مدل‌سازی رایانه‌ئی و ارزیابی نتایج آن می‌توان با هزینه و در زمان کم‌تر خطر را شناسایی و حتی روش‌های رویارویی با آن را ارزیابی کرد (فهیما، ۱۳۸۳). مجموعه‌ی این خطرهای طبیعی، اجتماعی، و اقتصادی، شرایط را برای تولیدکننده‌گان بخش کشاورزی آسیب‌پذیر می‌سازد که نتیجه‌ی پایانی آن ناپایداری درآمد برای تولیدکننده‌گان (به‌ویژه زنان) است (ری<sup>۲</sup>، ۱۹۶۷).

به طور کلی، خطرهای تهدیدکننده‌ی واحدهای تولیدی در بخش کشاورزی را می‌توان به پنج دسته بخش‌بندی کرد:

۱- **خطرهای تولید**- مهم‌ترین خطرهای تولید را می‌توان چنین برشمرد: شرایط نامناسب جوی، آفت‌ها و بیماری‌ها، تداخل فن‌آوری با کشاورزی، عوامل مدیریتی، مشکلات ژنتیکی، و کیفیت نداشتن نهاده‌ها. البته بسته به نوع کشت و مدیریت

1. Williams, Jeffery R., Carriker, Gordon L., Barnaby, G. Art, and Harper, Jayson K.

2. Ray, Parimal Kumar

کشتزار و گونه‌ی پرورشی، عوامل زیان‌بار و شدت تأثیر آن‌ها متفاوت است (فهیم‌ا، ۱۳۸۳). خطر تولید را می‌توان با در نظر گرفتن تابع تولید زیر به گونه‌ئی به‌تری دریافت (سناخیان<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸).

$$y = f(X_1, X_2, \dots, X_{n-1}, X_n; X'_1, X'_2, \dots, X'_{n-1}, X'_n; X''_1, X''_2, \dots, X''_{n-1}, X''_n)$$

در تابع بالا  $y$  مقدار تولید و  $X_i$ ها مقادیر نهاده‌ها را نشان می‌دهد که در سه گروه دسته‌بندی شده‌است:

$X_1, X_2, \dots, X_{n-1}, X_n$  نهاده‌های تصمیم‌گیری است که مقدارشان در دست کشاورز یا تصمیم‌گیرنده است؛ مثل میزان کود مصرفی در طول دوره‌ی کشت.

$X'_1, X'_2, \dots, X'_{n-1}, X'_n$  نهاده‌های ازپیش‌تعیین‌شده است که مقدارشان در زمان تصمیم‌گیری برای تصمیم‌گیرنده مشخص است و تصمیم‌گیرنده می‌تواند اطلاعات کنونی را درباره‌ی مقدار آن‌ها به کار گیرد؛ اما معمولاً کنترلی بر مقدارشان ندارد؛ مثل نیروی کار خانواده‌گی یا ماشین‌ابزار کشاورز.

$X''_1, X''_2, \dots, X''_{n-1}, X''_n$  نهاده‌های خطری (نامطمئن) است که مقدارشان در زمان تصمیم‌گیری برای تصمیم‌گیرنده نامشخص است و بنابراین تصمیم‌گیرنده توانایی به‌کارگیری آن‌ها را ندارد و در این باره کنترلی نیز ندارد؛ مثل میزان بارنده‌گی، دما، و میزان تابش خورشید (رستمی، ۱۳۸۳).

**۲- خطرهای بازار-** تغییر در بهای نهاده‌ها و ستانده‌ها، تغییر در الگوی مصرف، تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی مانند کاهش توان خرید مردم و عواملی مانند این‌ها در دسته‌ی خطرهای بازار جای می‌گیرد. این در حالی است که روند جهانی شدن اقتصاد نیز تأثیرهای گوناگونی بر بازارهای داخلی فرآورده‌های کشاورزی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بر جای گذاشته‌است (فهیم‌ا، ۱۳۸۳).

بهای فرآورده‌ها، جز در موارد استثنایی، چندان کنترل‌شدنی نیست. بهای فرآورده‌های کشاورزی از سالی به سال دیگر و از فصلی به فصل دیگر تغییر می‌کند. به هر رو، از زمان کشت فرآورده تا برداشت آن، که معمولاً ۶ ماه یا بیشتر طول می‌کشد، ممکن است دگرگونی‌های اساسی در بهای فرآورده‌ها رخ دهد. گروهی دیگر از خطرهایی که از بها سرچشمه می‌گیرد، خطرهای برآمده از بهای نهاده است. اگر بهای نهاده‌ها تغییر کند، هزینه‌ی کل فرآورده تغییر می‌کند که نتیجه‌ی نوسان در



هزینه‌ی کل، ناپایداری در درآمد خالص کشاورز خواهد بود. اما با فرض وجود خطر تولید و بهاء، امکان دارد که قانون عرضه صادق نباشد و عرضه‌ی محصول به عواملی دیگر مانند درجه‌ی خطرپذیری، توزیع احتمالی بهاء و کارکرد، و هم‌بستگی بهاء و کارکرد بسته‌گی داشته‌باشد که بر روی هم می‌تواند با قانون عرضه ناهم‌سو شود (جاست و زیلبرمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶).

**۳- خطرهای مالی-** پیش‌بینی نکردن پشتوانه‌های مالی کافی برای رویارویی با هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده و برآورد نادرست هزینه‌ها و درآمدها، مهم‌ترین عوامل مؤثر در این دسته از خطرها به شمار می‌رود (فهیما، ۱۳۸۳). البته، خطر مالی در برابر خطر تولید و بازار اهمیت کم‌تری دارد؛ چرا که همه‌ی کشاورزان برای انجام برنامه‌های خود از وام و اعتبارها استفاده نمی‌کنند. البته میزان مصرف نهاده‌ها در شرایط وجود خطر با میزان مصرف در شرایط اطمینان یکسان نیست و افزون بر بهای ستانده‌ها و نهاده‌ها و سطح تولید، به عوامل گوناگونی مانند واریانس بهای فرآورده، درجه‌ی خطرپذیری، و سهم نهایی نهاده‌ها در واریانس تولید بسته‌گی دارد (رابینسون و بری<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷).

**۴- خطرهای منابع انسانی-** کم‌کاری، نارضایتی، بی‌دقتی، ناآگاهی، و کم‌تجربه‌گی کارکنان، همه از عواملی است که بالقوه تولید را تهدید می‌کند (فهیما، ۱۳۸۳).

**۵- خطرهای مربوط به قوانین و مقررات دولتی و منطقه‌ای در زمینه‌ی کشاورزی-** دگرگونی قوانین و مقررات خرید. تضمینی و صادرات فرآورده‌های کشاورزی، دگرگونی الگوی پرداخت یارانه‌های دولت، دگرگونی مقررات و قوانین کار و کارگری، شرایط دریافت وام و تسهیلات، و حتا دگرگونی مقررات و شرایط بیمه‌ی فرآورده‌های کشاورزی، همه‌گی در این دسته جای دارند (فهیما، ۱۳۸۳). البته نقش و میزان اهمیت هر یک از منابع خطر بسته به شرایط مکانی، زمانی، و سیاست‌های دولت در هر کشوری متفاوت است (کیانی راد و یزدانی، ۱۳۸۲).

در آمریکا نیز تولیدکنندگان فرآورده‌های کشاورزی (اعم از زنان و مردان) عوامل زیر را مهم‌ترین عوامل مخاطره‌آمیز برشمردند: (۱) کاهش کارکرد فرآورده؛ (۲) اطمینان نداشتن به بهای فرآورده؛ (۳) توانایی سازگاری با فن‌آوری نو؛ (۴) مسائل مالکیت؛ (۵) دگرگونی سلیقه‌ی مصرف‌کنندگان؛ و (۶) دگرگونی قوانین و مقررات دولتی (هاروود و هم‌کاران<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹).

1. Just, Richard E., and Zilberman, David

2. Robinson, Lindon J., and Barry, Peter J.

3. Harwood, Joy, Heifner, Richard, Coble, Keith, Perry, Janet, and Somwaru, Agapi

با نگرش به اهمیت خطرپذیری کشاورزان، با آنچه گفته شد، در این پژوهش تلاش شده است تا با الهام از نگره پردازی‌ها درباره‌ی خطر، عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر در زنان شالی‌کار شهرستان رشت در سال کشت ۸۴-۸۳ بررسی شود.

### یافته‌ها

بر پایه‌ی یافته‌ها، میانگین سن پاسخ‌گویان ۴۱/۹۳ سال بود. میانگین پیشینه‌ی شالی‌کاری ۲۰/۲۹ سال به دست آمد. میانگین شمار اعضای خانوار ۶ نفر بود و نما (مد) برای این متغیر ۴ نفر به دست آمد. پراکنده‌گی متغیرهای میزان سواد، وضعیت شغل، نوع مالکیت شالیزار، مشارکت اجتماعی، و فعالیت‌های کشاورزی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- پراکنده‌گی متغیرها در زنان شالی‌کار

متغیر	درصد	
میزان سواد	بی‌سواد	۲۷/۵٪
	خواندن و نوشتن	۱۹/۸٪
	در سطح راهنمایی	۱۷/۶٪
	در سطح دبیرستان	۲۴/۲٪
	دیپلم و بالاتر از دیپلم	۱۱/۰٪
وضعیت شغل کشاورزی	شغل اصلی	۶۳/۷٪
	شغل فرعی	۳۶/۳٪
نوع مالکیت شالیزار	ملکی	۶۴/۸٪
	سه‌م‌بری	۲۲/۰٪
	اجاره‌ئی	۱۳/۲٪
مشارکت اجتماعی	عضو شرکت تعاونی روستایی	۱۳/۲٪
	کشاورز نمونه	۶/۶٪
	موقعیت‌های اجتماعی دیگر	۴۸/۴٪
	بدون مشارکت اجتماعی	۳۱/۹٪
دیگر فعالیت‌های کشاورزی	گاوداری	۸/۸٪
	پرورش ماهی	۳/۳٪
	پرورش کرم ابریشم	۶/۶٪
	پرورش زنبور عسل	۴/۴٪
	فقط شالی‌کاری	۴۰/۷٪

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۵۹/۳ درصد از زنان شالی‌کار پاسخ‌گو، روی شالیزارهایی با گستره‌ی کمتر از ۲ هکتار کار می‌کردند و میانگین گستره‌ی شالیزارها



۲/۲ هکتار بود. همچنین گستره‌ی کل زمین کشاورزی برای ۸۴/۶ درصد از زنان شالی‌کار کمتر از ۲ هکتار بود. میانگین این متغیر ۱/۶ هکتار و مقدار نما (مد) ۰/۵ هکتار به دست آمد.

۵۱/۶ درصد از زنان شالی‌کار پاسخ‌گو، کمتر از ۲ تن برنج سال یادشده تولید کرده بودند. البته، بیشتر آنان چنین بازگو کردند که این برنج بیشتر برای مصرف خانوار و خودمصرفی است.

میانگین درآمد درآمد شالی‌کاران از فروش برنج ۱'۸۰۰'۰۰۰ تومان در سال به دست آمد.

برای برآورد میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار شهرستان رشت، آنان به ۱۱ گویه‌ی پرسش‌نامه (جدول ۲). پاسخ گفتند. پاسخ گویه‌ها با طیف پنج‌درجه‌ی لیکرت (کاملاً مخالف ام؛ مخالف ام؛ نظری ندارم؛ موافق ام؛ و کاملاً موافق ام) درجه‌بندی شد. برای گویه‌های دارای سوگیری مثبت به خطرپذیری، با نمره‌دهی افزایشی، نمره‌ی ۱ تا ۵ به هر یک از پاسخ‌ها داده شد و برای گویه‌های دارای سوگیری منفی، این نمره‌دهی به صورت کاهشی و از ۵ تا ۱ بود. بدین سان، از برهم‌نهی نمره‌ی گویه‌ها، هر یک از شالی‌کاران نمره‌ی کلی بین ۱۱ تا ۵۵ به دست آوردند.

سپس، شالی‌کاران پاسخ‌گو بر پایه‌ی نمره‌ی کل، در سه گروه خطرگریز (نمره‌ی ۱۱ تا ۲۵)، بی‌تفاوت به خطر (نمره‌ی ۲۶ تا ۴۰)، و خطرپذیر (نمره‌ی ۴۱ تا ۵۵) دسته‌بندی شدند.

جدول ۳- گویه‌های پرسش‌نامه‌ی میزان خطرپذیری شالی‌کاران

شماره	گویه
۱	من در هر شرایطی به شالی‌کاری ادامه خواهم داد.
۲	اگر بهای برنج کاهش یابد، به جای برنج فرآورده‌ی دیگری خواهم کاشت.
۳	ادامه‌ی کشت برنج بسته‌گی به استفاده از علف‌کش دارد.
۴	در شالی‌کاری باید ماشین‌ابزار کشاورزی را به کار گرفت.
۵	برای شالی‌کاری باید سم‌های ضدآفت و بیماری‌ها را به کار برد.
۶	بدون کود شیمیایی نمی‌توان برنج کاشت.
۷	بدون دریافت اعتبارهای دولتی نمی‌توانم کشت برنج را ادامه دهم.
۸	شرکت در کلاس‌های آموزشی کمک زیادی به حل مشکلاتم می‌کند.
۹	ترجیح می‌دهم نمونه‌های پرمحصول برنج را بکارم.
۱۰	بدون کمک کارشناسان ترویج با مشکلات فراوانی در شالی‌کاری روبه‌رو می‌شوم.
۱۱	روش‌های جدید شالی‌کاری را به روش‌های سنتی ترجیح می‌دهم.

**جدول ۴** توزیع فراوانی گروه‌بندی زنان شالی‌کار را بر پایه‌ی میزان خطرپذیری نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود ۱۴/۳ درصد زنان در گروه افراد خطرگریز، ۶۸/۱ درصد در گروه افراد بی‌تفاوت به خطر، و ۱۷/۶ درصد در گروه خطرپذیران جای گرفته‌اند و بیش‌تر شالی‌کاران، نسبت به خطر بی‌تفاوت بوده‌اند.

جدول ۴- توزیع فراوانی گروه‌بندی زنان شالی‌کار بر اساس میزان خطرپذیری

گروه	فراوانی	درصد
خطرگریز	۲۶	۱۴/۳٪
خنثی به خطر	۱۲۴	۶۸/۱٪
خطرپذیر	۳۲	۱۷/۶٪
جمع	۱۸۲	۱۰۰٪

همانند یافته‌های توصیفی میزان خطرپذیری، پرسش‌نامه‌ئی برای برآورد درک خطر در زنان شالی‌کار فراهم‌آمد که دارای ۱۲ گویه بود (جدول ۵).

جدول ۵- گویه‌های پرسش‌نامه‌ی درک خطر در زنان شالی‌کار

شماره	گویه
۱	خشکی و کم‌آبی
۲	بارنده‌گی‌های ناهنگام
۳	برداشت دیرنگام
۴	به‌کارگیری بذرها‌ی بومی
۵	به‌کارگیری علف‌کش‌های نو
۶	به‌کارگیری کودهای شیمیایی نو
۷	به‌کارگیری سم‌های نو
۸	نشای برنج با دست
۹	ارتباط نداشتن با کارشناسان و مروجان کشاورزی
۱۰	بیمه نکردن فرآورده
۱۱	عضویت نداشتن در شرکت‌های تعاونی روستایی
۱۲	به‌کارگیری روش‌های نوین کشت

پس از پاسخ‌گویی زنان شالی‌کار به گویه‌ها، میزان ضریب تغییر برای هر یک از گویه‌ها برآورد شد که مقایسه‌ی آن‌ها با یک‌دیگر نشان‌دهنده‌ی تقدم و تأخر هر یک از گویه‌ها در درک آن خطر توسط زنان شالی‌کار است (جدول ۶). هم‌چنان که دیده‌می‌شود، زنان شالی‌کار پاسخ‌گو، خشکی و کم‌آبی و بارنده‌گی‌های ناهنگام را مهم‌ترین عوامل خطرزا شمرده‌اند. بنابراین، عوامل طبیعی و آب‌وهوایی از دیدگاه آنان



مهم‌ترین عوامل خطر است و پس از آن، به‌ترتیب ارتباط نداشتن با کارشناسان و مروجان کشاورزی، عضویت نداشتن در شرکت‌های تعاونی روستایی، به‌کارگیری بذرها بومی، به‌کارگیری علف‌کش‌های نو، بیمه نکردن فرآورده، به‌کارگیری روش‌های نوین کشت، نشای برنج با دست، به‌کارگیری سم‌های نو، به‌کارگیری کودهای شیمیایی نو، و برداشت دیرهنگام مهم‌ترین عوامل خطرزا دانسته‌شد.

جدول ۶- اولویت‌بندی عوامل خطرزا از دیدگاه شالی‌کاران بر اساس ضریب تغییر

اولویت	گویه	ضریب تغییر
۱	خشکی و کم‌آبی	۰/۰۸
۲	بارنده‌گی‌های ناهنگام	۰/۰۹
۳	ارتباط نداشتن با کارشناسان و مروجان کشاورزی	۰/۱۱
۴	عضویت نداشتن در شرکت‌های تعاونی روستایی	۰/۱۳
۵	به‌کارگیری بذرها بومی	۰/۱۷
۶	به‌کارگیری علف‌کش‌های نو	۰/۱۹
۷	بیمه نکردن فرآورده	۰/۲۱
۸	به‌کارگیری روش‌های نوین کشت	۰/۲۳
۹	نشای برنج با دست	۰/۲۷
۱۰	به‌کارگیری سم‌های نو	۰/۲۹
۱۱	به‌کارگیری کودهای شیمیایی نو	۰/۳۰
۱۲	برداشت دیرهنگام	۰/۳۵

آزمون /اسپیرمن نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان، هم‌بستگی سن زنان شالی‌کار با میزان خطرپذیری آن‌ها منفی و معنادار است ( $r = -0.287$ )؛ یعنی با افزایش سن زنان شالی‌کار میزان خطرپذیری آنان کاهش می‌یابد. این نشان می‌دهد که باید در زمینه‌ی فعالیت‌های مربوط به دختران و زنان جوان سرمایه‌گذاری شود؛ مانند برگزاری دوره‌های آموزشی برای آماده‌سازی ذهن و اندیشه‌ی آنان برای پذیرش دگرگونی‌های لازم در پیش‌برد اهداف جامعه. هم‌چنین این سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی مسائلی که نیازمند خطرپذیری بالا است می‌تواند اثرگذارتر و دارای نقشی مهم در پیش‌برد اهداف جامعه باشد.

از سوی دیگر، آزمون /اسپیرمن نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان زنانی که پیشینه‌ی بیشتری در کشت برنج دارند و با روش‌های سنتی برنج می‌کارند، خطرپذیری کم‌تری دارند ( $r = -0.207$ ). این یافته با یافته‌ی پیشین نیز درباره‌ی سن شالی‌کاران هم‌خوانی دارد.

آزمون اسپیرمن هم‌چنین نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان زنان شالی‌کاری که سواد بیشتری دارند خطرپذیرتر اند و این بدان معنا است که در جامعه‌ی بررسی‌شده با افزایش سطح تحصیلات و در پی آن آگاهی افراد، میزان خطرپذیری افزایش می‌یابد ( $r = 0/169$  و  $P = 0/034$ ). بنابراین، با اندیشیدن درباره‌ی راه‌کارهایی برای آگاه‌سازی هر چه بیشتر زنان و توجه به امر آموزش آنان، می‌توان گامی در راستای توان‌مندسازی آنان و در پی آن توان‌مندشدن جامعه برداشت.

آزمون اسپیرمن نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان، هم‌بستگی شمار اعضای خانوار تحت سرپرستی زنان با خطرپذیری آنان منفی و معنادار است ( $r = -0/156$ ). پیدا است که کسانی که افراد بیشتری را سرپرستی می‌کنند می‌توانند از لحاظ اقتصادی در فراهم‌آوری نیازهای زنده‌گی، شکننده‌تر از افرادی باشند که خانوار کوچک‌تری دارند و این می‌تواند توجیه‌کننده‌ی خطرپذیری کم‌تر آنان باشد.

آزمون اسپیرمن نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان، هم‌بستگی سطح زیر کشت برنج با میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار مثبت و معناداری است ( $r = 0/210$  و  $P = 0/003$ ). به سخن دیگر، شالی‌کارانی که سطح زیر کشت برنج بیشتری دارند خطرپذیرتر اند؛ چون از لحاظ اقتصادی توان‌مندتر هستند و خطرهای برآمده از شکست را نیز آسان‌تر می‌توانند تحمل کنند.

آزمون اسپیرمن هم‌چنین نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان زنانی که مالک زمین بیشتری هستند خطرپذیری بالاتری نیز دارند ( $r = 0/312$ )؛ بنابراین، کشاورزانی که زمین بیشتری دارند، به رویارویی با خطر در قبال مقدار ثابتی نهاده‌گرایش بیشتری دارند.

آزمون اسپیرمن نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان هم‌بستگی میزان تولید برنج با خطرپذیری زنان شالی‌کار مثبت و معناداری است ( $r = 0/246$  و  $P = 0/001$ ). سرانجام، آزمون اسپیرمن نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان زنانی که درآمدشان از فروش برنج بیشتر است خطرپذیرتر اند ( $r = 0/352$ ). با توجه به این که یکی از زمینه‌ها و شرایط لازم برای رویارویی با خطر توان اقتصادی است، منطقی می‌نماید که با بالا رفتن درآمد، میزان خطرپذیری نیز افزایش یابد.

بررسی‌های مقایسه‌ئی با آزمون کروسکال/ولیس نیز نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان، زنان شالی‌کار با مالکیت‌های گوناگون (ملکی، سهم‌بری، و اجاره‌ئی)، در خطرپذیری با هم تفاوتی معنادار دارند.





## نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت که بیش‌تر زنان شالی‌کار شهرستان رشت بی‌سواد بودند و این برخاسته از هنجارهای اجتماعی حاکم بر منطقه و محروم نگاه داشتن زنان از لحاظ فرهنگی و سویه‌های دیگر، و دسترسی نداشتن آنان به امکانات آموزشی است. بنابراین، تدوین برنامه‌هایی هم‌آهنگ با سطح سواد و آگاهی زنانی که تحصیلات کم‌تری دارند و فراهم آوردن امکاناتی که نتایج و پی‌آمدهای نوآوری‌ها را برای‌شان دیدنی‌تر سازد، می‌تواند در این زمینه سودمند باشد.

از سوی دیگر، معنادار بودن هم‌بستگی میزان سواد با خطرپذیری شالی‌کاران، نشان می‌دهد که زنان به خاطر آگاهی نداشتن کافی از پی‌آمدهای کاربرد نوآوری، با آن مخالفت می‌کنند و در صورت فراهم آمدن شرایط و آگاه‌سازی آنان به‌وسیله‌ی فعالیت‌های ترویجی، مانند نمایش طریقه‌ئی، نمایش نتیجه‌ئی، تهیه‌ی آگهی، نمودار، و بروشور، و به‌کارگیری توان رسانه‌های همه‌گانی، مانند رادیو و تلویزیون، می‌توان برای جلب هر چه بیش‌تر آنان در پذیرش نوآوری‌ها و برخورد منطقی‌تر با عوامل خطرزا تلاش نمود. البته با توجه به این که زنان مدیران خانواده شمرده‌می‌شوند و به‌ویژه در شمال کشور و در بخش بررسی‌شده، زنان نفوذ زیادی در اعضای خانواده دارند، فراهم آوردن زمینه‌های آموزشی برای زنان، می‌تواند راهی میان‌بر برای مروجان و دست‌اندرکاران دیگر باشد و به دست‌یابی آنان به اهداف‌شان کمک رساند.

افزون بر این، میانگین سن زنان شالی‌کار نزدیک به ۴۲ سال بود که نشان‌دهنده‌ی گرایش نداشتن جوانان و دختران روستایی به مشارکت در کار شالی‌کاری به دلایل شخصی و اجتماعی و به‌صرفه‌نبودن کشاورزی از دیدگاه آنان، و گونه‌ئی پیرگرایی در این بخش، و افت انگیزش جوانان برای ماندن در روستاها و انجام کارهای کشاورزی است. با توجه به میانگین و بازه‌ی سنی شالی‌کاران، و هم‌بستگی منفی و معنادار متغیر سن با میزان خطرپذیری، پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران با پی‌گرفتن راه‌بردها و سیاست‌های حمایتی و تشویقی، راه‌کارهای مناسبی برای پستی بانی جامعه‌ی زنان شالی‌کار و جذب دختران به کشاورزی و زمینه‌های پیوسته با آن فراهم آورند. هم‌چنین شمار زیادی از زنان پاسخ‌گو، شالی‌کاری را شغل اصلی و تنها منبع درآمد خود شمرده‌بودند که با توجه به این که برخی از آنان سرپرست خانوار نیز بودند و گستره‌ی اندک زمین شالی‌کاری که در اختیار داشتند، در وضعی بسیار سخت به سر می‌بردند و از لحاظ

اقتصادی بسیار شکننده بودند. در این باره نیز بخش بیمه می‌تواند با ارائه خدمات و بیمه کردن فرآورده، زمین، و در صورت نیاز درآمد، پشتوانه‌ئی برای کشاورزان باشد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که ۶۴/۸ درصد از زنان شالی‌کار صاحب زمین‌های شالی‌کاری بودند و می‌توانستند همگی محصول را برای خود بردارند. در مالکیت‌های از گونه‌ی سهم‌بری، شالی‌کاران بایست نیمی از محصول را به صاحب زمین می‌دادند، و در زمین‌های اجاره‌ئی نیز افراد بایست اجاره‌بها را در زمان مقرر به صاحب زمین می‌دادند، چه سود می‌کردند و چه زیان. هم‌چنان که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، هم‌بسته‌گی گونه‌ی مالکیت زنان شالی‌کار با میزان خطرپذیری آنان معنادار است. نزدیک به ۶۰ درصد شالی‌کاران، شالیزارهایی کوچک‌تر از ۲ هکتار داشتند که نشان‌گر ضعف اقتصادی و در پی آن کاهش خطرپذیری‌شان بود. میزان درآمد آنان نیز با توجه به سن بالا از یک سو و بزرگی خانوارهایشان از سوی دیگر، کم بود. در این باره نیز پیشنهاد می‌شود که دولت تسهیلاتی مانند وام‌های بلاعوض و وام‌های بی‌بهره یا کم‌بهره با اقساط بلندمدت به زنان شالی‌کار بدهد که می‌تواند برای کمک به این گروه محروم بسیار سودمند باشد.

گذشته از آنچه گفته‌شد، در نظر گرفتن برنامه‌هایی برای توانمندسازی زنان شالی‌کار روستایی برای دستیابی‌شان به پایگاه اقتصادی-اجتماعی شایسته‌ی آنان، باید در دستور کار دست‌اندرکاران باشد؛ چرا که جامعه‌ئی با زنان آگاه‌تر و توانمندتر، فرزندان و جوانانی آگاه‌تر نیز خواهدداشت و دستیابی به شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در چنین جامعه‌ئی آسان‌تر خواهدبود. طراحی، گردآوری، و انجام برنامه‌هایی هم‌آهنگ با نیازهای بنیادی زنان، همراه با مشارکت دادن و نیازسنجی درست آنان، و سرانجام ارزش‌یابی برنامه‌ها با کمک زنان، راه‌کاری بسیار سودمند برای اقتضایی ساختن برنامه‌ها است.

یافته‌های برآمده از تعیین میزان خطرپذیری شالی‌کاران بررسی‌شده نشان داد که بیش‌تر زنان شالی‌کار در گروه «بی‌تفاوت به خطر» جای می‌گیرند. پس از این گروه، افراد «خطرپذیر» پرشمارتر اند و سپس افراد «خطرگریز». این نشان می‌دهد که جامعه‌ی بررسی‌شده دربرگیرنده‌ی کسانی است که بیش‌تر به پذیرش فن‌آوری‌های نو گرایش دارند و با فراهم آمدن زمینه و شرایط لازم، نوآوری‌های معرفی‌شده را خواهندپذیرفت. بنابراین پیشنهاد می‌شود که پیش از معرفی هر نوآوری، امکانات لازم



برای آن فراهم آید و آگاهی‌های لازم به افراد داده‌شود. این کار نیازمند توجه بیشتر به فعالیت‌های ترویج و آموزش کشاورزی به‌ویژه در زمینه‌ی شالی‌کاری است. اولویت‌بندی عوامل خطرزا از دیدگاه شالی‌کاران نشان داد که آنان رویدادهای طبیعی و شرایط دگرگون‌شونده‌ی آب و هوایی را مهم‌ترین عواملی برمی‌شمارند که آنان را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که بخش بیمه با پشتیبانی مطلوب‌تر شالی‌کاران در هنگام رویارویی با خطر، آنان را پوشش دهد تا با اطمینان خاطر بیشتری نوآوری‌ها را بپذیرند و خطر کم‌تری احساس کنند.

## منابع

- ۱- ترکمانی، ج. ۱۳۷۷. تحلیل اقتصادی تولید و بازاریابی انجیر در ایران. صص. ۳۹-۴۸ در *مجموعه مقالات دومین گردهم‌آبی اقتصاد کشاورزی ایران*. تهران: دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۲- دریجانی، ع. و م. قربانی. ۱۳۷۷. عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه‌ی گندم در استان مازندران. صص. ۱۶-۲۶ در *مجموعه مقالات دومین گردهم‌آبی اقتصاد کشاورزی ایران*. تهران: دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۳- رستمی، ف. ۱۳۸۳. *مدیریت ریسک تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانواده‌گی (مطالعه‌ی موردی شهرستان هرسین)* [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی]. تهران: دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۴- فهیم، ا. / (۱۳۸۳). راه‌های رویارویی با خطرات تهدیدکننده‌ی واحدهای تولیدی کشاورزی از دیدگاه مدیریت ریسک. *فصل‌نامه‌ی پژوهشی صندوق بیمه‌ی محصولات کشاورزی* (۲): ۶۱-۶۹.
- ۵- کوپاهی، م. ۱۳۸۲. *برنامه‌ریزی خطی* [جزوه‌ی درسی]. تهران: گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۶- کیانی راد، ع. و س. یزدانی. ۱۳۸۲. مدیریت ریسک و بیمه‌ی محصولات کشاورزی کشاورزی: تجارب و آموزه‌ها. در *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس دوسالانه‌ی انجمن اقتصاد کشاورزی ایران*. تهران: دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۷- محمودزاده، ر. ۱۳۸۳. گرایش به ریسک. *فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۱۶(۱۶): ۹۵-۱۰۳.
- 8- Harwood, Joy, Richard Heifner, Keith Coble, Janet Perry, and Agapi Somwaru. 1999. *Managing Risk in Farming: Concepts, Research, and Analysis*. Agricultural Economics Report No. 774. Washington, DC: United States Department of Agriculture.
- 9- Hazell, Peter B. R., and Roger D. Norton. 1986. *Mathematical Programming for Economic Analysis in Agriculture (Biological Resource Management)*. New York: McMillan Publishing Company.
- 10- Just, Richard E., and David Zilberman. 1986. Does the law of supply hold under uncertainty? *The Economic Journal* 96(382): 514-524.
- 11- Robinson, Lindon J., and Peter J. Barry. 1987. *The Competitive Firm's Response to Risk*. New York: McMillan.
- 12- Ray, Parimal Kumar. 1967. *Agricultural Insurance: Principles and Organization and Application to Developing Countries*. London, UK: Pergamon Press.
- 13- Sankhayan, Prem Lall. 1988. *Introduction to the Economics of Agricultural Production*. New Delhi: Prentice-Hall of India Pvt. Ltd.
- 14- Williams, Jeffery R., Gordon L. Carriker, G. Art Barnaby, and Jayson K. Harper. 1993. Crop insurance and disaster assistance designs for wheat and grain sorghum. *American Journal of Agricultural Economics* 75(2): 435-447.



### نویسندگان

#### نگین فلاح حقیقی،

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده‌ی اقتصاد و توسعه‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران  
nfallah@gmail.com

دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشکده‌ی کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران؛  
از وی کتاب *مقدمه‌ئی بر تحلیل و اندازه‌گیری بهره‌وری ترویج کشاورزی* و چندین نوشتار در  
مجله‌های علمی-پژوهشی کشوری و جهانی چاپ شده‌است.

#### دکتر شاپور ظریفیان،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران  
zarifian@ut.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی گیاه‌شناسی، دانشگاه تبریز؛ کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، دانشگاه تهران؛  
و دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه تهران؛  
از وی نوشتارهای فراوانی در زمینه‌ی ترویج کشاورزی، سازمان‌های غیردولتی، و رهیافت‌های ترویج  
کشاورزی در مجله‌های علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی چاپ شده‌است.



## تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر اشتغال زنان بررسی مقطعی بین‌کشوری

دکتر زهرا افشاری

استاد دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا

فرح رضانی

کارشناس پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

در این نوشتار اثر فن‌آوری و به‌ویژه فن‌آوری اطلاعات بر اشتغال زنان با به‌کارگیری داده‌های مقطعی بین‌کشوری بررسی می‌شود. سپس دو گروه از کشورها، ایران (کاربران پویا و واپسین‌ها) با کشورهای دیگر (رهبران و رهبران بالقوه) مقایسه خواهد شد. برای این کار آزمون‌های رگرسیون خطی و غیرخطی به کار گرفته شده‌است. متغیرهای مستقل آزمون نوآوری در فن‌آوری، نوآوری‌های تازه (فن‌آوری اطلاعات)، نوآوری‌های پیشین، و مهارت‌های انسانی، و متغیرهای وابسته‌ی آزمون نیز نرخ فعالیت اقتصادی، درآمد، و افزایش توان‌مندی زنان است. داده‌های پژوهش از آمارهای آمده در گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۱ گرد آمده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فن‌آوری اطلاعات تأثیری معنادار بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان نداشته‌است، اما تأثیر آن بر میزان درآمد و افزایش توان‌مندی آنان معنادار بوده‌است؛ با این تفاوت که تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر درآمد زنان در کوتاه‌مدت مثبت است و سپس با گذشت زمان کاهش می‌یابد.

### واژه‌گان کلیدی

فن‌آوری اطلاعات؛ اشتغال کمی و کیفی زنان؛ نمایه‌های دستیابی به فن‌آوری؛

## پیش‌گفتار

فن‌آوری و به‌ویژه فن‌آوری اطلاعات (IT)<sup>۱</sup> انگیزشی در زنده‌گی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جهان پدید آورده‌است. بیش‌تر راه‌بردهای توسعه بر نقش بنیادی فن‌آوری اطلاعات بر توسعه‌ی اقتصادی تأکید دارند، ولی پژوهش‌های اندکی تأثیر این نقش را بر دگرگون‌سازی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی بررسی کرده‌اند. در چند پژوهش انجام‌شده برای بررسی اثر فن‌آوری اطلاعات بر بهبود جایگاه زنان، نشان داده‌شده‌است که رشد اقتصادی برآمده از توسعه‌ی فن‌آوری اطلاعات می‌تواند دسترسی زنان را به آموزش و بهداشت افزایش دهد. با این همه، رشد اقتصادی نمی‌تواند به‌تنهایی دگرگون‌کننده‌ی جایگاه زنان باشد؛ بلکه ساختار فرهنگی (ساختار پدرسالاری خانواده) عاملی مهم‌تر در تعیین جایگاه زنان است (افشاری، و شیبانی، ۱۳۸۳). با نگرش به این که نیمی از مردم کشور زنان اند، راه‌بردهای توسعه در کشورهای درحال‌توسعه باید برای برون‌رفت از گوشه‌نشینی اقتصادی و اجتماعی، نگاهی نیز به زنان داشته‌باشد تا فرصت‌هایی برای رشد و گونه‌گونی اقتصادی پدید آید. در پخش و گسترش فن‌آوری، بی‌توجهی به مسائل جنسیتی، هم‌چون نیروی کار جنسیتی، می‌تواند ناخواسته تأثیری منفی بر زنان بگذارد؛ هم‌چنان که انقلاب سبز فن‌آوری و دگرگونی‌های آن هزینه‌هایی چشم‌گیر برای زنان روستایی داشت. دسترسی نداشتن به فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی (ICT)<sup>۲</sup> عاملی مهم برای گوشه‌نشینی زنان از روند کلی اقتصادی و سیاسی اجتماعی کشورهاشان و جهان است. زنان بدون مشارکت همه‌سویه در به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعات، کلید مشارکت در جامعه‌ی جهانی سده‌ی بیست‌ویکم را از دست می‌دهند (هافکین و تاگارت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱: ۸).

## نگاهی به بنیان‌های نظری اثر فن‌آوری بر اشتغال

بر پایه‌ی نگره‌های رشد اقتصادی، افزایش عوامل تولید تنها می‌تواند تا زمانی به افزایش تولید و اشتغال بیانجامد و پس از آن، در نبود پیش‌رفت فن‌آوری، تولید بازدهی کاهنده خواهدیافت. از این رو، افزایش عوامل تولید (سرمایه) نمی‌تواند به‌تنهایی تولید را افزایش دهد. پیش‌رفت فن‌آوری اما پی‌رو قانون بازده کاهنده نیست

1. Information Technology  
 2. Information and Communication Technology  
 3. Hafkin, Nancy, and Taggart, Nancy





و با انتقال تابع تولید می‌تواند رشد تولید و اشتغال، و بدین سان کاهش بی‌کاری را در پی داشته‌باشد.

از این رو، بیش‌تر نگره‌ها بر این باور اند که بی‌کاری برآمده از پیش‌رفت فن‌آوری گذرا است و به‌کارگیری فن‌آوری، نیروی کار را بازخواهدگرداند. برخی دیگر، نرمش‌ناپذیری‌های بازار را از عوامل بازدارنده‌ی گردآوری نیروی کار می‌دانند.

بنابراین، می‌توان به‌کوتاهی چنین گفت (وحیدی، ۱۳۸۰: ۶-۷):

۱- دانش و فن‌آوری با افزایش بهره‌وری تأثیرهایی به صورت افزایش بی‌کاری در جامعه دارند؛ اما این تأثیرها گذرا است و اقتصاد این توان را دارد که بیکارشدگان را دوباره به کار گیرد.

۲- در صورت نبود دگرگونی‌های چشم‌گیر در فن‌آوری، ابعاد بی‌کاری افزایش می‌یابد. به سخن دیگر، دگرگونی‌های فن‌آوری تأثیری مثبت بر اشتغال دارد و بی‌کاری را کاهش می‌دهد.

۳- ساختار مهارتی کارکنان در بخش‌های گوناگون اشتغال، با به‌کارگیری فن‌آوری دگرگون می‌شود و از این میان بهره‌ی کارکنان خیره و کارشناس افزایش می‌یابد.

### وضعیت اشتغال زنان پس از ورود فن‌آوری اطلاعات

جابه‌جایی در پخش مشاغل، در درون پرنفوذترین نگره‌ی جامعه‌ی اطلاعاتی، که بل<sup>۱</sup> آورده‌است، جای دارد. بل پیدایش «جامعه‌ی یقه‌سفیدان»<sup>۲</sup> (و بنابراین کار داده‌ئی) و کاهش کار صنعتی را چنان دگرگونی ژرفی می‌داند که آن را پایان مبارزه‌ی سیاسی طبقات، افزایش هشیاری گروهی، و برابری زن و مرد می‌شمارد (وبستر<sup>۳</sup>، ۱۳۸۰: ۳۶).

کستلز<sup>۴</sup> ورود انبوه زنان را به نیروی کارمزدبگیر، از یک سو پی‌آمد داده‌ئی شدن، شبکه‌بندی، و جهانی شدن اقتصاد، و از سوی دیگر، پی‌آمد دسته‌بندی جنسیتی بازار کار می‌داند که از امتیاز و شرایط اجتماعی ویژه‌ی زنان برای افزایش توان تولید، کنترل مدیریتی، و سرانجام سود بیش‌تر بهره می‌گیرد. بنابراین، از دیدگاه کستلز، گونه‌ی خدمتی که به داده‌ئی شدن اقتصاد مربوط می‌شود و گسترش اشتغال زنان در کشورهای پیش‌رفته به گونه‌ئی مستقیم متناظر است (کاستلز، ۲۰۷: ۱۳۸۰).

1. Bell, Daniel  
2. White Collar Society  
3. Webster, Frank  
4. Castells, Manuel

پرینگل<sup>۱</sup> بر این باور است که فن‌آوری نوین توان مردان را بهبود داده‌است. اگر مردان وزیران فن‌آوری باشند، زنان خدمت‌کاران فن‌آوری خواهند بود. فن‌آوری به زنان توانایی نمی‌دهد؛ بلکه نانوانی آنان را بیش‌تر می‌کند و آن‌ها را به مردان وابسته می‌سازد (میترو و روبات‌هام<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵).

بروگل<sup>۳</sup> بر آن است که در آینده‌ی نزدیک جایگاه زنان در بخش خدمات به‌شدت رو به وخامت می‌گذارد، زیرا کارفرمایان به‌کارگیری گونه‌های نوین فن‌آوری، هم‌چون ریزپردازنده‌ها را به کارکنان زنی که در اکنون به کارهایی چون بایگانی، دفترداری، یا صندوق‌داری مشغول اند، ترجیح می‌دهند (گرت<sup>۴</sup>، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

بررسی تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر اشتغال در کشور ما موضوعی نسبتاً نو شمرده می‌شود؛ اما پژوهش‌های فراوانی در این باره در کشورهای پیش‌رفته انجام شده‌است. در ژاپن، پژوهش بنیاد کار ژاپن<sup>۵</sup> در ۱۹۸۵، درباره‌ی تأثیرات فن‌آوری‌های نوین الکترونیک در صناعی مانند خودروسازی، روزنامه، ماشین‌ابزار برقی، و نرم‌افزار بر اشتغال، نشان داد که به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین، کاهش چشم‌گیر در اشتغال پدید نیآورده‌است (بنیاد کار ژاپن، ۱۹۸۵).

در امریکا، بیش از همه از پژوهشی نام برده می‌شود که لئون‌تی‌یف و داکین<sup>۶</sup> (۱۹۸۶) درباره‌ی ارزیابی تأثیر کامپیوتر بر اشتغال انجام دادند و سال‌های ۱۹۶۳ تا ۲۰۰۰ را در بر می‌گرفت. پژوهش آن‌ها نشان داد که تأثیر فن‌آوری بر صنایع و مشاغل مختلف بسیار متفاوت است و پیش‌بینی می‌شود که خدمات و به‌ویژه کارهای دفتری، بیش از بخش‌های تولیدی با مشکل کاهش شغل به دلیل کاربرد گسترده‌ی خودکارسازی<sup>۷</sup> روبه‌رو شود. میزان اشتغال برای کارکنان دفتری و مدیران، کاهش چشم‌گیر خواهد یافت؛ ولی چشم‌انداز کاری کارشناسان بهتر خواهد شد و پیشه‌وران و کاربران جایگاه کنونی خود را در بازار حفظ خواهند کرد (فلین<sup>۸</sup>، ۱۹۸۵).

آک‌رو<sup>۹</sup> (۱۹۹۵) در نوشتاری با نام «ناسازگاری خواست‌ها از فن‌آوری نو و کارخانه» که اشتغال زنان را در بخش پارچه‌بافی آرژانتین و برزیل بررسی کرده، نشان داده‌است که فرآیند نوین تولید به گونه‌ئی فزاینده خواستار مهارت‌های مدیریتی

1. Pringle, Rosemary  
2. Mitter, Swasti, and Rowbotham, Sheila  
3. Brogle  
4. Garrett, Stefanie  
5. Japan Institute of Labour (JIL)  
6. Leontief, Wassily, and Duchin, Faye  
7. Automation  
8. Flynn, Patricia M.  
9. Acero, Liliana



و فن‌سالار نو برای مشاغل اصلی است. از دیدگاه وی، عوامل اجتماعی و آموزشی سدی برای دستیابی زنان به فرصت‌هایی برای بهبود مهارت آن‌ها و در نتیجه دستیابی به مشاغل اصلی می‌شود. وی چنین می‌گوید که فن‌آوری نو مهارت‌های مربوط به مشاغل خط تولید را کاهش می‌دهد و این مشاغل را برای زنان دست‌یافتنی‌تر می‌کند (آکه‌رو، ۱۹۹۵).

در ایران، افشاری و شیبانی (۱۳۸۳) اثر فن‌آوری اطلاعات را بر جایگاه زنان و نابرابری جنسیتی با استفاده از داده‌های مقطعی بین‌کشوری بررسی کرده و دریافته‌اند که نمایه‌های فن‌آوری (به‌ویژه فن‌آوری اطلاعات) اثری قابل‌توجه بر نمایه‌های ارتقای جایگاه زنان داشته‌است؛ با این همه، اثر آن بر کاهش نابرابری جنسیتی ناچیز بوده‌است (افشاری و شیبانی، ۱۳۸۳).

### وضعیت فن‌آوری در کشورهای گوناگون

کشورهای گوناگون جهان در دسترسی به ذخایر فن‌آوری اطلاعات، مانند کاربرانی اینترنت، صادرات فن‌آوری اطلاعات به کل صادرات سرانه‌ی تلفن و برق، امتیازها و گواهی‌نامه‌های داده‌شده، و ذخایر سرمایه‌ی انسانی، تفاوت چشم‌گیری با هم دارند. گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۱<sup>۱</sup>، هفتاد و دو کشور جهان را از دیدگاه فن‌آوری به چهار گروه عمده دسته‌بندی کرده‌است (برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، ۲۰۰۱):

۱- رهبران<sup>۲</sup> - این کشورها در آفرینش، گسترش، و کاربرد فن‌آوری پیش‌تاز اند. مانند فنلاند و آمریکا.

۲- رهبران بالقوه<sup>۳</sup> - این کشورها در زمینه‌ی مهارت‌های انسانی سرمایه‌گذاری بالایی کرده و گسترش فراوانی در فن‌آوری‌های پیشین پدید آورده‌اند؛ اما نوآوری در این کشورها کم است.

۳- کاربران پویا<sup>۴</sup> - این کشورها فن‌آوری مهمی در صنایع دارند و دارای مراکز فن‌آوری هستند؛ اما گسترش نوآوری پیشین در آن‌ها کند و ناقص است.

۴- واپسین‌ها<sup>۵</sup> - این کشورها برای رسیدن به گسترش فن‌آوری و مهارت‌های انسانی راهی درازتر در پیش دارند.

1. Human Development Report 2001  
 2. United Nations Development Programme  
 3. Leaders  
 4. Potential Leaders  
 5. Dynamic Users  
 6. Marginalist

## روش پژوهش

در این پژوهش اثر نمایه‌های دستیابی به فن‌آوری بر اشتغال کمی و کیفی زنان بررسی می‌شود. برای این کار، نخست به شناسایی این نمایه‌های می‌پردازیم.

## نمایه‌های دستیابی به فن‌آوری (متغیر مستقل)

- ۱- نمایه‌ی نوآوری فن‌آوری (TCI)<sup>۱</sup>- این نمایه میانگین دو نمایه‌ی گواهی‌نامه‌ها و امتیازهای دریافت‌شده توسط کشور مورد نظر است.
- ۲- نمایه‌ی گسترش نوآوری‌های تازه (DRI)<sup>۲</sup>- این نمایه میانگین دو نمایه‌ی کاربران اینترنت و سهم صادرات فن‌آوری است.
- ۳- نمایه‌ی گسترش نوآوری‌های پیشین (DOI)<sup>۳</sup>- این نمایه از میانگین دو نمایه‌ی مصرف سرانه‌ی تلفن و برق به دست می‌آید.
- ۴- نمایه‌ی مهارت‌های انسانی (HIS)<sup>۴</sup>- این نمایه میانگین دو نمایه‌ی میانگین سال‌های تحصیلی و نام‌نویسی ناخالص در رشته‌های علوم (ریاضی و مهندسی) است. برای برآورد این نمایه‌ها، دستور عمومی زیر به کار می‌رود:

$$\text{نمایه} = \frac{x_i - x_{\min}}{x_{\max} - x_{\min}}$$

که در آن:

$x_i$  مقدار متغیر در کشور  $i$ ؛

$x_{\min}$  کمینه‌ی جهانی متغیر؛

و  $x_{\max}$  بیشینه‌ی جهانی متغیر است.

## نمایه‌های اشتغال کمی و کیفی زنان (متغیر وابسته)

برای سنجش موقعیت کمی و کیفی زنان نمایه‌های زیر برآورد می‌شود:

- ۱- نرخ فعالیت اقتصادی زنان.
- ۲- درآمد زنان.
- ۳- نمایه‌های سازنده‌ی مقدار توان‌مندسازی جنسیتی (GEM)<sup>۵</sup> (افزایش توان‌مندی

(زنان)

1 Technology Achievement Index

2. Diffusion of Recent Innovation Index

3. Diffusion of Old Innovation Index

4. Human Skill Index

5. Gender Empowerment Measure



این نمایه به جای بررسی توانایی‌های زنان، فرصت‌های در اختیار زنان را می‌سنجد. این نمایه میانگین وزنی سه نمایه‌ی مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، و توان تصمیم‌گیری و کنترل بر منابع اقتصادی است (برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، ۲۰۰۱:۲۴۶)

### فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی اثر پیش‌رفت فن‌آوری بر اشتغال کمی و کیفی زنان، فرضیه‌هایی زیر آزموده شده است:

- نمایه‌های دستیابی به فن‌آوری هم‌بستگی مثبت و معناداری با نرخ فعالیت اقتصادی زنان دارد.

- نمایه‌های دستیابی به فن‌آوری هم‌بستگی مثبت و معناداری با درآمد زنان و افزایش توان‌مندی زنان دارد.

- نمایه‌های دستیابی به فن‌آوری هم‌بستگی مثبت و معناداری با نرخ فعالیت اقتصادی، درآمد، و افزایش توان‌مندی زنان دارد.

- تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر اشتغال کمی و کیفی زنان در ایران با کشورهای دیگر یکسان نیست.

برای آزمون این فرضیه‌ها، داده‌های مقطعی ۷۲ کشور که نمایه‌های فن‌آوری‌شان در دسترس بود به کار گرفته شد. برای هر متغیر وابسته (نرخ فعالیت اقتصادی، درآمد، افزایش توان‌مندی زنان) دو معادله‌ی خطی و غیرخطی برآورد شده است.

مدل غیرخطی در این پژوهش، به دلیل امکان تأخیر تأثیر فن‌آوری بر اشتغال زنان به کار گرفته شده است و بر روی هم، با نگرش به متغیرهای وابسته و مستقل، ۱۳ مدل برآورد شده است.

معادله‌ها با روش کمینه‌ی مربعات معمولی (OLS) در نرم‌افزار EViews برآورد شده است.

داده‌های مقطعی خام به‌کاررفته در این پژوهش، برگرفته از گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۱ (برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، ۲۰۰۱) است.

## یافته‌های پژوهش

در این بخش الگوهای مقطعی نمایه‌های فن‌آوری و اشتغال کمی و کیفی زنان (نرخ فعالیت اقتصادی زنان، درآمد زنان، افزایش توان‌مندی زنان) بررسی می‌شود.

## تأثیر نمایه‌های دست‌یابی به فن‌آوری بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان

مدل‌های خطی و غیرخطی مقطعی (جدول ۱) نشان می‌دهد که نمایه‌ی گسترش نوآوری‌های پیشین (DOI) و نمایه‌ی مهارت‌های انسانی (HSI) از الگوی غیرخطی پیروی می‌کند. بدین گونه که اثر هر دو نمایه بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان در مراحل آغازین منفی است، ولی با گذشت زمان این اثر مثبت می‌شود. دو نمایه‌ی نوآوری فن‌آوری و نوآوری‌های تازه هیچ گونه رابطه‌ی معناداری با نرخ فعالیت اقتصادی زنان ندارد؛ برای این که فن‌آوری اطلاعات نیازمند زیرساخت‌های فنی، فن‌آورانه، و همچنین آموزش‌های انسانی است که دست‌یابی به این زیرساخت‌ها به زمانی دراز نیاز دارد.

برای مقایسه‌ی کشورها نیز، در این بخش، به‌کارگیری متغیر مجازی نشان داد که ضریب متغیر مجازی، ضریبی معنادار نبوده‌است. بنابراین، نمی‌توان اختلاف میان کشورها را در تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان معنادار دانست.

جدول ۱- اثر نمایه‌های فن‌آوری اطلاعات بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان

شماره‌ی مدل	متغیر مستقل	ضریب ثابت	C <sub>1</sub>	C <sub>2</sub>	ضریب متغیر مجازی	R <sup>2</sup>
۱	TCI	۵۰/۳۰*	۶/۷۴***	-	-	۱/۰۰
	TCI <sup>2</sup>	۵۰/۳۰*	۶/۵۹***	۰/۳۳***	-	۱/۰۰
	TCI Dummy	۵۰/۲۰*	۶/۷۴***	-	-۳/۸۴**	۵/۰۰
۲	DRI	۴۸/۹۰*	۰/۱۰***	-	-	۰/۲۰
	DRI <sup>2</sup>	۴۸/۵۰*	۱/۷۸***	-۰/۴۴***	-	۰/۴۰
	DRI Dummy	۴۹/۵۹*	۰/۱۳***	-	۱/۶۲***	۰/۷۰
۳	DOI	۵۴/۵۰*	۶/۵۱***	-	-	۱/۰۰
	DOI <sup>2</sup>	۹۴/۵۰*	۱۴/۰۵۰*	۹۷/۷۲*	-	۲۳/۰۰
	DOI Dummy	۵۴/۲۰*	۵/۷۷***	-	۰/۶۸***	۱/۰۰
۴	HSI	۵۱/۰۴*	۳/۴۹***	-	-	۰/۳۰
	HIS <sup>2</sup>	۶۷/۶۰*	۹۶/۰۰*	۱۰/۱۶۰*	-	۱۷/۰۰
	HSI Dummy	۵۱/۰۴*	۱/۹۴***	-	-۱/۸۲***	۰/۷۰

\* در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

\*\* در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

\*\*\* معنادار نیست.



### تأثیر نمایه‌های دست‌یابی به فن‌آوری بر درآمد زنان

جدول ۲ مدل‌های خطی و غیرخطی اثر نمایه‌های فن‌آوری و درآمد زنان را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان داد که تأثیر همه‌ی نمایه‌های فن‌آوری بر درآمد زنان مثبت است؛ با این تفاوت که رابطه‌ی دو نمایه‌ی نوآوری فن‌آوری و نوآوری‌های تازه غیرخطی است و تأثیر آن‌ها با گذشت زمان کاهش می‌یابد؛ در حالی که دو نمایه‌ی گسترش نوآوری‌های پیشین و مهارت‌های انسانی از رابطه‌ی خطی پیروی می‌کنند. مقایسه‌ی کشورها از نظر تأثیر فن‌آوری بر درآمد زنان، نشان می‌دهد که اختلاف کشورها (کاربران پویا، واپسین‌ها، و کشورهای دیگر) در تأثیر نمایه‌ی نوآوری فن‌آوری بر درآمد زنان، معنادار نیست؛ اما این اختلاف در تأثیر نمایه‌های نوآوری‌های تازه، نوآوری‌های پیشین، و مهارت‌های انسانی بر درآمد زنان معنادار است. در ایران (کاربران پویا و واپسین‌ها) تأثیر نوآوری‌های تازه و مهارت‌های انسانی بر درآمد زنان از کشورهای دیگر بیشتر بوده‌است.

جدول ۲- اثر نمایه‌های فن‌آوری اطلاعات بر درآمد زنان

شماره‌ی مدل	متغیر مستقل	ضریب ثابت	C <sub>1</sub>	C <sub>2</sub>	ضریب متغیر مجازی	R <sup>2</sup>
۵	TCI	۹۲۸۰/۰۰*	۲۱۵۸۴/۰۰*	-	-	۳۳/۰۰
	TCI <sup>2</sup>	۷۲۵۷/۰۰*	۷۲۴۰۲/۰۰*	-۱۰۷۶۱۹/۰۰	-	۵۵/۰۰
	TCI Dummy	۸۹۷۸/۳۱*	۲۱۵۸۵/۷۹*	-	-۶۰۳/۳۳***	۳۳/۰۰
۶	DRI	۷۸۱۰/۰۰*	۷/۲۸**	-	-	۴/۰۰
	DRI <sup>2</sup>	۴۳۴۰/۰۰*	۱۲۴۲۳/۰۰*	۳۱۸/۹۶*	-	۳۰/۰۰
	DRI Dummy	۶۲۴۰/۸۰*	۲۱۰/۵۰**	-	۴۰۰۷/۱۰*	۱۳/۰۰
۷	DOI	۱۰۵۸۸/۰۰*	۲۳۵۶۲/۰۰*	-	-	۷۱/۰۰
	DOI <sup>2</sup>	۹۳۷۴/۰۰*	۴۳۲۴۴/۰۰*	۴۸۷۳/۰۰	-	۹۲/۰۰
	DOI Dummy	۱۱۱۵/۰۰*	۲۴۸۷۴/۰۰*	-	-۱۲۱۳/۰۰**	۷۲/۰۰
۸	HSI	-۳۸۵۷/۰۰*	۲۶۱۵۶/۰۰*	-	-	۷۱/۰۰
	HIS <sup>2</sup>	-۲۲۱۳/۰۰**	۱۶۹۷۵/۷۰*	۱۰۰۷۹/۰۰**	-	۷۲/۰۰
	HSI Dummy	۳۸۵۶/۰۰*	۲۵۳۱۹/۵۰*	-	۹۸۲/۷۰***	۷۲/۰۰

\* در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

\*\* در سطح ۰/۱۰ معنادار است.

\*\*\* معنادار نیست.

### تأثیر نمایه‌های دست‌یابی به فن‌آوری بر افزایش توان‌مندی زنان

با نگاهی به مدل‌های برآوردشده (جدول ۳) می‌توان گفت که تأثیر همه‌ی نمایه‌های فن‌آوری (نوآوری‌های تازه، نوآوری‌های پیشین، و مهارت‌های انسانی) بر افزایش

توانمندی زنان مثبت است. رابطه‌ی این تأثیر غیرخطی است و با گذشت زمان کاهش می‌یابد.

مقایسه‌ی کشورها در تأثیر نمایه‌های فن‌آوری بر افزایش توانمندی زنان، نشان می‌دهد که اختلاف میان کشورها (کاربران پویا، و کشورهای دیگر) تنها در نمایه‌ی گسترش نوآوری‌های پیشین معنادار است؛ بدین گونه که تأثیر نوآوری‌های پیشین بر افزایش توانمندی زنان در کشورهای کاربران پویا، که ایران در میان آن‌ها است، با کشورهای دیگر هم‌سان نیست.

جدول ۳- اثر نمایه‌های فن‌آوری اطلاعات بر افزایش توانمندی زنان

شماره‌ی مدل	متغیر مستقل	ضریب ثابت	C <sub>1</sub>	C <sub>2</sub>	ضریب مجازی	R <sup>2</sup>
۹	TCI	۰/۶۱*	۰/۲۰***	-	-	۰/۷۰
	TCI <sup>2</sup>	۰/۵۵*	۱/۴۸*	-۲/۶۳	-	۳۷/۰۰
	TCI Dummy	۰/۶۳*	۰/۱۸**	-	-۰/۰۳***	۸/۰۰
۱۰	DRI	۰/۵۸*	۰/۰۰**	-	-	۲/۰۰
	DRI <sup>2</sup>	۰/۵۲*	۰/۱۸*	۰/۰۱*	-	۲/۰۰
	DRI Dummy	۰/۵۷*	۰/۰۰***	-	۰/۰۱***	۲/۰۰
۱۱	DOI	۰/۰۳***	۰/۶۹*	-	-	۷/۰۰
	DOI <sup>2</sup>	۰/۶۶*	۱/۰۴*	۱/۰۵*	-	۶۶/۰۰
	DOI Dummy	۰/۰۴*	۰/۷۴*	-	۰/۰۵*	۶۵/۰۰
۱۲	HSI	۰/۲۸*	۰/۵۶*	-	-	۴۷/۰۰
	HIS <sup>2</sup>	۰/۰۵***	۱/۴۹*	-۰/۸۳***	-	۵۱/۰۰
	HSI Dummy	۰/۲۸*	۰/۵۵*	-	۰/۰۱***	۴۷/۰۰

\* در سطح ۰/۰۵ معنادار است.  
\*\* در سطح ۰/۱۰ معنادار است.  
\*\*\* معنادار نیست.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، اثر دسترسی به فن‌آوری و سازه‌های آن، یعنی نمایه‌های گسترش فن‌آوری‌های نو (دست‌رسی به اینترنت)، گسترش فن‌آوری‌های پیشین (دست‌رسی به تلفن و برق)، نوآوری در فن‌آوری، و مهارت‌های انسانی (میانگین سال‌های تحصیلی و درصد دانش‌جویان رشته‌های علوم به کل دانش‌جویان)، بر نرخ فعالیت اقتصادی، درآمد، و افزایش توانمندی زنان، با به‌کارگیری داده‌های مقطعی ۷۲ کشور جهان که آمارهای‌شان در زمینه‌ی فن‌آوری اطلاعات در دسترس بود، بررسی شد. پژوهش به روش OLS و با برآورد معادله‌های خطی و غیرخطی انجام شد.





یافته‌های پژوهش نشان داد که دو نمایه‌ی مهارت‌های انسانی و فن‌آوری‌های پیشین از الگوی غیرخطی پیروی می‌کنند؛ بدین سان که تأثیر آن‌ها بر فعالیت اقتصادی زنان نخست منفی و سپس مثبت است. تأثیر دو نمایه‌ی دیگر، نوآوری در فن‌آوری و فن‌آوری‌های نو، بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان معنادار نیست. با نگرش به مفاهیم نظری پژوهش می‌توان گفت که دانش و فن‌آوری با افزایش بهره‌وری تأثیرهایی را به صورت افزایش بی‌کاری در جامعه دارد، اما این تأثیرها گذرا است و اقتصاد این توان را دارد که افراد بی‌کارشده را جذب کند. در این پژوهش می‌توان چنین انگاشت که تأثیر نداشتن فن‌آوری اطلاعات بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان گذرا باشد و در درازمدت اثرگذار شود.

از سوی دیگر، می‌توان گفت با ورود فن‌آوری اطلاعات، سهم کارکنان ماهر و کارشناس افزایش می‌یابد. ولی شاید زنان به دلیل شرایط و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه نتوانند به تخصص‌های لازم برای اشتغال در بخش فن‌آوری اطلاعات دست یابند. از این رو، نرخ فعالیت اقتصادی زنان کاهش می‌یابد.

هم‌چنین، یافته‌های پژوهش نشان داد که اثر فن‌آوری اطلاعات بر درآمد زنان در هر چهار مدل مثبت و معنادار است. با این همه، رابطه‌ی نوآوری در فن‌آوری و فن‌آوری‌های تازه از رابطه‌ی غیرخطی پیروی می‌کند؛ به گونه‌ی که تأثیر آن بر درآمد زنان نخست مثبت است، ولی با گذر زمان کاهش می‌یابد. این موضوع را می‌توان چنین تحلیل کرد که در آغاز رواج فن‌آوری اطلاعات، کم‌بود نیروی کار در این بخش درآمد زنان را افزایش می‌دهد؛ ولی اندک‌اندک با ورود فن‌آوری‌های نو به بخش‌های صنعتی و خدماتی، اشتغال حاشیه‌ی رشد می‌کند که شامل کارهای پاره‌وقت، موقتی، و مشاغل غیررسمی است. با نگرش به الگوهای کلی اشتغال، زنان بیش‌تر در این بخش‌ها کار می‌کنند که از دیدگاه امنیت شغلی، دست‌مزد، شرایط کار، و فعالیت‌های اجتماعی در سطحی پائین جای دارد. بدین سان، تأثیر مثبت فن‌آوری اطلاعات بر درآمد زنان با گذر زمان کاسته می‌شود.

سرانجام، نمایه‌های دست‌یابی به فن‌آوری نقشی مثبت و معنادار در افزایش توان‌مندی زنان دارد؛ با این همه، تأثیر نوآوری فن‌آوری و فن‌آوری‌های تازه از رابطه‌ی غیرخطی پیروی می‌کند.

در مقایسه‌ی ایران (کاربران پویا و واپسین‌ها) با کشورهای دیگر (رهبران و رهبران بالقوه) در زمینه‌ی تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر اشتغال کمی و کیفی زنان،

می‌توان گفت که اختلاف ایران و کشورهای دیگر در تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان و افزایش توان‌مندی زنان معنادار نیست. این نشان می‌دهد که در همه‌ی کشورها، هنوز زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی سدی برای تأثیرگذاری فن‌آوری اطلاعات بر نرخ فعالیت اقتصادی و افزایش توان‌مندی زنان است. تنها اختلاف معنادار میان کشورها در تأثیر نمایه‌ی فن‌آوری اطلاعات بر درآمد زنان است. بدین گونه که تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر درآمد زنان در ایران (کاربران پویا و واپسین‌ها) از کشورهای دیگر (رهبران و رهبران بالقوه) بیش‌تر است که علت آن را می‌توان تازه‌گی فن‌آوری اطلاعات در این کشورها و کم‌بود نیروی کار ماهر در این زمینه دانست. با این همه، پیش‌بینی می‌شود که با گذشت زمان درآمد زنان در این کشورها همچون کشورهای دیگر کاهش یابد.



## منابع

- ۱- افشاری، زهرا؛ و ایمان شیپانی. ۱۳۸۳. «بررسی اثر فن‌آوری اطلاعات بر نابرابری جنسیتی (مطالعه‌ی مقطعی بین‌کشوری)». *تحقیقات اقتصادی* ۶۶: ۱-۶.
- ۲- توسلی، غلامعباس. ۱۳۷۵. *جامعه‌شناسی کار و شغل*. تهران: مهر.
- ۳- کاستلز، مانوئل. ۱۳۸۰. *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، و فرهنگ*. جلد ۲. برگردان احمد علیقلیان، و افشین خاکباز. تهران: طرح نو.
- ۴- گرت، استفانی. ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی جنسیت*. برگردان کتابون بقایی. تهران: دیگرا.
- ۵- وبستر، فرانک. ۱۳۸۰. *نظریه‌های جامعه‌ی اطلاعاتی*. برگردان اسماعیل قدیمی. تهران: قصیده‌سرا.
- ۶- وحیدی، پریدخت. ۱۳۸۰. «رابطه‌ی علم و فن‌آوری اشتغال در بخش صنعت ایران». *مجله‌ی برنامه و بودجه* ۵۳-۵۴: ۶-۷.
- 7- Acero, Liliana. 1995. Conflicting demands of new technology and household work: Women's work in Brazilian and Argentinian textiles. Ch. 4 IN *Women Encounter Technology: Changing patterns of employment in the Third World* edited by Swasti Mitter and Sheila Rowbotham. London and New York: Routledge. Published in association with the United Nation University.
- 8- Flynn, Patricia M. 1985. *The Impact of Technological Change on Jobs and Workers*. Washington, DC: Employment Training Administration, U.S. Department of Labor.
- 9- Japan Institute of Labour. 1985. *Technological Innovation and Industrial Relations (Japanese Industrial Relations Series No. 13)*. Tokyo: Japan Institute of Labour.
- 10- Hafkin, Nancy, and Nancy Taggart. 2001. *Gender, Information Technology, and Developing Countries: An Analytic Study*. Washington, DC: Academy for Educational Development; Agency for International Development (Department of State).
- 11- United Nations Development Programme. 2001. *Human Development Report 2001: Making New Technologies Work for Human Development*. New York: Oxford University Press.
- 12- Leontief, Wassily, and Faye Duchin. 1986. *The Future Impact of Automation on Workers*. New York: Oxford University Press.
- 13- Mitter, Swasti, and Sheila Rowbotham (Eds). 1995. *Women Encounter Technology: Changing patterns of employment in the Third World*. London and New York: Routledge. Published in association with the United Nation University.

نویسندگان

دکتر زهرا افشاری،

استاد دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا  
zafshari@alzahra.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای اقتصادی از دانشگاه ایندیانا‌ی امریکا؛  
نویسنده‌ی هشت کتاب در زمینه‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی و بیش از ۵۰ نوشتار در  
مجله‌های داخلی و خارجی.

فرح رضانی،

کارشناس پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی  
hadianmohammad@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، و کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه  
الزهرا.

## بنیادهای نظری مخالفان قضاوت زنان در ایران

دکتر جمیله کدیور

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا

### چکیده

این نوشتار در پی دسته‌بندی و روشن ساختن دیدگاه‌های مخالفان حضور زنان در دستگاه قضایی کشور است. برای این کار، در کنار تشریح جایگاه زنان در دستگاه قضایی کشور و بیان دگرگونی‌های حضور زنان در سال‌های پس از انقلاب، تلاش شده‌است بنیان‌های استدلال مخالفان قضاوت زنان بررسی شود. بررسی مدارک مخالفان حضور زنان در جایگاه قاضی، نشان می‌دهد که نه آیه‌ها و روایت‌ها، و نه دیگر استدلال‌ها، مانند سست‌نهادی زنان، برای بازداشتن آنان از کار قضاوت پذیرفتنی نیست.

### واژه‌گان کلیدی

قضاوت؛ دستگاه قضایی ایران؛ فقه شیعه؛ آیه‌ها؛ روایت‌ها؛ فیزیک زنان؛

### پیش‌گفتار

در نظام حقوقی ایران، زنان چه جایگاهی در دستگاه قضایی دارند؟ در سال‌های گذشته دستگاه قضایی شاهد چه دگرگونی‌هایی در زمینه فعالیت‌های قضایی زنان بوده‌است؟ چرا زنان در ایران نمی‌توانند قاضی شوند؟ بنیان‌های مخالفت با حضور زنان در جایگاه قاضی در نظام حقوقی ایران چیست؟ بنیان‌های استدلال فقیهان شیعه درباره‌ی قضاوت زنان چیست؟ این نوشتار در پی یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها است.

به باور نویسنده، علی‌رغم پویایی فقه شیعه در زمینه‌های گوناگون، متأسفانه، گفتمان‌های فقهی درباره‌ی زنان، با دگردیسی‌های زمانی و مکانی هم‌آهنگ نبوده و کم‌ترین دگرگونی را یافته‌است. از میان فقیهان نیز، کم‌تر کسی دلیری و گستاخی ارائه‌ی دیدگاهی نو و جدا از دیدگاه‌های پیشینیان در زمینه‌ی زنان داشته‌است. از میان مسائلی از این دست، قضاوت زنان مسئله‌ی است که به استناد آرا و دیدگاه‌هایی که به گونه‌ی جدی چالش‌برانگیز و گمانه‌پذیر است، حکمی نو می‌طلبد. حکمی که به عنصر زمان و مکان، و دگرگونی‌ها در پیوندها و روابط حاکم بر جامعه توجهی جدی داشته‌باشد؛ حکمی که پاسخ‌گوی شبهه‌ها و پرسش‌های فزاینده‌ی جامعه‌ی زنان ایران باشد؛ حکمی که زنان را از روی جنسیت (زن بودن) از حقوق بدیهی خود باز ندارد؛ و سرانجام، حکمی خردمندانه و عادلانه که از سوی زنان پذیرفتنی و قابل دفاع باشد.

فرض این مقاله عدم اتقان بنیان‌های استنادی فقیهان در نفی قضاوت زنان است. از این رو، نخست به دگرگونی‌های پدیدآمده در چند دهه‌ی گذشته درباره‌ی موضوع قضاوت زنان (پیش و پس از انقلاب) اشاره می‌شود و سپس، از آن‌جا که دلیل عمده‌ی بازداشتن زنان از قضاوت، ریشه در روی‌کرد فقهی علما و فقها دارد، بنیان‌های استدلالی فقیهان شیعه را در مخالفت با قضاوت زنان بررسی خواهیم کرد.

### بررسی سیر تاریخی قضاوت زنان در ایران

بررسی وضع قضاوت زنان در پیش از انقلاب نشان می‌دهد که در هیچ یک از قانون‌های استخدام قاضیان که برای نخستین بار در سال ۱۳۰۲ تصویب شد، شرط مرد بودن از شرط‌های قاضی نیست. هر چند که تا سال‌ها هیچ زنی به این جرگه



وارد نشد و تنها در سال ۱۳۴۸، برای نخستین بار، پنج زن ابلاغ قضایی گرفتند و از آن سال تا انقلاب سال ۱۳۵۷ این روند ادامه داشت (مهرپور، ۱۳۷۹: ۳۱۴-۳۱۵). پس از انقلاب، مسائل مربوط به زنان از سویه‌های مختلف ظاهری و واقعی، یکی از نخستین و همه‌سویه‌ترین زمینه‌هایی بود که دوچار دگرگونی شد. از جمله‌ی این دگرگونی‌ها، تغییر در وضع قاضیان زن شاغل در دستگاه قضایی و اصولاً تغییر نگرش درباره‌ی شرایط قاضی بود. بدین سان، با پا گرفتن نظام جمهوری اسلامی، با چیره شدن عملی نگرش فقهی (که در پی درباره‌ی آن سخن خواهیم گفت)، زنان از قضاوت باز داشته‌شدند؛ استخدام قاضیان زن متوقف شد؛ و وضع زنان شاغل در دستگاه قضایی دگرگون شد.

بر پایه‌ی اصل ۱۶۳ قانون اساسی، صفات و شرایط قاضی، بر اساس موازین فقهی به وسیله‌ی قانون معین می‌شود. بدین سان، بر اساس قانون اساسی، قوانین عادی شرایط قاضی را روشن خواهد کرد. از این رو، قانون اساسی، به سان قانون مادر، نه در این ماده و نه حتا در ماده‌های دیگری که شرایط رئیس قوه‌ی قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور، و دادستان کل کشور را (به عنوان عالی‌ترین مراجع قضایی) بیان می‌کند هیچ اشاره‌ای به مرد بودن آن‌ها ندارد؛ در حالی است که در اصل ۱۱۵، در بیان شرایط رئیس جمهور، واژه‌ی «رجال» آمده‌است. هرچند که کاربرد واژه‌ی رجال خود جای چندوچون فراوان دارد (بنگرید به کدیور، ۱۳۸۴).

نخستین اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران، تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران دولت موقت در ۱۴ مهر ۱۳۵۸ بود که بر پایه‌ی آن، رتبه‌ی قضایی بانوان به رتبه‌ی اداری تبدیل شد (مجموعه‌ی قوانین، ۱۳۵۸: تصویب‌نامه‌ها). پس از آن، با تصویب قانون شرایط گزینش قاضی در سال ۱۳۶۱، عملاً مرد بودن از شرط‌های قاضی دانسته‌شد. بر پایه‌ی این قانون، زنان شاغل در دستگاه قضایی، یا از مجموعه‌ی قضایی بیرون رفتند یا در همان مجموعه به کارهای غیرقضایی مشغول شدند (مجموعه‌ی قوانین، ۱۳۶۱).

مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون شرایط انتخاب قاضیان دادگستری در یک ماده و ۴ تبصره، در اردی‌بهشت ۱۳۶۱، قضاوت زنان را به لحاظ قانونی و شرعی ممنوع دانست و اعلام کرد که قاضی از میان مردان دارای این شرایط گزیده می‌شود: ایمان، عدالت، تعهد عملی به موازین اسلامی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، طهارت مولد، تابعیت ایران، عدم اعتیاد به مواد مخدر، و دارا بودن اجتهاد یا اجازه‌ی قضا از سوی شورای عالی قضایی. بدین سان، قانون عملاً زنان را

از قضاوت محروم ساخت و به شورای عالی قضایی اختیار داد که «... شرایطی که در این قانون برای قاضی ذکر شده، در مورد قضات شاغل نیز باید رعایت شود و رسیده‌گی به این جهت بر عهده‌ی شورای عالی قضایی است. شورای عالی قضایی می‌تواند قضاتی را که بر اساس رسیده‌گی واجد این شرایط نباشند، چنانچه صلاحیت حقوق‌دان مشاور را طبق مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی در دیوان عدالت اداری داشته باشند برای مشاوره انتخاب نماید، و نسبت به بقیه، اگر پانزده سال به بالا سابقه‌ی خدمت داشته‌باشند، با سنوات خدمت بازنشسته کند؛ و در مورد سایرین، در صورتی که واجد وثاقت و حسن سابقه باشند، به کار اداری بگمارد؛ و دیگران را به ازای هر سال خدمت با پرداخت یک ماه حقوق و مزایا بازخرید کند. قضاتی که مایل به کار اداری نباشند بازخرید می‌شوند.» بدین سان، قانون بانوانی را که پیشه‌های قضایی را به دیگر کارها ترجیح داده‌بودند، به پست‌هایی هم‌چون تقریرنویس دادسرا تنزل داد (پوررنگ‌نیا، ۱۳۸۲).

دو سال بعد، در ۱۳۶۳، تبصره‌ئی به ماده‌واحده‌ی شرایط قضات افزوده‌شد که در آن چنین آمد: «بانوان دارنده‌ی پایه‌ی قضایی واجد شرایط مذکور در بندهای ماده‌واحده می‌توانند در دادگاه‌های مدنی خاص و اداره‌ی سرپرستی صغار به عنوان مشاور خدمت نمایند و پایه‌ی قضایی خود را داشته‌باشند.» (مجموعه‌ی قوانین، ۱۳۶۳). این تبصره، هم در راستای توجه به حقوق زنان شاغل، برای حفظ پایه‌ی قضایی آنان بود و هم پافشاری دوباره بر این که زنان تنها می‌توانند مشاور باشند و نه قاضی. اندک اندک، متأثر از نیازهای گوناگون جامعه و فشارهای وارده، در راستای گسترش زمینه‌ی فعالیت زنان در دستگاه قضایی، در ماده‌واحده‌ی قانون سال ۷۴، تبصره‌ی ۵ الحاقی در سال ۱۳۶۳ به قانون شرایط قضات، بدین گونه بازنگری شد: «رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند بانوانی را که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۶۱/۱۲/۱۴ می‌باشند، با پایه‌ی قضایی جهت تصدی پست‌های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق، و دفاتر مطالعه‌ی حقوقی و تدوین قوانین دادگستری، و اداره‌ی سرپرستی صغار، و مستشاری اداره‌ی حقوقی، و سایر اداراتی که دارای پست قضایی هستند، استخدام نماید.» (مجموعه‌ی قوانین، ۱۳۷۴). در این دوره، دگرگونی‌های مثبت دیگری نیز در راستای گسترش فعالیت زنان در دستگاه قضایی پدید آمد. هم‌چون امکان داشتن مشاور زن از میان بانوان واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات در دادگاه‌های مدنی خاص، مطابق تبصره‌ی ۵





ماده واحده‌ی قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب سال ۱۳۷۱؛ یا حضور مشاوران قضایی زن در دادگاه‌های خانواده، مطابق تبصره‌ی ۳ ماده واحده‌ی قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی مصوب ۱۳۷۶، که بر اساس آن «هر دادگاه خانواده حتی‌المقدور با حضور مشاور قضایی زن شروع به رسیدگی نموده و احکام، پس از مشاوره با مشاوران قضایی زن صادر خواهد شد.» (مجموعه‌ی قوانین، ۱۳۷۶).

از آن‌چه بر شمرده‌شد، چنین برمی‌آید که در نظام قضایی ایران، زنان حق صدور و انشای حکم ندارند و حداکثر حضور آن‌ها در دادگاه‌ها به پست‌های مشاوره‌ئی محدود است.<sup>۱</sup> این وضع، وام‌دار نگاه فقهی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران است که به استناد دیدگاه فقیهان «ذکورت» را از شرط‌های لازم قاضی بر شمرده‌است. از آن‌جا که ممنوعیت قضاوت و انشای حکم قضایی از سوی نگاه فقهی حاکم، از مسلمات فقه شیعه انگاشته شده‌است و بر همین اساس، امروزه زنان ایران از قضاوت بازداشته می‌شوند، باید بنیان‌های استدلالی شرط «ذکورت» قاضی را در فقه شیعه بررسی کرد.

### بنیان‌های استدلالی فقیهان شیعه در زمان امامان (یا نزدیک به این دوره)

در آرا و دیدگاه‌های فقیهان هم‌دوره یا نزدیک به زمان امامان، عمدتاً بر دو شرط بنیادی، یعنی عدالت قاضی و دانش و آگاهی او به احکام الهی تکیه شده‌است. هم‌آهنگ با نیازهای جامعه و دگردیسی‌های زمان، فقیهان به شرح و بسط احکام مختلف فقهی، از جمله باب قضا پرداختند. شرایط قاضی نیز از جمله مباحثی بود که فقیهان شیعه در گذر زمان بدان توجه داشتند.

دو شرط عدالت و علم، شرط‌هایی هستند که هم در آیه‌های قرآن و هم در خبرها و حدیث‌ها، بارها بدان اشاره شده‌است؛ در حالی که شرایط دیگر را فقیهان اندک اندک در دوران بعد برای قاضی بر شمردند، و یا بر پایه‌ی برداشت‌های آنان از متن‌های روایی و خبرهای خاص یا متأثر از فقه عامه و بر پایه‌ی قیاس وارد فقه عامه و کم‌کم از سوی فقیهان شیعه پذیرفته یا رد شد.

۱- البته، صدور ابلاغ قضایی تا سطح دادیاری دیوان عالی کشور، یا ابلاغ مستشاری دادگاه تجدیدنظر از دگرگونی‌های دیگر در زمینه‌ی ورود زنان به دایره‌ی بسته‌ی قضایی است.

شیخ محمدحسن نجفی نویسنده‌ی *جواهر الکلام* به این نکته‌ی مهم اشاره دارد که این گونه نیست که همه‌ی شرط‌های آمده در کتاب‌های فقهی در مورد قاضی، همان است که فقیهان پیشین آورده‌اند یا آن که آن‌ها را بتوان با عنوان «شرایط قاضی» در حدیث‌ها و روایت‌ها یافت؛ بلکه گذشته از دو شرط عدالت و دانش که بارها در آیه‌ها و روایت‌ها آمده، شرط‌های دیگر برآمده از برداشت‌های فقیهان است (نجفی، ۱۴۱۲ق:۱۹).

### نخستین مخالفت با قضاوت زنان

نخستین فقیه شیعه که مرد بودن را شرط قاضی برشمرده، شیخ طوسی است. وی که در کتاب‌های *المخلاف* و *المبسوط* دیدگاه‌های فقهی مذاهب مختلف را بررسی کرده‌است در دیباچه‌ی کتاب *المبسوط* برای نخستین بار این شرط را آورده‌است. وی پیش از نگارش *المبسوط*، کتابی با نام *النهاية* به شیوه‌ی قدیم یعنی آوردن متن روایت‌ها نوشته‌بود. وی در دیباچه‌ی *المبسوط* چنین می‌گوید: «در گذشته کتاب *النهاية* را نوشته بودم و در آن تمام مسائل و روایت‌هایی را که اصحاب ما در تألیفات خویش آورده بودند، ذکر نمودم.» (طوسی، ۱۳۵۱: مقدمه).

شیخ طوسی در *المبسوط* یکی از شرایط قضاوت را مرد بودن دانسته‌است؛ چرا که زن به هیچ روی نمی‌تواند قاضی شود (همان: ج. ۷: ۱۰۱). از آن‌جا که وی در *النهاية* مسئله‌ی «مرد بودن قاضی» را نیآورده، نشان می‌دهد که این مسئله از مسائل متداول در زمان امامان نبوده‌است و نصی خاص در قالب یک روایت مستند برای آن وجود ندارد. از این رو، می‌توان گفت که این شرط، برداشت و استنباط پیروان بوده‌است و آنان به طرح آن مبادرت کرده و فقیهان دوره‌ی تدوین روش‌مندانه‌ی فقه نیز از ایشان نقل کرده‌اند (شمس‌الدین، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

مخالفت شیخ طوسی با قضاوت زنان، پس از وی از سوی فقیهان دیگر نیز ابراز می‌شود.

### دسته‌بندی دیدگاه‌های فقیهان شیعه (از آغاز تا امروز)

دیدگاه‌های فقیهان شیعه را درباره‌ی شرط مرد بودن قاضی را می‌توان چنین برشمرد:



۱- فقیهانی که ورودی به این موضوع نداشته‌اند<sup>۱</sup> که بسیاری از کتاب‌های پیشینیان را تا زمان شیخ طوسی و حتی پس از آن در بر می‌گیرد. از این میان، می‌توان کتاب‌های *المقنع و الهدایة، مقنعة، انتصار و ناصریات، جواهر آلفقه کافی، سرائر*، و *نهایة الاحکام* (شیخ طوسی) را نام برد. در این کتاب‌ها یا تنها روایت‌ها آمده یا به اهمیت قضاوت و شرایط بنیادی قاضی پرداخته شده‌است.

۲- فقیهانی همچون شیخ طوسی (در *المبسوط و الخلاف*) که عدم جواز قضاوت زنان را «اصل» دانسته‌اند، که چون قضا حکمی شرعی و نیازمند اذن امام است و تنها زمانی دادرسی صحیح است که صلاحیت دادرسی با دلیل شرعی ثابت شده‌باشد و چون دلیلی بر درستی قضای زن به صورت مشخص و صریح نداریم، پس قضاوت او با اصالة بعدم الجواز جایز نیست (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۳۸۱-۳۸۲).

۳- فقیهانی که در صلاحیت نداشتن زنان برای منصب قضا ادعای اجماع<sup>۲</sup> کرده‌اند. پس از شیخ طوسی، از زمان محقق حلی (۶۷۶ق) به بعد، شرط مرد بودن همواره از شرایط قاضی دانسته شده‌است. شهید ثانی بر آن است که در عمده‌ی شرایط قاضی، و از آن میان شرط مرد بودن وی، نه تنها اتفاق نظر، که اجماع وجود دارد. همین دعوی اجماع شهید ثانی بنیان دیدگاه فقیهان پس از وی، به عنوان مهم‌ترین دلیل مرد بودن قاضی شده‌است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۳۸۱).

۴- شمار اندک و انگشت‌شماری از فقیهان معاصر شیعه، با رد ادله‌ی مخالفان قضاوت زنان، تصدی امر قضاوت را توسط زنان مجاز شمرده‌اند. البته، از میان فقیهان بزرگ نیز مقدس اردبیلی نفی مطلق قضاوت زن را زیر سؤال برده و در اموری که شهادت زنان پذیرفته‌شود، زنانی را که دارای دیگر شرایط قضاوت باشند برای قضاوت شایسته دانسته‌است (مهرپور، ۱۳۷۹: ۳۲۲).

۱- فقیهانی همچون شیخ مفید، ابوالصلاح، و ابن‌ادریس، با اشاره به شرایط قاضی همچون عاقل، کامل، عالم به کتاب و سنت، زاهد در دنیا، پرهیزکار از محارم، و حریص بر پرهیزکاری، هیچ اشاره‌ی به عدم جواز قضاوت زنان ندارند.

۲- به باور امامیه، اعتبار اجماع در صورتی است که بیان‌گر دیدگاه پیامبر اکرم<sup>ص</sup> یا امام معصوم باشد. در واقع، اجماع سنتی است که اتفاق نظر فقیهان، وقوع آن را تأیید کند و گر نه اجماع فقیهان، هر چند فراوان باشد، حجیت ندارد. از این رو، باید یقین یافت که قضیه‌ی مورد اجماع از قضایایی است که در عصر پیشوایان معصوم تا دوران غیبت کبرای امام منتظر<sup>ع</sup> متداول و مطرح بوده‌است. به ظاهر، تنها راهی که بتوان بر مبنای آن احراز نمود که یک مسئله در زمان امامان معصوم مطرح بوده‌است، ذکر و عنوان آن در کتاب‌های فقیهان گذشته است؛ کسانی که یا دوره‌ی خودشان پیوسته به دوره‌ی امام<sup>ع</sup> بوده‌باشد یا آن که چنان به دوران امامان نزدیک بوده‌اند که فقیهان پیوسته به دوره‌ی حضور امام معصوم را دیده‌باشند، چرا که ذکر یک مسئله یا موضوع در کتاب‌های مربوط به فتواها، نشانه و دلیلی است بر این که آن مسئله هر چند باواسطه از امامان<sup>ع</sup> گرفته شده‌است.

بر این اساس، نمی‌توان استدلال اجماع را در این که قاضی باید مرد باشد پذیرفت. مسئله‌ی مرد بودن قاضی از مسائل فرعی اجتهادی و استنباطی فقیهان است و اجماع در آن نشان‌دهنده‌ی دیدگاه امام<sup>ع</sup> نیست. بنابراین، اتفاق نظر فقیهان بر این شرط حجت نیست (برای

فقیهان مخالف با قضاوت زنان (طیف دوم و سوم)، چه به لحاظ بنیادی و چه برای تأیید و تکمیل گفتمان خود، تلاش کرده‌اند به ادله‌ی گوناگونی توجه کنند که در پی به آن‌ها می‌پردازیم. از آن‌جا که هدف این مقاله نشان دادن عدم اتقان بنیان‌های استدلالی مخالفان قضاوت زنان است، در این مجال به طیف اول و چهارم نخواهیم پرداخت و تنها بنیان‌های نگرش مخالفان را بررسی می‌کنیم.

### بنیان‌های مخالفت فقیهان شیعه با قضاوت زنان

بنیان‌های مخالفت فقیهان با قضاوت زنان بر چند محور استوار است:

#### ۱- آیه‌های قرآن

آیه‌هایی که فقیهان شیعه برای اثبات مرد بودن قاضی بدان‌ها استناد می‌کنند سه آیه است:

آ- «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»<sup>۱</sup> (قرآن: نساء: ۳۴).

استنادکنندگان به این آیه، با اشاره به «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» و همچنین به استناد «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» به رد شایسته‌گی زنان برای قضاوت پرداخته‌اند و برتری و «قَوَّام» بودن مردان را به زنان در همه‌ی عرصه‌ها نتیجه می‌گیرند. در حالی که آیه‌های پیش و پس از این آیه نشان می‌دهد که این آیه تنها در حوزه‌ی پیوندهای خانواده‌گی و در مقام بیان نوع رابطه‌ی شوهر با همسر خود است و گسترش آن به حوزه‌ی اجتماع و سیاست و قضا بنیانی ندارد.

ب- «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»<sup>۲</sup> (قرآن: احزاب: ۳۳).

مخاطب این آیه همسران پیامبر<sup>ص</sup> اند. از این رو، چنین بر می‌آید که چون به زنان پیامبر<sup>ص</sup> درباره‌ی رفتارشان در جامعه چنین دستوری داده‌شده، زنان دیگر نیز نباید در اجتماع حاضر و آشکار شوند و به همین رو نیز زن نباید قاضی شود. این استدلال درست نیست. چون نخست این که مخاطبان این آیه از آیه‌ی پیشین آن

۱- مردان سرپرستان زنان اند؛ چرا که خداوند برخی‌شان را بر برخی برتری بخشیده و [نیز] از آن رو که دارائی‌شان را خرج می‌کنند.  
۲- و در خانه‌هایتان جای گیرید و زینت‌های خویش را به سان روزگار نادانی‌گرایی کهن آشکار مکنید، و نماز بر پای دارید، و زکات دهید، و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید.



بهروشنی پیدا است؛ و دوم این که، اگر چنین حکم شود، زنان نباید هیچ حق حضوری در اجتماع داشته باشند. در حالی که تاریخ اسلام آشکارا شواهدی مغایر با این عدم حضور را به یاد دارد.

پ- «وَ هُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»<sup>۱</sup> (قرآن: بقره: ۲۲۸).  
 درباره‌ی این آیه، به استناد «وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»، برخی تلاش کرده‌اند که برتری را به زمامداری و قضاوت گسترش دهند و آن را به مردان محدود سازند. این آیه به حق و تکلیف زن و مرد به یکدیگر اشاره کرده و بر آن است که بگوید زنان همان گونه که تکالیفی دارند، حقوقی نیز دارند؛ ولی در این باره، مردان برتری و اختیاری بیشتر دارند. به باور مفسران نیز، از آنجا که آیه‌ی پیش و پس از این آیه تنها درباره‌ی طلاق آمده‌است نمی‌توان از آن حکم به عدم قضاوت زنان داد.  
 بدین سان، هیچ یک از آیه‌های یادشده نمی‌تواند دست‌آویز فقیهان برای بازداشتن زنان از قضاوت شود.

چند آیه‌ی هم که درباره‌ی قضاوت آمده، هیچ یک درستی قضاوت را وابسته به مرد بودن قاضی نکرده‌است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»<sup>۲</sup> (قرآن: نساء: ۵۸).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ...»<sup>۳</sup> (قرآن: نساء: ۱۳۵).

«وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۴</sup> (قرآن: مائده: ۴۶).

«وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»<sup>۵</sup> (قرآن: مائده: ۴۵).

«وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۶</sup> (قرآن: مائده: ۴۷).

در این آیه‌ها نیز تنها بر داوری بر پایه‌ی عدل و برابری و حق تأکید شده‌است و نه مرد بودن قاضی.

۱- و همانند آنچه که بر [دوش] آنان [زنان] است، به‌شایسته‌گی، برای‌شان [و به سودشان] [بر دوش مردان] است، و برای مردان بر آنان درجه‌ئی است.

۲- خدا به شما فرمان می‌دهد که سبدها را به صاحبان‌شان بازگردانید؛ و چون میان مردم به داوری نشینید به عدل داوری کنید.

۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته برپادارنده‌ی برابری باشید و گواهی‌دهنده‌گان برای خداوند...

۴- و هر که به آن‌چه خدا فرورستاده‌است داوری نکند، پس آنان خود کافران اند.

۵- و هر که به آن‌چه خدا فرورستاده‌است داوری نکند، پس آنان خود ستم‌گران اند.

۶- و هر که به آن‌چه خدا فرورستاده‌است داوری نکند، پس آنان خود نافرمانان اند.

## ۲- روایت‌ها

روایت‌هایی که فقیهان شیعه در رد قضاوت زنان بدان‌ها استناد کرده‌اند، چند دسته‌ی عمده را در بر می‌گیرد. برخی روایت‌ها تنها به قضاوت مردان اشاره می‌کند؛ در حالی که برخی دیگر به روشنی زنان را از قضاوت بازداشته‌است.

در کنار این دو دسته روایت‌ها که مستقیم درباره‌ی قضاوت است، فقیهان شیعه با نگرش به روایت‌هایی که مردان را از پیروی از زنان و مشورت با آنان، اختلاط با زنان، و شنیدن صدای آنان باز می‌دارد، یا گویای کاستی عقل زنان یا جوشش احساسات آنان است، زنان را از قضاوت بازداشته‌اند:

## آ- روایت‌هایی که تنها مردان را شایسته‌ی قضاوت می‌داند

روایت ابی‌خدیجه از امام صادق<sup>ع</sup>: «قال ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق<sup>ع</sup>: إياكم أن يحاكم بعضكم بعضاً إلى أهل الجور و لكن أنظروا إلى رجل منكم يعلم شيئاً من قضایانا فأجعلوه بینكم فذلجعله قاضياً فتحاكموا إليه...»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۳ق.ج. ۴:۱۸ (کتاب القضاء، صفات قاضی، باب ۱، حدیث ۵)).

استناد به واژه‌ی «رجل» و ضمائر مذکر مبنای استدلال فقیهانی است که این روایت را تفسیر به جواز قضا برای مردان (و نه زنان) کرده‌اند. درحالی که به‌کارگیری این واژه به تعبیر شیخ انصاری «از باب تغلیب است و نه تقیید» (انصاری، ۱۳۷۴:۲۲۹). یعنی چون بیش‌تر مردان متصدی قضاوت بوده‌اند و نه زنان، بنابراین، حدیث به زبان غالب در عرف جامعه بیان شده‌است.

به تعبیر آیت‌الله صانعی، «شرطیت ذکوریت در قضاوت، همان گونه که در مرجعیت و ولایت شرط نیست، در قضاوت هم شرط نیست و معیار در جواز قضا، علم و معرفت به موازین اسلامی قضا و قوانین است و مرد بودن خصوصیت ندارد و آن اگر کلمه‌ی «رجل» در روایتی آمده، حسب تعارف در مکالمات است و آن روایت، همانند بقیه‌ی روایات و مکالمات که تعبیر به رجل شده و می‌شود، قطعاً خصوصیت ندارد و کما این که مردان از قِبَلِ ائمه‌ی معصوم<sup>ع</sup> مجاز در تصدی قضا هستند، زنان هم از قِبَلِ آنان مجاز اند.» (صانعی، ۱۳۸۴:۲۹۸).

گذشته از آن که آنچه مقصود این روایت است نه مرد و زن بودن قاضی، که بازداشتن از داوری بردن نزد ستم‌گران بوده‌است.

۱- مبدا که برخی از شما از برخی دیگر نزد ستم‌گران داوری جویید؛ ولی مردی از خود بیاید که چیزی از مسئله‌های ما بداند، پس او را میان خود داور کنید و داوری نزد او برید...



### ب- روایت‌هایی که زنان را از قضاوت بازداشته‌است

از میان این روایت‌ها می‌توان وصیت پیامبر<sup>ص</sup> را به علی<sup>ع</sup> نام برد که شیخ صدوق در اواخر کتاب *من لایحضره الفقیه* آورده‌است. در این حدیث که با تفاوت‌هایی در عبارت نقل شده، چنین آمده‌است:

«لیس علی النساء جمعة و لا جماعة و لا اذان و لا إقامة و لا عیادة مریض و لا إتیاع جنازة و لا هرولة بین ألسفاء و المروة و لا إستلام الحجر و لا تولی ألقضاء...»<sup>۱</sup>  
(صدوق، ۱۴۰۱ق:۳۶۴ (باب النوادر، حدیث ۵۷۶۲)).

همه‌ی آورنده‌گان این روایت ناشناس اند (مجلسی، *روضه‌التقین*، ج. ۱۰۳:۱۴؛ برگرفته از صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۴:۳۷) و همین از اعتبار روایت می‌کاهد. هر چند برخی گفته‌اند عمل اصحاب به آن و استناد ایشان به این روایت ضعف سند را جبران می‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱:۳۹۴). گذشته از ضعف سند، متن روایت به معنای بازداشتن زنان از قضاوت نیست. به سخن دیگر، زنان از بر پاداشتن نماز جمعه و جماعت و مانند این‌ها بازداشته‌نشده‌اند، بلکه تنها واجب بودن آن‌ها از دوش زنان برداشته‌شده‌است. قضاوت نیز از این دست کارها شمرده‌شده‌است. این بدان معنا است که هدف روایت برداشتن تکلیف واجب بودن کارهای یادشده است، و نه وضع کردن تکلیف حرمت آن‌ها (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۴:۲۸)؛ و این از باب لطف بوده، نه از باب قهر و طرد و نفی.

### پ- روایت‌هایی که مردان را از پیروی از زنان و مشورت با آنان بازمی‌دارد

۱- «یا معاشر الناس لاتطیعوا النساء علی حال و لاتأموهن علی حال»<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۳ق:باب ۱۱).

۲- «عن أبي جعفر قال: لاتشاورهن فی النجوى و لاتطیعوهن فی ذی قرابة»<sup>۳</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۳ق:ج. ۷:۱۳۱).

۳- خطبه‌ی امام علی<sup>ع</sup> پس از جنگ جمل: «معاشر الناس إن النساء نواقص الإیمان، نواقص الحظوظ، نواقص العقول، فاتقوا شرار النساء و کونوا من ضارهن علی حذر و لاتطیعوهن فی المعروف و حتی لا یطمعن فی المنکر»<sup>۴</sup> (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱:۷۶۴-۷۶۵).

۱- بر زنان نه نماز جمعه واجب است، نه نماز جماعت، نه اذان، نه اقامه، نه عیادت مریض، نه تشییع جنازه، نه هروله‌ی میان صفا و مروه، نه لمس حجرالاسود، و نه تصدی امر قضا.

۲- ای مردم! هیچ‌گاه از زنان پیروی نکنید و هیچ‌گاه باورشان نداشته‌باشید.

۳- با زنان در گویی مشورت نکنید و درباره‌ی خویشاوندان هم پیروی‌شان نکنید.

۴- ای مردم! زنان کم‌بهره در ایمان، کم‌بهره در ارث، و کم‌بهره در خرد اند؛ پس از زنان بد دوری کنید و از خوبان‌شان بهره‌بیزید؛ و در نیکی پیروی‌شان نکنید تا اندیشه‌ی بدی نپرورند.

۴- اندرزنامه‌ی امام علی<sup>ع</sup> به امام حسن<sup>ع</sup>: «إياك و مشاورة النساء فإن رأيهن إلى أفن و عزمهن إلى وهن»<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: ۷۶۴-۷۶۵).

روایت‌هایی که در این دسته می‌گنجد، در برابر روایت‌های دو دسته‌ی نخست، به مراتب بیشتر است. بیش‌تر این روایت‌ها بر پایه‌ی کمال خرد و توان چاره‌جویی و خرد مردان، و سستی و کاستی زنان، مردان را از مشورت با زنان و پیروی از آنان بازداشته‌است. پیدا است هنگامی که بر کاستی زن در این دو موضوع تأکید می‌شود، نمی‌توان قضاوت و ولایت و امارت را از آفریده‌گانی ناقص و پیروی و مشورت آفریده‌گانی کامل را از آنان چشم داشت.

روایت‌های یادشده که نمونه‌ئی از روایت‌های فراوان دیگر است، معمولاً از سوی فقیهان برای «تأیید» ادله‌ی شرعی که برای بازداشتن زنان از قضاوت برشمرده می‌شود، مورد استناد قرار می‌گیرد. گذشته از ضعف سند، در بیش‌تر روایت‌های این دسته، نکته‌ئی مهم که به هنگام استناد به این روایات بر آن چشم پوشیده شده، آن است که بیش‌تر این روایت‌ها، با فرض درستی سند، یا ناظر بر پیوند زن و شوهر است که ویژه‌گی کانون خانواده در اسلام خود بازدارنده‌ی گسترش احکام شرعی این حوزه به دیگر سویه‌های اجتماعی است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۴۰۸) یا مربوط به شرایطی ویژه و موردی ویژه است. از این گذشته، چنین استدلال‌هایی در روایت‌های دیگر نقض می‌شود، مانند حدیثی که در آن آمده است: «إياك و مشاورة النساء إلا من جربت بکمال عقل»<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۳۹۲: ۲۰۳) و نشان می‌دهد که بازداشتن از مشورت با زنان مطلق نیست.

درباره‌ی سخن امام علی<sup>ع</sup> که در رابطه با نقش یک زن در جنگ جمل به سان یک فاجعه عنوان شده‌است نیز نمی‌توان آن را پایه‌ی استدلال و دیدگاه او درباره‌ی همه‌ی زنان دانست. هم‌چنان که سخن وی در نکوهش کوفیان و بصریان نمی‌تواند و نباید پایه‌ی داوری همه‌ی شهروندان این شهرها در همه‌ی دوره‌ها و زمان‌ها باشد. اگر چه بررسی سند این گفتار نیز نشان می‌دهد که این روایت‌ها به گونه‌ی مرسل نقل شده‌است و سندیت آن بی‌اشکال نیست (علایی رحمانی، ۱۳۸۳).

با نگرش به این که پایه و بنیان کار و ارزیابی در چنین مسائل اختلافی قرآن است، پیدا است که اگر برخی حدیث‌ها و روایت‌ها با آیه‌های قرآن هم‌سو نبود، آیه‌های قرآن پایه‌ی سنجش خواهد بود. از آن‌جا که در هیچ یک از آیه‌های قرآن

۱- از مشورت با زنان بپرهیز؛ که رأی‌شان بر کم‌خردی و آهنگ‌شان بر سستی است.

۲- از مشورت با زنان بپرهیز؛ مگر آن که کمال خردش را به تجربه دریافته‌باشی.





سخنی از سستی و کاستی خرد زن نیامده و اگر جایی واژه‌ی «ضعف» آمده، سخن از سستی انسان به گونه‌ئی فراگیر بوده است («وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»<sup>۱</sup> (قرآن: نساء: ۲۸))، به‌ویژه آن که خداوند در گفتار خویش نمونه‌هایی از زنان خردمند هم‌چون بلقیس، مریم، و آسیه آورده است، بنابراین، قرآن روایت‌های پیش‌گفته را به‌روشنی نقض و رد می‌کند.

**ت- روایت‌هایی که شنیدن صدای زن و اختلاط با مردان را بازدارنده‌ی آنان از قضاوت دانسته است**

«قال رسول الله: من فاته شيء في صلاته فليسيح فان التسيح للرجال و التصفيق للنساء»<sup>۲</sup> (نجفی، ۱۴۱۲ق: ۱۴)

فقیهان از این روایت بازداشتن زنان از سخن گفتن را برداشت می‌کنند، و بدین سان نتیجه می‌گیرند که باید از قضاوت نیز بازداشته شوند. با نگرش به تاریخ اسلام و سیره‌ی پیامبر و امامان، که زنان در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی حضور داشتند و در مقاطعی، نگاهبانی از اسلام در گرو گفتارها و حضور آن‌ها بود، هم‌چون سخنان زهرا<sup>۳</sup> در دفاع از حقانیت و ولایت علی<sup>۴</sup> و گفتار زینب<sup>۵</sup> پس از شهادت حسین<sup>۶</sup>، نمی‌توان برداشت برخی فقیهان را پذیرفت که شنیدن صدای زن را بازدارنده‌ی قضاوت زنان می‌دانند. گذشته از این که هنگامی که زنی شکایت به قاضی می‌برد، پیدا است که صدایش را قاضی مرد می‌شنود و این، خود دلیلی دیگر برای نادرستی چنان برداشتی از روایت است. حتا اگر این برداشت درست باشد، بر پایه‌ی آن، قضاوت زنان برای زنان نه‌تنها پذیرفته که بایسته می‌نماید.

**ث- برخی روایت‌های آورده‌شده از اهل سنت**

روایت‌هایی هم‌چون «لن یفلح قوم ولو أمرهم امرأة»<sup>۷</sup> که به چندین گونه از پیامبر<sup>۸</sup> آورده‌شده<sup>۹</sup>، به لحاظ سند و شخصیت راوی آن (ابوبکر<sup>۱۰</sup>) چندان اعتباری ندارد که بدان پرداخته‌شود.

۱- و آدمی سست‌نهاد آفریده‌شد.

۲- پیامبر خدا گفت: کسی که در نماز چیزی از او فوت (کم) شود، باید تسبیح گوید که تسبیح برای مردان است و تصفیق برای زنان.

۳- رستگار نمی‌شود قومی که زنی بر آن فرمان راند.

۴- لن یفلح قوم أسندوا أمرهم إلی امرأة (مسند امام خلیف)؛ ما أفلح قوم قیهم امرأة (ابن‌عباس در التمهید)؛ لا یقدس الله أمة قادتهم امرأة (کنز العمال)؛ لا یفلح قوم ولتهم امرأة (شیخ طوسی در الخلاف) (بنگرید به کنذوره، ۱۳۸۱: ۸۹).

۵- ابوبکر کسی است که پس از نزدیک به ۲۵ سال از درگذشت پیامبر<sup>۱۱</sup>، این روایت را در هنگامه‌ی جنگ جمل می‌آورد تا با دست آویختن به آن از سوگیری و شمشیر زدن زیر پرچم یکی از دو سوی جنگ دور بماند.

## ۳- فیزیکی و طبیعت زنان

گفته می‌شود خوی نرم و نازک زنان و گرایش آنان به آرامش و آسایش، با سنگینی کار قضاوت که حرفه‌ئی فرساینده، تنش‌زا، و دشوار است سازگار نیست. از این گذشته، در کنار مسئولیت مادری و پرورش فرزندان، زنان تاب تحمل فشارهای بدنی و روانی برآینده از پیشه‌ی قضاوت را ندارند. بنابراین، نازک‌طبعی و خوی حساس زنان، با سنگینی کار قضاوت سازگاری نخواهد داشت.

در این دیدگاه، این ویژگی‌ها برای زنان کاستی شمرده نمی‌شود، بلکه گونه‌ئی تفاوت طبیعی است که زنده‌گی اجتماعی بدان نیاز دارد. این روی‌کرد، نوع محترمانه‌ی همان نگاهی است که زنان را در برابر مردان دارای کاستی می‌داند و چون قضاوت نیازمند خردورزی و چیره‌گی بر احساس است، از این رو آن را به مردان محدود می‌سازد.

باید توجه داشت که اگر چه احساسات به سان یکی از توان‌مندی‌های انسانی در زنان نیرومندتر از مردان است، اما این نیرومندی، بازدارنده‌ی زنان از به‌کارگیری نیروی خرد نیست. به سخن دیگر، «احساسات» را نباید سد و لنگر خردورزی انگاشت؛ هم‌چنان که بهره‌گیری از خرد را نیز نباید هم‌ارز در کار نیآوردن احساس و عاطفه پنداشت.

قضاوت همان اندازه که نیازمند آگاهی به قانون، استدلال، و خردورزی است، نیازمند به‌کارگیری عاطفه و احساس، شکیبایی و بردباری، و باریک‌بینی در زمان ویژه‌ی خود است.<sup>۱</sup> ناهم‌ساز دانستن «احساس و عاطفه و نازک‌خویی» با «خرد و اندیشه و چاره‌جویی»، به گونه‌ئی که این ویژگی‌ها در یک فرد گردآمدنی نباشد، در رابطه با هواداران این دیدگاه جای چند و چون فراوان دارد (بنگرید به منتظری، ۱۳۷۰:۳۴۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۶:ج. ۴:۲۴۴). این بدان معنا است که یک فرد یا باید دارای عاطفه و احساس باشد و یا خردمند و چاره‌اندیش؛ و این ویژگی‌ها با هم در یک فرد نمی‌گنجد!

این دیدگاه اگر در سده‌های گذشته به دلیل شرایط خاص جامعه و عدم حضور زنان در جایگاه‌های گوناگون، که پی‌آمد آن ناکارآمدی یک توانایی و نیرومندی‌سازی توانایی‌های دیگر می‌شد، تا اندازه‌ئی پذیرفتنی بود، در دنیای امروز که زنان حضوری

۱- برای نمونه، شناخت جایگاه و منش بزه‌کاران، وضع اطراف دعوی در درگیری‌ها و اختلاف‌های خانواده‌گی، نگرش به وضع کودکان بزه‌کار، و مانند این‌ها.



هم‌تراز و هم‌پایه با مردان در زمینه‌ی دانش‌پژوهی و جنبش‌های اجتماعی دارند، نمی‌تواند چندان پذیرفته و پسندیده باشد. از سوی دیگر، قاضیان امروز قضایانی عرفی‌اند، نه شرعی؛ و از این رو، در چنبره‌ی عرف و قوانین موضوعه‌اند. بنابراین، امروزه شرایط قضاوت و صدور حکم به گونه‌ئی است که شدت عاطفه‌ی زنان بازدارنده‌ی قضاوت نیست، زیرا قاضی مکلف است دانش خود را به دلایل قوی استوار سازد (اسدی، ۱۳۸۱).

پیدا است که در شرایطی که در بسیاری از کشورهای جهان زنان مناصب گوناگون قضایی را بر عهده دارند و به صدور حکم می‌پردازند، در ایران امروز و در دنیای کنونی، چنین بهانه‌هایی برای بازداشتن زنان از قضاوت، پسندیده و پذیرفته نخواهد بود. گذشته از آن که در سال‌های پیش از انقلاب هم زنان عهده‌دار منصب قضا بوده‌اند.

### نتیجه‌گیری

از آن‌چه برشمردیم، چنین برمی‌آید که بر پایه‌ی اسناد و مدارک موجود که فقیهان بدان‌ها استناد کرده‌اند، دلیل شرعی پذیرفتنی و استواری برای بازداشتن زنان از قضاوت وجود ندارد. به سخن دیگر، نه آیه‌ها و روایت‌ها، و نه استدلال‌های دیگر، هیچ کدام برای بازداشتن زنان از قضاوت پذیرفتنی نیست. آن‌چه بازدارنده‌ی بنیادی زنان از قضاوت است، نوع نگرش چیره بر جامعه‌ی فقهی به زنان است که متأسفانه با گذشت زمان، جز در موارد نادر، دگرگونی نیافته‌است.

چشم‌داشت جامعه‌ی زنان امروز، دگرگونی و دگردیسی در نگاه حاکم به زنان است. پیدا است که با دگرگون شدن این نگاه می‌توان دگرگونی بسیاری از قانون‌های کنونی، و از آن میان قانون شرایط قاضی را چشم داشت.

فقه شیعه درباره‌ی زنان، پاسخ‌گوی انتظارات هم‌آهنگ با دگرگونی‌های زمان و مکان نبوده‌است. پیدا است که پی‌آمد این عدم پاسخ‌گویی در آینده، حتا اگر سستی یا بی‌توجهی بزرگان دین به موضوع مهم زنان شمرده‌نشود، کنار گذاشته‌شدن این نگاه خواهد بود.

بنابراین، با نگرش به این که تا سده‌ی پنجم هجری در هیچ یک از نوشتارهای معتبر شیعه «مرد بودن» شرط قاضی شدن نبوده‌است (حکیم‌پور، ۱۳۸۲: ۲۱۵) و با نگرش به این که پس از آن نیز برخی از فقیهان نشستن زن را بر جایگاه قضاوت تنها به

عنوان قاضی تحکیم روا دانسته‌اند، برخی دیگر قضاوت زن را در غیر باب حدود پذیرفته‌اند، و برخی دیگر نیز قضاوت زن را به گونه‌ئی مطلق می‌پذیرند و تنها شرط خرد، کمال دانش به کتاب و ناسخ آن را برای قضاوت بس می‌شمارند، چنین می‌نماید که می‌توان به گونه‌ئی جدی، نگاهی دیگر به قضاوت زنان در ایران، و با پشتوانه‌ئی فقهی چشم داشت.

از سوی دیگر، جای پرسش است که با نگرش به شکایت‌های فراوان و روزافزون، و نیاز فزاینده‌ی دستگاه دادگستری به قاضیان شریف و کارآ برای داوری درگیری‌ها، و در شرایطی که امروزه بسیاری از قاضیان برخی از شرط‌های برشمرده برای قاضی را (مانند اجتهاد) ندارند و با نام «قاضی مأذون» اجازه‌ی قضاوت می‌گیرند، چرا درباره‌ی مرد بودن قاضی نیز دست‌کم هم‌چون قاضی غیرمجتهد عمل نمی‌شود، تا زنان توان‌مند این حوزه در جایگاه شایسته‌ی خود قرار گیرند؟



## منابع

- ۱- انصاری، مرتضی. ۱۳۷۴. مکاسب. قم: انتشارات دهقانی اسماعیلیان.
- ۲- اسدی، لیلا سادات. ۱۳۸۱. «زنان و قضاوت». کتاب زنان ۷ (۲۸): ۱۷۲.
- ۳- پوررنگ‌نیا، اکرم. ۱۳۸۲. «پیشینه‌ی قضاوت زنان در ایران». دادگستر (۹-۱۰): ۴۷.
- ۴- حرعاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۳ق. وسائل الشیعة. بیروت: دار احیاء التراث العربیة.
- ۵- حکیم‌پور، محمد. ۱۳۸۳. زن در کشاکش سنت و تجدد. جلد ۱. تهران: نشر نغمه‌ی نواندیش.
- ۶- شمس‌الدین، محمدمهدی. ۱۳۷۶. حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام. برگردان محسن عابدی. تهران: بعثت.
- ۷- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله. ۱۳۸۴. قضاوت زن در فقه اسلامی. تهران: امید فردا.
- ۸- صانعی، یوسف. ۱۳۸۰. منتخب الاحکام. قم: میثم تمار.
- ۹- صدوق، محمد. ۱۴۰۱ق. من لایحضره الفقیه. بیروت: دارالاعراف دارصعب.
- ۱۰- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۶. تفسیر المیزان. جلد ۴. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۱- طوسی، ابن‌جعفر محمد بن حسن. ۱۳۵۱. المبسوط. قم: مکتبه‌ی المرتضویه.
- ۱۲- علایی رحمانی، فاطمه. ۱۳۸۳. «تحلیلی بر خطبه‌ی ۸۰ نهج‌البلاغه». فصل‌نامه‌ی پژوهشی نهج‌البلاغه (۹-۱۰): ۱۱۲-۱۳۴.
- ۱۳- قرآن. ۱۳۷۴. برگردان عبدالمحمد آیتی. تهران: سروش.
- ۱۴- کدیور، جمیله. ۱۳۸۱. زن. تهران: اطلاعات.
- ۱۵- کدیور، جمیله. ۱۳۸۴. رؤیاهای زنانه در دنیای مردانه. تهران: امید ایرانیان.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر. ۱۳۹۲ق. بحارالانوار. جلد ۱۰۳. بیروت: دار احیاء التراث العربیة.
- ۱۷- مجموعه‌ی قوانین. ۱۳۵۸. اداره‌ی تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی.
- ۱۸- مجموعه‌ی قوانین. ۱۳۶۱. اداره‌ی تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی.
- ۱۹- مجموعه‌ی قوانین. ۱۳۶۳. اداره‌ی تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی.
- ۲۰- مجموعه‌ی قوانین. ۱۳۷۴. اداره‌ی تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی.
- ۲۱- مجموعه‌ی قوانین. ۱۳۷۶. اداره‌ی تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی.
- ۲۲- منتظری، حسین‌علی. ۱۳۷۰. مبانی فقهی حکومت اسلامی. جلد ۱. برگردان محمد صلواتی. قم: نشر تفکر.
- ۲۳- موسوی بجنوردی، محمد. ۱۳۸۱. مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، و اجتماعی. تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۲۴- مهرپور، حسین. ۱۳۷۹. مباحثی از حقوق زن. تهران: اطلاعات.

- ۲۵- نجفی، محمدحسن. ۱۴۱۲ق. *جواهرالکلام*. جلد ۴. بیروت: مؤسسة المرثیة العالمية.
- ۲۶- *نهج البلاغه (فرهنگ‌نامه‌ی موضوعی)*. ۱۳۸۱. به کوشش احمد خاتمی. تهران: سروش.

## نویسنده

## دکتر جمیله کدیور،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا  
kadivar@maktuob.net

دانش‌آموخته‌ی دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تهران؛  
عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا؛  
نماینده‌ی مردم تهران در دوره‌ی ششم مجلس شورا؛  
نماینده‌ی مردم تهران در دوره‌ی یکم شورای شهر تهران؛  
مشاور پیشین رئیس جمهور خاتمی در امور رسانه و مطبوعات؛  
نویسنده‌ی چندین مقاله و کتاب در زمینه‌ی مسائل سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی:  
*رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا؛*  
*انتفاضه‌ی حماسه‌ی مقاومت فلسطین؛*  
*مصر از زاویه‌ی دیگر* (برگردانده‌شده به زبان عربی)؛  
*پشت پرده‌ی صلح؛*  
*زن* (برگردانده‌شده به زبان عربی)؛  
*تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران؛*  
*توهم توطئه* (برگردانده‌شده به زبان آلمانی)؛  
*کمیسیون اصل نود* (سه جلد)؛

## بررسی رابطه‌ی آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در زنان

دکتر عباس ابوالقاسمی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

آذر کیامرثی

مربی گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اردبیل

### چکیده

سازگاری زناشویی یکی از برجسته‌ترین موضوع‌های تأثیرپذیر از متغیرهای روان‌شناختی و شخصیتی است. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌است که افراد آندروژن سازگاری و سلامت روانی بیش‌تری دارند. در این پژوهش نیز رابطه‌ی آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در زنان بررسی شده‌است. نمونه‌ی پژوهش دربردارنده‌ی ۲۰۰ آزمودنی زن است که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ئی از میان زنان کارمند شهر اردبیل گزیده‌شدند. داده‌ها با پرسش‌نامه‌ی نقش جنسیتی ب‌م، پرسش‌نامه‌ی سلامت عمومی گلدبرگ، و مقیاس سازگاری زناشویی /سپنی‌یر گردآوری و با روش‌های هم‌بسته‌گی پی‌یرسون، رگرسیون چندمتغیره، و آزمون  $t$  بررسی شدند.

یافته‌ها نشان داد هم‌بسته‌گی سازگاری زناشویی زنان با آندروژنی ( $r = 0.38$ ) و سلامت روانی ( $r = 0.35$ ) هم‌سو و معنادار ( $P = 0.01$ ) و رابطه‌ئی چندمتغیره است. هم‌چنین زنان با آندروژنی بیش‌تر، سازگاری زناشویی بهتری از زنان با آندروژنی کم‌تر دارند. یافته‌ها نشان داد که زنان با آندروژنی کم، دارای افسرده‌گی، اضطراب، نابه‌سامانی در کارکرد اجتماعی، و دردهای بدنی بیش‌تری هستند و سازگاری زناشویی در آنان کم‌تر است. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های دیگر هم‌خوانی دارد. توجه به نقش آندروژنی در مشاوره‌های پیش از زناشویی و هم‌چنین کاربرد آن در مراکز درمانی و بالینی از راه‌کارهای عملی این پژوهش است.

### واژه‌گان کلیدی

آندروژنی؛ سلامت روانی؛ سازگاری زناشویی؛

### پیش‌گفتار

خانواده نهادی است که از یک سو با جامعه و از سوی دیگر با خود فرد پیوند دارد. اهمیت این نهاد به اندازه‌ئی است که از پایه‌های بنیادین جامعه شمرده می‌شود و رسیدن به جامعه‌ئی سالم در گرو دستیابی به خانواده‌ئی سالم است (بورنستین و بورنستین<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰).

سازگاری زناشویی<sup>۲</sup> یکی از برجسته‌ترین موضوع‌های نگرش جامعه‌ی انسانی است که بر کارکرد شایسته‌ی خانواده اثر می‌گذارد. سازگاری زناشویی پیوندی دوستانه هم‌راه با تفاهم و درک یک‌دیگر، و تعادلی منطقی میان نیازهای مادی و معنوی همسران است. سازگاری زناشویی بنیادی‌ترین ستون سلامت روانی افراد در نظام خانواده است که از عامل‌های گوناگونی مانند وضع مالی، سن زناشویی، وضع کاری، و مذهب اثر می‌پذیرد (سینها و مکرجی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰). آنچه که در ایران کم‌تر بدان نگریده شده‌است، نقش آندروژنی در سازگاری زناشویی است. از این رو در این پژوهش رابطه‌ی آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی زنان بررسی می‌شود.

### پیشینه‌ی پژوهش

یکی از متغیرهای مهم در ارتباط با سلامت روانی و سازگاری زناشویی، نقش‌های جنسیتی، به ویژه آندروژنی<sup>۴</sup> است. بَم<sup>۵</sup> (۱۹۸۱a) آندروژنی را سوگیری نقش جنسیتی<sup>۶</sup> می‌داند که در آن، فرد شناسه‌های فراوانی را هم از زنانه‌گی و هم از مردانه‌گی در منش خود یک‌پارچه می‌سازد. به سخن دیگر، آندروژن<sup>۷</sup> کسی است که ویژه‌گی‌های مردانه و زنانه‌ی فراوانی را با هم دارد.

از دیدگاه بَم (همان) آندروژن‌ها گونه‌ی جنسیتی جداگانه‌ئی از دیگران دارند و از بهداشت روانی بهتر و منش والاتری برخوردار اند. آنان در بند مفاهیم خشکاندیشانه‌ی نقش جنسیتی نمی‌مانند و در پاسخ‌دهی کارآمد به موقعیت‌های گوناگون و گسترده‌تر، آزادتر اند. بَم (۱۹۸۱b) در پژوهشی نشان داد که افراد دارای

1. Bornstein, Philip H., and Bornstein, Marcy T.

2. Marital Adjustment

3. Sinha, S. P., and Makerjee, N.

4. Androgyny

5. Bem, Sandra Lipsitz

6. Sex Role Orientation

7. Androgynous





آندروژنی بالاتر استقلال بیشتری دارند و در کنش‌ورزی با کودکان نیز مهورتر اند. بنابراین، آندروژن‌ها کاملاً نرمش‌پذیر اند و کارکردشان در کارهای مردانه به شیوه‌ئی مردانه و در کارهای زنانه به روشی زنانه است.

از دیدگاه بلم (۱۹۸۱ا) آندروژن‌ها از دیگران کامل‌تر و بهتر اند و نمره‌هایشان در عزت نفس از مردان و زنان سنتی بالاتر است. هم‌سو با بلم، اسپنس<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) با نگرش به یافته‌های پژوهشی، بر این باور است که آندروژن‌ها عزت نفس بیشتری دارند و در میان هم‌سالان‌شان، محبوبیت‌شان از افراد دارای نقش جنسیتی سنت‌گرایانه بیشتر است.

آگروال<sup>۲</sup> (۱۹۷۱)، بلم (۱۹۷۵)، و کوک<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) در پژوهش‌هایی نشان دادند که در مقایسه با افراد دارای گونه‌ی جنسیتی زنانه یا مردانه، زنان و مردان آندروژن دوست‌داشتنی‌تر، سازگارتر، آسوده‌تر در روابط جنسی، و از دیدگاه بین‌فردی خوشنودتر اند. در زنده‌گی زناشویی نیز، هم‌سران آندروژن خوشنودی بیشتری دارند. ریچارد، ویک‌فلد، و لیواک<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) در پژوهشی نشان دادند که هم‌خوانی شخصیتی همسران پیش‌بینی‌کننده‌ی خوبی برای سازگاری زناشویی و نخستین تعیین‌کننده‌ی پیوند پایدار است.

راسل و ولز<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) بر این باور اند که اگر زن و شوهر در نقش‌های جنسیتی سالم هم‌سان نباشند، در زنده‌گی با هم سازگاری کم‌تری خواهند داشت و چه‌گونه‌گی این پیوند بسیار وابسته به همانندی آنان در آندروژنی است. آن‌ها هم‌چنین رضایت زناشویی را در خانواده‌هایی که در آن خواستار نقشی جنسیتی از زن اند، کم‌رنگ‌تر می‌دانند.

برگ، ویلسون، و وین‌گارتنر<sup>۶</sup> (۱۹۹۱) نشان دادند که آندروژنی تنش کم‌تر و رضایت بیشتر از زناشویی را در پی خواهد داشت. هاگ و هم‌کاران<sup>۷</sup> (۱۹۹۵)، در بررسی ۱۴۵ مادر فرزندان دریافتند که سلامت روانی پایین و نقش جنسیتی سنتی می‌تواند ۵۷ درصد سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند.

1. Spence, Janet T.

2. Agarwal, A. K

3. Cook, Rachel

4. Richard, London S., Wakefield Jr, James A., and Lewak, Richard

5. Russell, Robin J. H., and Wells, Pamela A.

6. Berg, Barbara J., Wilson, John F., and Weingartner, Paul J.

7. Hock, Ellen, Schirtzinger, Mary Beth, Lutz, Wilma J., and Widaman, Keith

بردبری، کمبل، و فینچام<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) نشان دادند که نقش جنسیتی و متغیرهای رفتاری مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های سازگاری زناشویی است. همسران آندروژن رضایت بیشتری از زناشویی دارند و در زنده‌گی با یکدیگر با تنش‌های کم‌تری روبه‌رو می‌شوند.

کوباسا، مدی، و کان<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) در پژوهشی هم‌بسته‌گی و هم‌سویی آندروژنی و سلامت روانی را با سازگاری زناشویی نشان دادند. هاید، کراژنیک، و سکولت-نیدربرگر<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) در پژوهشی دریافتند که آندروژنی تأثیر فراوانی بر زنده‌گی در سراسر عمر می‌گذارد. آن‌ها هم‌چنین نشان دادند که رضایت از زنده‌گی زناشویی وابسته و هم‌سو با آندروژنی است.

هم‌بسته‌گی بهداشت روانی و سازگاری زناشویی نیز معنادار گزارش شده‌است. زلکowitz و میلت<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که همسران دارای سلامت روانی کم‌تر، سازگاری زناشویی کم‌تر و ناخوش‌آیندتری دارند. وینوکور و فان راین<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) تأثیر سلامت روانی را بر سازگاری زناشویی همسران مثبت یافتند. ویش‌من و بروس<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) نیز در پژوهشی به هم‌بسته‌گی منفی افسرده‌گی و رضایت زناشویی زنان دست یافتند.

روی هم‌رفته، چنین می‌نماید که آندروژن‌ها و برخورداران از سلامت روانی، باید زنده‌گی زناشویی بهتری نیز داشته‌باشند. از این رو، در این پژوهش، در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر برآمده‌ایم:

- ۱- آیا سازگاری زناشویی به آندروژنی بسته‌گی دارد؟
- ۲- آیا سازگاری زناشویی به سلامت روانی بسته‌گی دارد؟
- ۳- آیا وابسته‌گی سازگاری زناشویی به آندروژنی و سلامت روانی چندمتغیره

است؟

1. Bradbury, Thomas N., Campbell, Susan M., and Fincham, Frank D.  
 2. Kobasa, Suzanne C., Maddi, Salvatore R., and Kahn, Stephen  
 3. Hyde, Janet Shibley, Krajinik, Michelle, and Skoldt-Niederberger, Kristin  
 4. Zelkowitz, Phyllis, and Milet, Tamara H.  
 5. Vinokur, Amiram D., and Van Ryn, Michelle  
 6. Whisman, Mark A., and Bruce, Martha L.



## روش پژوهش

این پژوهش از گونه‌ی هم‌بسته‌گی است و به شیوه‌ی گذشته‌نگر انجام شده‌است. در این پژوهش آندروژنی و سلامت روانی متغیرهای پیش‌بین و سازگاری زناشویی متغیر ملاک دانسته شده‌است.

## جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش همه‌ی زنان کارمند شهر اردبیل در سال ۱۳۸۳ است که نزدیک به ۲۰۰۰ نفر را در بر می‌گیرد. نمونه‌ی پژوهش ۲۰۰ زن همسر دار کارمند در سازمان‌های اداری خدماتی مانند شهرداری، بهزیستی، و مسکن در شهر اردبیل بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ئی (نزدیک به ۱۰ درصد از زنان هر سازمان و اداره) گزیده شدند.

دامنه‌ی سنی زنان، ۲۵ تا ۳۵ سال با میانگین ۲۸/۷۵ (و انحراف معیار ۴/۳۲) بود. ۴۵ درصد (۹۰ نفر) از زنان دانش‌نامه‌ی دبیرستان (دیپلم)، ۱۶ درصد (۳۲ نفر) دانش‌نامه‌ی کاردانی، و ۳۹ درصد (۷۸ نفر) دانش‌نامه‌ی کارشناسی داشتند.

## ابزار پژوهش

در این پژوهش، ابزارهای زیر برای گردآوری داده‌ها به کار گرفته شد:

### ۱- مقیاس سازگاری زناشویی<sup>۱</sup>

این مقیاس که ساخته‌ی اسپینی‌یر<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) است ۳۲ گزینه دارد و ضریب پایایی آن با ضریب آلفای کرون‌باخ ۰/۹۶ به دست آمده‌است. روایی این مقیاس نیز با پرسش‌نامه‌ی زناشویی انریچ<sup>۳</sup> ۰/۴۵ گزارش شده‌است ( $P < ۰/۰۱$ ). حسن‌شاهی و هم‌کاران (۱۳۸۲) ضریب آلفای کرون‌باخ را برای این مقیاس ۰/۹۲ به دست آوردند. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرون‌باخ به دست آمده برای این مقیاس ۰/۹۲ بود.

### ۲- پرسش‌نامه‌ی نقش جنسیتی بم<sup>۴</sup>

این پرسش‌نامه را بم با ۵۶ پرسش در سال ۱۹۷۸ ساخته‌است و در این پژوهش برای اندازه‌گیری آندروژنی به کار رفته‌است. ضریب آلفای کرون‌باخ برای این

1. Marital Adjustment Inventory  
2. Spanier, Graham B.  
3. ENRICH Marital Inventory  
4. Bem Sex Role Inventory (BSRI)

پرسش‌نامه از ۰/۸۰ تا ۰/۸۶ و ضریب پایایی بازآزمایی آن پس از چهار هفته ۰/۸۲ گزارش شده‌است. ضریب هم‌بستگی این پرسش‌نامه با مقیاس آندروژنی بر پایه‌ی الگوی شخصیت‌سنجی<sup>۱</sup> (برزینز، ولینگ، و وتر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸) ۰/۵۸ بوده‌است. شیبانی (۱۳۸۳) در پژوهش خود ضریب آلفای کرون‌باخ این پرسش‌نامه را ۰/۸۴ گزارش کرده و ضریب هم‌بستگی این پرسش‌نامه را با مقیاس روان‌نژندی از پرسش‌نامه‌ی شخصیتی NEO<sup>۳</sup> (کوستا و مک‌کری<sup>۴</sup>، ۱۹۷۷؛ برگرفته از شیبانی، ۱۳۸۳) ۰/۶۵- به دست آورده‌است (P < ۰/۰۱). در این پژوهش نیز برای این پرسش‌نامه ضریب آلفای کرون‌باخ ۰/۸۳ به دست آمد.

### ۳- پرسش‌نامه‌ی سلامت عمومی<sup>۵</sup>

این پرسش‌نامه را گلدبرگ<sup>۶</sup> (۱۹۷۲) ساخته و در این پژوهش، نمونه‌ی ۲۸گزینه‌ئی آن (GHQ-28) به کار آمده‌است که چهار خرده‌مقیاس را در بر می‌گیرد: دردهای بدنی؛ اضطراب؛ افسرده‌گی؛ و نابه‌سامانی در کنش اجتماعی. میرخستگی (۱۳۷۵؛ برگرفته از هومن، ۱۳۷۷) در پژوهش خود ضریب آلفای کرون‌باخ این پرسش‌نامه را ۰/۹۲ و ضریب پایایی بازآزمایی آن را ۰/۸۴ به دست آورده‌است. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرون‌باخ برای این پرسش‌نامه ۰/۸۶ به دست آمد.

### شیوه‌ی انجام پژوهش

برای گردآوری داده‌ها، نخست به اداره‌ها و سازمان‌ها مراجعه شد و فهرستی از زنان کارمند آن سازمان یا اداره فراهم آمد و از میان آن‌ها آزمودنی‌ها به روش تصادفی (نزدیک به ۱۰ درصد کل زنان) گزیده شدند. پس از گزینش آزمودنی‌ها، هدف پژوهش برای آن‌ها بازگو شد و از آن‌ها خواسته شد که به پرسش‌نامه‌های پژوهش به‌درستی پاسخ گویند و تا آن‌جا که بتوانند پرسشی را بی پاسخ نگذارند. هر آزمودنی نزدیک به ۳۰ دقیقه در تنهایی و در محل کار به پرسش‌نامه‌ها پاسخ داد. پس از گردآوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌های به‌دست‌آمده با روش‌های آماری بررسی شد.

1. Personality Research Form- Andro Scale (PRF-Andro Scale)

2. Berzins, Juris I., Welling, Martha A., and Wetter, Robert E.

3. NEO Personality Inventory (NEO PI)

4. Costa, Jr., Paul T., and McCrae, Robert R.

5. General Health Questionnaire (GHQ)

6. Goldberg, David P.



### یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون هم‌بستگی پی‌یرسون در جدول ۱ آمده‌است. هم‌چنان که دیده‌می‌شود، هم‌بستگی سازگاری زناشویی با آندروژنی ( $r = ۰/۳۵$ ) و سلامت روانی ( $r = ۰/۳۸$ ) هم‌سو و معنادار است ( $P < ۰/۰۱$ )؛ ولی هم‌بستگی آن با اضطراب ( $r = -۰/۲۵$ )، افسرده‌گی ( $r = -۰/۲۸$ )، نابه‌سامانی در کنش اجتماعی ( $r = -۰/۲۵$ ) و دردهای بدنی ( $r = -۰/۳۰$ ) معنادار و ناهم‌سو است ( $P < ۰/۰۱$ ).

جدول ۱- ضرایب هم‌بستگی آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی زنان

متغیر	سازگاری زناشویی
آندروژنی	۰/۳۵ **
سلامت روانی	۰/۳۸ **
اضطراب	-۰/۲۵ *
افسرده‌گی	-۰/۲۸ *
نابه‌سامانی در کنش اجتماعی	-۰/۲۵ *
دردهای بدنی	-۰/۳۰ *

\*  $P < ۰/۰۵$

\*\*  $P < ۰/۰۱$

برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای آندروژنی و سلامت روانی بر واریانس سازگاری زناشویی، آزمون رگرسیون با متغیرهای پیش‌بین آندروژنی و سلامت روانی و متغیر ملاک سازگاری زناشویی انجام شد. نتایج رگرسیون دومتغیره‌ی آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در جدول ۲ آمده‌است. هم‌چنان که دیده‌می‌شود  $F$  به‌دست‌آمده معنادار است ( $P < ۰/۰۰۱$ ) و متغیرهای آندروژنی و سلامت روانی ۲۰ درصد واریانس سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. ضریب رگرسیون هر یک از دو متغیر پیش‌بین نشان می‌دهد که آندروژنی و سلامت روانی می‌تواند واریانس سازگاری زناشویی را به گونه‌ئی معنادار پیش‌بینی کند. به سخن دیگر، افزایش آندروژنی و سلامت روانی، بر سازگاری زناشویی می‌افزاید.

جدول ۲- رگرسیون چندمتغیره‌ی آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی

گام ۲			گام ۱			P	F	RS	MP	متغیرهای پیش‌بین آندروژنی و سلامت روانی
P	t	B	P	t	B					
			۰/۰۰۷	۳/۸۰	۰/۳۷	۰/۰۰۷	۷/۸۴	۰/۱۳۵	۰/۳۶۸	آندروژنی
۰/۰۴	۲/۰۹	۰/۲۹	۰/۰۳	۲/۲۹	۰/۲۶	۰/۰۰۳	۶/۳۷	۰/۲۰۲	۰/۴۵۴	سلامت روانی

نتایج آزمون t (جدول ۳) نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی و سلامت روانی در افراد دارای آندروژنی بالا به گونه‌ئی معنادار بیشتر است؛ ولی در افراد دارای آندروژنی پایین، اضطراب، افسرده‌گی، نابه‌سامانی در کنش اجتماعی، و دردهای بدنی به گونه‌ئی معناداری بیشتر دیده می‌شود ( $P = 0/01$ ).

جدول ۳- مقایسه‌ی میانگین نمره‌های سلامت روانی و سازگاری زناشویی در افراد دارای آندروژنی بالا و پایین

متغیر	گروه (میزان آندروژنی)	میانگین	انحراف معیار	درجه‌ی آزادی	t	P
سازگاری زناشویی	بالا	۱۸۶/۰۴	۱۹/۵۵	۱۹۸	۳/۷۱	< ۰/۰۱
	پائین	۱۷۱/۹۱	۱۸/۶۳			
سلامت روانی	بالا	۶۷/۹۳	۹/۳۸	۱۹۸	۲/۴۷	< ۰/۰۱
	پائین	۵۹/۶۳	۱۰/۲۸			
اضطراب	بالا	۱۰/۸۴	۴/۴۱	۱۹۸	۲/۷۱	< ۰/۰۵
	پائین	۱۴/۵۱	۴/۵۴			
افسرده‌گی	بالا	۱۱/۲۰	۲/۵۲	۱۹۸	۲/۸۲	< ۰/۰۱
	پائین	۱۶/۱۷	۲/۱۴			
نابه‌سامانی در کنش اجتماعی	بالا	۸/۲۶	۳/۲۵	۱۹۸	۳/۱۵	< ۰/۰۱
	پائین	۱۳/۳۷	۳/۳۹			
دردهای جسمانی	بالا	۹/۶۵	۲/۴۵	۱۹۸	۳/۶۵	< ۰/۰۱
	پائین	۱۳/۹۱	۲/۸۶			

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که هم‌بسته‌گی آندروژنی و سازگاری زناشویی هم‌سو و معنادار است. به سخن دیگر، با افزایش آندروژنی، سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این یافته با یافته‌های پژوهشی دیگر (آگروال، ۱۹۷۱؛ بم، ۱۹۷۵؛ کوباسا، مدی، و کان، ۱۹۸۲؛ برگ، ویلسون، و وین‌گارتنر، ۱۹۹۱؛ راسل و ولز، ۱۹۹۴؛ بردبری، کمبل، و فینچام، ۱۹۹۵) هم‌خوانی دارد. می‌توان گفت که اطمینان به توانایی‌های خود، تلاش فراوان، و مسئولیت‌پذیری، پدیدآورنده‌ی خوش‌بختی و سازگاری زناشویی زنان است؛ زیرا زنان رضایت و سازگاری زناشویی را وابسته به کوشش، تلاش، و مسئولیت‌پذیری شوهر می‌دانند. هم‌چنین این یافته نشان می‌دهد که آندروژنی سوبه‌های مثبتی دارد که به رضایت زناشویی و نرمش‌پذیری در زنده‌گی با یک‌دیگر می‌انجامد. آندروژن‌ها دوست‌داشتنی‌تر، سازگارتر، و در پیوندهای بین‌فردی خوشنودتر اند.



یافته‌های پژوهش هم‌چنین نشان داد که هم‌بسته‌گی سلامت روانی با سازگاری زناشویی مثبت است. به سخن دیگر، با افزایش سلامت روانی، سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این یافته نیز با یافته‌های پژوهشی دیگر (زلکوویتز و میلت، ۱۹۹۶؛ وینوکار و ریان، ۱۹۹۳) هم‌خوانی دارد. سلامت روانی زنان دربرگیرنده‌ی دسته‌ئی از سازه‌های عزت نفس، خودکارآمدی، چیره‌گی و کنترل بر زنده‌گی، و مانند این‌ها است که سرانجام اثری مثبت در پیوند زناشویی دارد.

یافته‌ها هم‌چنین نشان داد که زنان دارای آندروژنی بالا افسرده‌گی، اضطراب، نابه‌سامانی در کارکرد اجتماعی، و دردهای بدنی کم‌تری دارند و سازگاری زناشویی در آنان بیش‌تر است. این یافته نیز با یافته‌های پژوهشی دیگر (هاک و هم‌کاران، ۱۹۹۵؛ برگ، ویلسون، و وین‌گارتنر، ۱۹۹۱؛ زلکوویتز و میلت، ۱۹۹۶) هم‌خوانی دارد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که سلامت روانی و سازگاری زناشویی در زنان دارای آندروژنی بالا و آندروژنی پایین متفاوت و این تفاوت معنادار دارد. به سخن دیگر، سلامت روانی و سازگاری زناشویی در زنان دارای آندروژنی بالا به گونه‌ئی معنادار از زنان دارای آندروژنی پایین بیش‌تر است. این یافته با یافته‌های پژوهشی دیگر (بم، ۱۹۷۵؛ بم، ۱۹۸۱b؛ آگروال، ۱۹۷۱) هم‌خوانی دارد. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آندروژن‌ها بهداشت روانی و ویژه‌گی‌های شخصیتی بهتری دارند، نرمش‌پذیرتر اند، و در کنش‌های مردانه روشی مردانه و در کارهای زنانه شیوه‌ئی زنانه به کار می‌گیرند. شاغل بودن زنان و حضور آن‌ها در گستره‌های اجتماعی و مشارکت‌شان در برآوردن نیازهای زنده‌گی، شاید بتواند توجیه‌کننده‌ی سلامت روانی و سازگاری زناشویی بیش‌تر در زنان دارای آندروژنی بالا باشد.

یافته‌ها هم‌چنین نشان داد که هم‌بسته‌گی آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی چندمتغیره است و آندروژنی و سلامت روانی نزدیک به ۲۰ درصد از واریانس سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. به سخن دیگر، افزایش آندروژنی و سلامت روانی، سازگاری زناشویی را افزایش می‌دهد.

از آن‌جا که تنها زنان شاغل در این پژوهش بررسی شده‌است، باید در گسترش یافته‌ها احتیاط کرد.

بررسی متغیرهای پژوهش در زنان شاغل و غیرشاغل، و نگرش به نقش آندروژنی و سلامت روانی در مشاوره‌های پیش از زناشویی، و هم‌چنین کاربرد آن در مراکز مشاوره و درمان از پیشنهاد‌های این پژوهش است.

## منابع

- ۱- بورنس‌تین، فیلیپ اچ، و مارسی ت. بورنس‌تین. ۱۳۸۰. *زناشویی درمانی*. برگردان حسن پورعابدی و غلامرضا منشی. تهران: انتشارات رشد.
- ۲- حسن‌شاهی، محبوبه، و دیگران. ۱۳۸۲. «رابطه‌ی بین کانون کنترل و رضایت زناشویی همسران شاغل در آموزش و پرورش». *پژوهش‌های روان‌شناختی* ۷(۱-۲): ۵۱-۶۱.
- ۳- شبیانی، حسین. ۱۳۸۳. *بررسی رابطه‌ی آندروژنی و روان‌نژندی با کیفیت زندگی در زنان بارور و نابارور*. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. اردبیل: گروه روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- ۴- هومن، عباس. ۱۳۷۷. *استانداردسازی پرسش‌نامه‌ی سلامت عمومی بر روی دانشجویان دوره‌های کارشناسی*. [گزارش پژوهشی]. تهران: مرکز مشاوره‌ی دانشجویی، معاونت دانشجویی و فرهنگی، دانشگاه تهران.
- 5- Agarwal, A. K. 1971. "Patterns of marital disharmonies." *Indian Journal of Psychiatry* 13(1):185-193.
- 6- Bem, Sandra Lipsitz. 1975. "Sex-role adaptability: One consequence of psychological androgyny." *Journal of Personality and Social Psychology* 31(4): 634-643.
- 7- Bem, Sandra Lipsitz. 1981a. **Bem Sex-Role Inventory: Professional Manual**. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- 8- Bem, Sandra Lipsitz. 1981b. "Gender schema theory: A cognitive account of sex typing." *Psychological Review* 88(4): 354- 364.
- 9- Berg, Barbara J., John F. Wilson, and Paul J. Weingartner. 1991. "Psychological sequelae of infertility treatment: The role of gender and sex-role identification." *Social Science and Medicine* 33(9): 1071-1080.
- 10- Berzins, Juris I., Martha A. Welling, and Robert E. Wetter. 1978. "A new measure of psychological androgyny based on the Personality Research Form." *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 46(1): 126-138.
- 11- Bradbury, Thomas N., Susan M. Campbell, and Frank D. Fincham. 1995. "Longitudinal and behavioral analysis of masculinity and femininity in marriage." *Journal of Personality and Social Psychology* 68(2): 328-341.
- 12- Cook, Rachel. 1993. "The relationship between sex role and emotional functioning in patients undergoing assisted conception." *Journal of Psychosomatic Obstetrics and Gynecology* 14(1): 31- 40.
- 13- Goldberg, David P. 1972. *The Detection of Psychiatric Illness by Questionnaire: A Technique for the Identification and Assessment of Non-Psychotic Psychiatric Illness*. London, UK: Oxford University Press.
- 14- Hock, Ellen, Mary Beth Schirtzinger, Wilma J. Lutz, and Keith Widaman. 1995. "Maternal depressive symptomatology over the transition to parenthood: Assessing the influence of marital satisfaction and marital sex role traditionalism." *Journal of Family Psychology* 9(1): 79-88.





- 15- Hyde, Janet Shibley, Michelle Krajinik, and Kristin Skuldt-Niederberger. 1991. "Androgyny across the life span: A replication and longitudinal follow-up." *Developmental Psychology* 27(3): 516-519.
- 16- Kobasa, Suzanne C., Salvatore R. Maddi, and Stephen Kahn. 1982. "Hardiness and health: A prospective study." *Journal of Personality and Social Psychology* 42(1): 168-177.
- 17- Richard, London S., James A. Wakefield, Jr, and Richard Lewak. 1990. "Similarity of personality variable as predictors of marital satisfaction: A Minnesota Multiphasic Personality Inventory (MMPI) item analysis." *Personality and Individual Differences* 11(1): 39-43.
- 18- Russell, Robin J. H., and Pamela A. Wells. 1994. "Predictors of happiness in married couples." *Personality and Individual Differences* 17(3): 313-321.
- 19- Sinha, S. P., and N. Makerjee. 1990. "Marital adjustment and personal space orientation." *The Journal of Social Psychology* 130(5): 633-639.
- 20- Spanier, Graham B. 1976. "Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads." *Journal of Marriage and the Family* 38(1): 15-26.
- 21- Spence, Janet T. 1982. "Comments on Baumrind's 'Are androgynous individuals more effective persons and parents?'" *Child Development* 53(1): 76-80.
- 22- Whisman, Mark A., and Martha L. Bruce. 1999. "Marital dissatisfaction and the incidence of a major depressive episode in a community sample." *Journal of Abnormal Psychology* 108(4): 674- 678.
- 23- Vinokur, Amiram D., and Michelle Van Ryn. 1993. "Social support and undermining in close relationships: Their independent effects on the mental health of unemployed persons." *Journal of Personality and Social Psychology* 65(2): 350-359.
- 24- Zelkowitz, Phyllis, and Tamara H. Milet. 1996. "Postpartum psychiatric disorders: Their relationship to psychological adjustment and marital satisfaction in the spouses." *Journal of Abnormal Psychology* 105(2): 281-285.

## نویسنده‌گان

دکتر عباس ابوالقاسمی،

استادیار و عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی  
anahid1385@yahoo.com

۴۰ مقاله در هم‌آیش‌های کشوری و جهانی، و بیش از ۱۰ نوشتار علمی-پژوهشی در مجله‌های روان‌شناسی، علوم پزشکی، و علوم ورزشی داشته‌است. از کتاب‌هایی که نگاشته‌است می‌توان این‌ها را نام برد:

*اضطراب امتحان؛**آزمون‌های روان‌شناختی؛**روان‌شناسی سرسختی؛**روان‌شناسی کمال‌گرایی (زیر چاپ).*

آذر کیامرثی،

مریی گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اردبیل  
azar1349@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اهواز؛ وی نگارنده‌ی کتاب‌های *سرسختی روان‌شناختی و روان‌شناسی در احتمال* است و تا کنون پنج نوشتار در مجله‌های علمی-پژوهشی و هشت مقاله در هم‌آیش‌های کشوری ارائه کرده‌است.

## بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه‌ی روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج

دکتر مجید موحد

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز

محمدتقی عباسی شوازی

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

### چکیده

این پژوهش با دو هدف بررسی چه‌گونه‌گی نگرش دختران جوان به دوستی و معاشرت پیش از ازدواج، و همچنین بررسی رابطه‌ی زمینه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش دختران به دوستی و معاشرت پیش از ازدواج انجام شده‌است. برای این کار، ۳۶۰ نفر از دختران دانش‌جو از دانشگاه‌های شیراز (۲۵۳ نفر) و علوم پزشکی شیراز (۱۰۷ نفر) با میانگین سنی ۲۱/۹ سال به شیوه‌ی پیمایشی بررسی شدند.

یافته‌ها نشان داد که نگرش و سوگیری بیش از نیمی از دختران دانش‌جو (۵۵/۶ درصد) به این گونه دوستی‌ها میانه بوده‌است. تحلیل‌های دومتغیره نشان داد که هم‌بستگی نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج، با متغیرهای اولویت‌های ارزشی، باورهای دینی، پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، نگرش خانواده، تحصیلات پدر و مادر، دانشگاه محل تحصیل، و برخی ابزارهای رسانه‌ئی، معنادار بوده‌است؛ در حالی که هم‌بستگی آن با زمان حضور در دانشگاه و به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ئی هم‌چون روزنامه و مجله معنادار نبوده‌است. تحلیل چندمتغیره نیز نشان داد که تنها سه متغیر پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، و نگرش خانواده، بر روی هم ۶۰/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند که در این میان، مؤثرترین متغیر، پایبندی به ارزش‌های دینی بوده‌است. به طور کلی، می‌توان گفت اگر چه دگرگونی‌های این گستره از روابط، به سوی ارزش‌های مدرن پیش می‌رود، اما دختران، همچنان گذشته، میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان اند.

### واژه‌گان کلیدی

دختران؛ جامعه‌پذیری؛ ارزش‌های سنتی و مدرن؛ روابط پیش از ازدواج؛ دگرگونی‌های نگرشی و ارزشی؛

## پیش‌گفتار

یکی از چالش‌های بنیادی که جوامع در حال گذار از دوران سنتی به مدرن با آن دست‌به‌گریبان اند، چالش سنت‌های کنونی جامعه با ارزش‌های مدرن است. برهم‌نهی و آمیزش باورها و ارزش‌های سنتی با ارزش‌ها و باورهای مدرن آسان نیست. زیرا بنیان‌ها و ارزش‌های مدرن که برخاسته از دیدگاه‌های اندیشه‌مندان دوران روشن‌گری و نگره‌های اندیشه‌گی باختر است و امروزه سازه‌های بنیادی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ و تمدن نو شمرده می‌شود، با بیش‌تر ارزش‌های سنتی کنونی جوامع در حال گذار سازگاری ندارد. از این رو، نمی‌توان هر یک از این دو سامانه‌ی ارزشی را یک‌پارچه طرد کرد، که این کار نه شدنی است و نه خردمندانه. پس آمیزش ارزش‌های سنتی و مدرن از نیازهای زنده‌گی امروز است. هر چند که فرآیند آمیزش ارزش‌ها در دوران گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن، با ناسازگاری و چندگانگی ارزشی همراه است که می‌تواند پدیدآورنده‌ی چالشی آسیب‌زا در جوامعی هم‌چون ایران باشد.

جامعه‌ی ایران در سال‌های گذشته، هم‌گام با دگرگونی‌های ساختی و فنی و پیوند گسترده با جامعه‌ی جهانی، و هم‌چنین آشنایی با سامانه‌ی ارزش‌های نوین در گستره‌ی جهانی، با دگرگونی‌های مهمی روبه‌رو بوده است. ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره‌ی نهاد خانواده، ازدواج، و شیوه‌های همسرگزینی، از زمینه‌هایی بوده‌است که دوچار دگرگونی‌های گسترده‌ئی شده‌است؛ تا جایی که می‌توان گفت که ارزش‌های فرهنگی ایرانیان در حال ساخت و نوزائی است. دگرگونی‌های این گستره از روابط اجتماعی را، بدون نگرش به نقش زنان و دختران، به سان یکی از سازه‌های بسیار مهم در این زمینه، نمی‌توان بررسی کرد. از آن‌جا که ارزش‌ها در جهان امروز و جامعه‌ی ایران جنسیتی شده‌است، چنین می‌نماید که روند دگرگونی‌های ارزشی نیز به سوی اثرپذیری از جنسیت به پیش می‌رود. از این رو، توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های زنان و دختران در گستره‌های گوناگون اجتماعی بسیار مهم شمرده می‌شود. از این گذشته، دگرگونی‌های ساختاری در آموزش و کار زنان، افزایش توان آن‌ها در زمینه‌های خانواده‌گی و اجتماعی، و رشد اندیشه‌های فمینیستی، آن‌ها را به بازنگری در نقش‌ها و هویت‌های سنتی خود و دگرگون‌سازی آن واداشته‌است. آنان خواستار حقوق برابر در همه‌ی زمینه‌های زنده‌گی و جهان اجتماعی اند و با پافشاری بر گزینش فردی، آزادی بیش‌تری در گزینش همسر و شیوه‌های همسرگزینی خود جست‌وجو می‌کنند.



روابط آزادانه‌ی دختر و پسر پیش از ازدواج در جامعه‌ی ما پدیده‌ئی است نو که در هیچ دوره‌ئی در کشور ما بدین گسترده‌گی (چه در سطح رفتاری و چه در سطح نگرشی) دیده نشده‌است. چرا که این روابط در فرهنگ، هنجارها، آداب و رسوم، و ارزش‌های جامعه‌ی ایرانی هیچ جایگاهی نداشته‌است. اما در سال‌های گذشته، هم‌راه با افزایش دانش‌آموخته‌گی زنان و حضور گسترده‌ی آنان در گستره‌های مختلط اجتماعی، و همچنین با گسترش چند و چون رسانه‌های گروهی و دگرگونی‌های بنیادی در بستر زمینه‌های فرهنگی-جامعه‌پذیری، پدیده‌ی روابط و معاشرت پیش از ازدواج، از درون روابط بین شخصی جوانان در حال زایش است و یافته‌های پژوهشی نیز این گفته را تأیید می‌کند (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۷۹؛ عبداللهیان، ۱۳۸۳؛ جوکار، ۱۳۸۳؛ احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳؛ ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳).

از آن‌جا که پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده‌است و شناخت و دریافتی درست از نگرش جوانان، به‌ویژه دختران، در این باره نداریم، گسترش روزافزون این گونه روابط می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مسائل و دشواری‌ها و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی شود و هم‌چون مسئله‌ئی اجتماعی بر برخی از نهادهای جامعه اثر گذارد؛ هم‌چنان که افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج، و افزایش فرزندان نامشروع، که تا اندازه‌ئی پی‌آمد این گونه روابط پیش از ازدواج است، می‌تواند نهاد ازدواج و خانواده را با چالش‌هایی بنیادی روبه‌رو سازد (دماریس و مک‌دونالد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳؛ اسماک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ کان و لاندن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱؛ هال<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶؛ تیچمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳).

از سوی دیگر، روابط پیش از ازدواج رفتاری و گرهی شخصی در زنده‌گی روزمره‌ی جوانان و دختران نیز هست. آن‌ها امروزه با این چالش روبه‌رو هستند که چه‌گونه باید با جنس مخالف خود روبه‌رو شوند؟ چه‌گونه می‌توانند هزینه‌های چنین معاشرت‌هایی را کمینه سازند؟ به سخن دیگر، جوانان از سویی با هنجارهای مذهبی، اجتماعی، و خانواده‌گی خود روبه‌رو هستند، که برخوردی سخت‌گیرانه درباره‌ی این معاشرت‌ها و دوستی‌ها دارد، و از سوی دیگر با تجربه‌های روزمره، نیازهای ویژه‌ی دوره‌ی جوانی، و ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن، که آن‌ها را به چنین روابطی برمی‌انگیزاند. بنابراین، چنین می‌نماید که ناسازگاری این دو دسته از ارزش‌ها، آن‌ها را در دوگانه‌گی میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان می‌گذارد و این سردرگمی

1. Demaris, Alfred, and MacDonald, William

2. Smock, Pamela

3. Kahn, John R., and London, Kathryn A.

4. Hall, David R.

5. Teachman, Jay

برای جوانان، به‌ویژه دختران، چالشی بزرگ است که می‌تواند آن‌ها را به بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی بکشاند. گذشته از آن، هنجارها و ارزش‌های سنتی مردسالارانه و سنجه‌های دوگانه‌ی جامعه، به پسران بیشتر از دختران آزادی می‌بخشد و در این میان، بیش‌ترین آسیب‌های این معاشرت‌ها از آن دختران خواهد بود؛ آسیب‌هایی اجتماعی و روانی که گاه بر زنده‌گی و خانواده‌ی آن‌ها اثر می‌گذارد و گاه آن را از هم می‌پاشد.

این مسئله، چه در سطح خورد برای افراد و خانواده‌ها، و چه در سطح کلان برای کشور، به مسئله‌ی اجتماعی بدل شده‌است. با توجه به حساسیت‌های این مسئله در جامعه‌ی ما و کم‌بود پژوهش‌های علمی در این زمینه، نیاز به انجام چنین بررسی‌هایی بر کسی پوشیده نیست. شناخت و دریافت نگرش‌ها و ارزش‌های دختران درباره‌ی این مسئله می‌تواند تا اندازه‌ی در پیش‌بینی رفتار آن‌ها در آینده به ما کمک کند و از سوی دیگر می‌تواند آن‌ها را از آسیب‌های روانی، اجتماعی، و بهداشتی‌ئی که تهدیدشان می‌کند آگاه سازد.

از این رو، این پژوهش در پی دستیابی به دو هدف عمده است:

۱- بررسی نگرش دختران دانش‌جو به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج؛

۲- بررسی رابطه‌ی زمینه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش دختران به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج.

### بنیان‌های نظری پژوهش

جامعه‌پذیری<sup>۱</sup> فرآیندی است که افراد یک جامعه از هنگام تولد تا دم مرگ از آن جدا نیستند و به شیوه‌های گوناگون از آن تأثیر می‌پذیرند. این فرآیند، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند به افراد منتقل می‌کند و بدین سان نسل‌ها را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد. افراد از این راه یاد می‌گیرند که چه‌گونه به نیازهای زیستی و اجتماعی خود، به گونه‌ئی که از دیدگاه اجتماعی پذیرفته‌شده‌باشد، پاسخ گویند تا به ارزش‌ها و هنجارها و اهداف فرهنگی آسیبی نرسد. از دیدگاه جامعه‌شناسان، در همه‌ی فرهنگ‌ها، خانواده سازه‌ی بنیادین جامعه‌پذیری در دوران کودکی است. اما با افزایش سن، بسیاری از سازه‌های دیگر همچون نهادهای دینی، گروه همالان و دوستان، بنگاه‌های آموزشی، و رسانه‌های



گروهی نقشی مهم در جامعه‌پذیری افراد می‌باید (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۷). بسیاری از نگره‌پردازان بر این باور اند که انجام این فرآیند برای دو جنس یکسان نیست و مردان و زنان به شیوه‌ئی یکسان جامعه‌پذیر نمی‌شوند. از این رو، اصطلاح «جامعه‌پذیری جنسیتی» را به کار می‌گیرند.

برخی از اندیشه‌مندان، بنیان رفتارها و نگرش‌های زنان را کلیشه‌های جنسیتی و اجتماعی می‌شمارند. کلیشه‌ها یا پنداره‌های قالبی جنسیتی، باورهای فرهنگی جامعه را درباره‌ی آنچه زنان و مردان باید انجام دهند بازتاب می‌دهد. این پنداره‌ها و چشم‌داشت‌ها که ریشه در نقش‌های جنسیتی دارد، از راه نهادهای اجتماعی به افراد القا می‌شود و افراد تلاش می‌کنند در کنش‌ورزی‌های اجتماعی بر پایه‌ی دریافتی که از کلیشه‌ها دارند رفتار کنند. جکسون<sup>۲</sup> بر این باور است که کلیشه‌های اجتماعی انتظاری است که دو جنس بر اساس آن اندیشه، احساس، و رفتار می‌کنند و با پیروی از آن در جایگاه‌های گوناگون، مردانه‌گی و زنانه‌گی خود را آشکار می‌سازند. جامعه با دستورهای نانوشته‌ئی که در خود دارد افراد را وامی‌دارد که چه‌گونه با دیگران و از آن میان جنس مخالف خود رفتار کنند؛ که البته زنان بیش از مردان وادار به انجام این دستورها می‌شوند. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان و دختران بیش از مردان از کلیشه‌های اجتماعی پیروی می‌کنند (طالبانی و حسن‌علی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ ظهروند، ۱۳۸۳).

کلیشه‌های اجتماعی در جامعه‌ی ما دختری را «خوب» می‌داند که از هر گونه ارتباط با جنس مخالف خود که نامحرم باشد بپرهیزد و کسانی که این چشم‌داشت را برنتابند، دخترانی «بد» شمرده می‌شوند. از آن جا که سنجه‌های گزینش همسر برای مردان بیش‌تر از این کلیشه‌ها بر ساخته می‌شود، بنابراین دختران و زنان تلاش می‌کنند هم‌سو با کلیشه‌های اجتماعی رفتار کنند. توجه نگره‌های جنسیتی به چه‌گونه‌گی تداوم نقش‌های جنسیتی است. بیش‌تر پژوهش‌گران، ایده‌ئولوژی‌های جنسی-نقشی را در بازه‌ئی از سنتی تا مدرن نمایش می‌دهند. ایده‌ئولوژی‌های سنتی مردان را بیش‌تر از زنان شایسته‌ی قدرت و پایگاه برتر اجتماعی می‌دانند و به چیره‌گی و کنترل مردان بر زنان و هم‌چنین منابع سیاسی و اقتصادی جامعه مشروعیت می‌بخشند. در برابر، ایده‌ئولوژی‌های مدرن خواهان بازپخش برابانه‌تر قدرت و پایگاه اجتماعی برای زنان اند (طالبانی و حسن‌علی، ۲۰۰۰: ۶۱۶).

1. Giddens, Anthony

2. Jackson

3. Talbani, Aziz, and Parveen HasanAli

برخی از پژوهش‌گران بر این باور اند که سنج‌های جوامع برای زنان دشوارتر از مردان است. بازتاب روشن این ناهم‌سانی‌ها برای زنان تفاوت‌های جنسیتی خواهد بود. بنابراین، در معاشرت میان دو جنس، گرایش افراد جامعه به این سو است که زنان را بزه‌کارتر بدانند (روستوسکی و دیگران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۹۲).

از آن‌جا که جامعه‌پذیری نقشی بسیار مهم در ساخت ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و همچنین سوگیری‌های اجتماعی‌شان درباره‌ی بسیاری از مسائل اجتماعی دارد، در این پژوهش نگره‌ی دگرگونی ارزشی / اینگلهارت<sup>۲</sup> به کار گرفته شده است؛ چرا که در آن هم به جامعه‌پذیری افراد نگریسته شده (به گونه‌ئی که فرض جامعه‌پذیری یکی از فرض‌های بنیادی آن است) و هم به جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی پرداخته شده است. این نگره بر پایه‌ی یافته‌های چهار پیمایش ارزش‌های جهانی<sup>۳</sup> که بیش از ۸۵ درصد از جمعیت سراسر جهان را در بر می‌گیرد، گردآوری و پیاده‌سازی شده است (اینگلهارت و دیگران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴: ۱). این نگره، با تأکید بر فهم چه‌گونه‌گی و چرایی دگرگونی‌های فرهنگی و ارزش‌های جوامع، به دنبال دریافت دگرگونی‌های پیرامونی و کلان در نظام جامعه است که دگرگونی‌های فردی را در پی دارد و این دگرگونی‌ها، خود پی‌آمدهایی برای نظام خواهد داشت. بدین سان، با به‌کارگیری این نگره می‌توان دگرگونی‌ها در سوگیری‌های ارزشی را هم در سطح خورد و درون افراد جامعه بررسی کرد (یکای بررسی افراد) و هم در سطح کلان و میان جوامع دیگر (یکای بررسی جوامع).

اینگلهارت در نگره‌پردازی خویش دو فرضیه‌ی پیش‌بینی‌کننده می‌آورد که دگرگونی ارزش‌ها را روشن می‌سازد:

۱- فرضیه‌ی کم‌یابی<sup>۵</sup> - ارزش‌های بنیادین فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی او است و فرد بالاترین ارزش را به آن چه می‌دهد که عرضی آن برای اش کم است.

۲- فرضیه‌ی جامعه‌پذیری<sup>۶</sup> - ارزش‌های بنیادین فرد بازتاب گسترده‌ی شرایط و فرآیند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های پیش از بلوغ تجربه کرده است و دگرگونی در شرایط پیرامونی نیازمند سازگاری سریع اولویت‌های ارزشی افراد با آن نیست.

1. Rostovsky, Sharon Scales, Wilcox, Brian L., Comer Wright, Margaret Laurie, and Randall, Brandy A.

2. Inglehart, Ronald

3. World Value Survey

4. Inglehart, Ronald, Basañez, Miguel, Diez-Medrano, Jaime, Halman, Loek, and Luijckx, Ruud

5. Scarcity Hypothesis

6. Socialization Hypothesis





بنابراین، در این دیدگاه فرضیه‌ی کم‌پایی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت، و فرضیه‌ی جامعه‌پذیری به آثار بلندمدت نسلی اشاره می‌کند. بر پایه‌ی این دو فرض، *اینگل‌هارت* گونه‌ئی سنخ‌شناسی اولویت‌های ارزشی ارائه می‌کند و افراد را در بازه‌ئی از اولویت‌های ارزشی مادی‌گرایانه تا فرامادی‌گرایانه جای می‌دهد. ارزش‌های فرامادی‌گرایانه نشان‌گر گونه‌ئی احساس امنیت ذهنی فرد است و نه تنها سطح توسعه‌ی اقتصادی (پایگاه اجتماعی-اقتصادی) او. احساس امنیت فرد تحت تأثیر زمینه‌ی فرهنگی و رفاه اجتماعی نهادهایی است که او در آن رشد کرده‌است. بنابراین، فرضیه‌ی کم‌پایی باید از سوی فرضیه‌ی جامعه‌پذیری پشتیبانی شود. ساختار بنیادی شخصیت فرد پیش از بلوغ شکل می‌گیرد و پس از آن بسیار کم دگرگون می‌شود. بدین سان، در این فرآیند، آنچه تأثیری ماندگارتر دارد و بهتر می‌تواند نماینده‌ی ارزش‌ها و نگرش‌های افراد باشد فرض جامعه‌پذیری است (*اینگل‌هارت*، ۲۰۰۰؛ *اینگل‌هارت*، ۱۳۸۳؛ آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳).

*اینگل‌هارت* فرامادی‌گرایان را کسانی می‌داند که در دوران ساخت شخصیت‌شان (قبل از بلوغ) امنیت مالی و جانی (امنیت سازنده)<sup>۱</sup> داشته‌اند و گرایش‌های اجتماعی و ارزشی فرامادی‌گرایانه دارند؛ چرا که امنیت مالی و جانی را مسلم می‌شمارند. بنابراین، یک رشته از نیازهای دیگر همچون خودشکوفائی، و عشق و دل‌بسته‌گی، که نیازهای سطح بالا هستند، برای‌شان مطرح می‌شود. این گونه افراد به‌گزینش و استقلال انسانی اهمیت فراوانی می‌دهند و به احتمال قوی تأکیدشان بر دین و هنجارها و ارزش‌های دینی کم‌تر است. در برابر، کسانی که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده (برآمده از دوران ساخت شخصیت و وضعیت مالی کنونی‌شان) اولویت‌های مادی‌گرا دارند، امنیت مالی و جانی برای‌شان مهم‌تر است و تأکید بیشتری بر ارزش‌ها و هنجارهای دینی دارند. این افراد بر نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی تأکید فراوان دارند و برای بالابردن توان پیش‌بینی، از هنجارها و ارزش‌های دینی مطلق پشتیبانی می‌کنند. بدین سان، نگرش مادی‌گرایان و فرامادی‌گرایان در بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی، و هنجارهای سنتی جنسیتی، مانند حقوق زنان، روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط جنین، طلاق و مانند این‌ها متفاوت خواهد بود. به سخن دیگر، می‌توان گفت که بر اساس ره‌یافت نظری *اینگل‌هارت*، مادی‌گرایان بسیار بیش‌تر از فرامادی‌گرایان هوادار هنجارهای سنتی و ارزش‌های دینی اند (*اینگل‌هارت* و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۱؛ *اینگل‌هارت*، ۱۳۸۳: ۲۲۲).

دگرگون شدن ارزش‌ها و نگرش‌ها به سوی ارزش‌های فرامادی‌گرا (کیفیت زنده‌گی و خودشکوفایی) و دومین موج جنبش زنان، دو دگرگونی بنیادی در سوگیری‌های اجتماعی، سیاسی، و رفتاری در سال‌های پایانی سده‌ی بیستم را نشان می‌دهد (به‌ویژه در جوامع توسعه‌یافته). جای پرسش است که دگرگون شدن ارزش‌ها چه پیوندی با جنبش زنان دارد؛ یا به سخن دیگر، وابسته‌گی ارزش‌های فرامادی‌گرا به سوگیری‌های زنان چیست؟ موج دوم فمینیسم ریشه در دگرگونی‌های اجتماعی پس از جنگ جهانی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ دارد؛ زمانی که نقش‌های بازار کار و تولید زنان به گفتمان سیاست‌گذاری‌های عمومی وارد شد. به طور کلی، خواسته‌های فمینیسم در ملاحظات فزاینده‌ی پس از جنگ، حقوق اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی برابر است، یا آنچه گنر<sup>۱</sup> آن را انقلاب برابری<sup>۲</sup> می‌نامد. این پافشاری فمینیسم بر روی برابری‌خواهی با دگرگونی بنیادی دیگری در جوامع پیش‌رفته‌ی صنعتی هم‌پوشانی دارد و آن پیدایش ارزش‌های فرامادی‌گرایانه است (هایس، مک‌آلیستر و استادلر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰:۴۲۵).

نگره‌های دگرگونی ارزش‌ها، برآورده‌شدن نیازهای مادی انسانی (امنیت و بقای بدنی) را مایه‌ی پررنگ‌تر شدن نیازهای اجتماعی (مهر، عزت نفس، و خودشکوفایی) برای افراد می‌دانند. اینگلهارت و دیگر کسانی که نگره‌ی نیازها را پایه‌ی کار خود گذارده‌اند بر این باور اند که پدید آمدن نیازهای فرامادی، پیدایش جنبش‌های نوین اجتماعی را با دیدگاه‌های بشردوستانه و مسائل کیفی زنده‌گی مانند صلح، حقوق بشر، حقوق زنان، و محیط زیست در پی خواهدداشت (همان: ۴۲۶).

البته فمینیسم برای این نگره‌پردازان یک معما است. چرا که این مفهوم هم عناصر مادی را در بر دارد و هم عناصر فرامادی؛ در حالی که بر پایه‌ی این نگره، دل‌بسته‌گی فمینیست‌ها باید تنها فرامادی باشد. برای نمونه، برخی شاخه‌های فمینیسم و فمینیست‌ها در برنامه‌های برابری فرصت‌ها، برابری مادی را برای زنان دنبال می‌کنند. با ناسازگاری‌هایی که میان فمینیسم و فرامادی‌گرایی دیده‌می‌شود، به طور کلی، نمی‌توان پیشرفت هر یک از این دو را به‌تمامی وابسته به دیگری دانست؛ اما با همه‌ی آنچه که ارزش‌های فرامادی‌گرا را به فمینیسم پیوند می‌دهد، می‌توان گفت که ارزش‌های فرامادی‌گرا در ساخت باورهای فمینیستی مؤثر بوده‌است. فرامادی‌گرایان یا کسانی که در نزدیکی ارزش‌های فرامادی جای دارند، به احتمال

1. Gans, Herbert J.

2. The Equality Revolution

3. Hayes, Bernadette C., McAllister, Ian, and Studlar, Donley T.



بسیار اندیشه‌های فمینیستی را تأیید می‌کنند (همان: ۴۳۶). اینگله‌هارت، از تفاوت‌های زن و مرد در بسیاری از سوگیری‌های اجتماعی و سیاسی، با نام شکاف جنسیتی<sup>۱</sup> یاد کرده و آن را دربرگیرنده‌ی همه‌ی تفاوت‌های زنان و مردان در مشارکت، نگرش‌ها، باورها، و دین‌داری می‌داند. از دیدگاه او یکی از ویژه‌گی‌های به‌خوبی اثبات‌شده‌ی زنان محافظه‌کاری است (اینگله‌هارت و نوریس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰: ۴۴۲).

در این پژوهش، با نگرش به دیدگاه اینگله‌هارت بر فرض جامعه‌پذیری، هم‌بستگی برخی از سازه‌ها یا زمینه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش دختران به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج بررسی خواهد شد. همچنین، در این پژوهش، بر پایه‌ی گفتارهای اینگله‌هارت درباره‌ی ارزش‌های سنتی و سکولار-خردگرا، و نیز اقتدارهای سنتی، قانونی، و فردگرایانه، نگرش مثبت به روابط پیش از ازدواج، از یک سو ارزشی مدرن، سکولار و خردمندانه انگاشته‌می‌شود که خود را از چنبره و چیره‌گی دین بیرون آورده‌است و رویاروی ارزش‌های سنتی می‌ایستد؛ و از سوی دیگر، از آن‌جا که این نگرش، در خود گونه‌ئی اعتراض به ارزش‌های سنتی و دینی-درون جامعه نهفته دارد، ارزشی نو در راستای روی‌کرد دگرگونی‌خواهانه‌ی زنان و دختران در زمینه‌ی روابط بین دو جنس انگاشته‌می‌شود.

### فرضیه‌های پژوهش

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌های این بررسی چنین است:

- ۱- هم‌بستگی اولویت‌های ارزشی مادی/فرامادی با نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۲- هم‌بستگی میزان باورهای دینی دختران با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۳- هم‌بستگی میزان پای‌بندی دختران به ارزش‌های دینی با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۴- هم‌بستگی نگرش خانوادگی دختران با نگرش آن‌ها به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۵- هم‌بستگی نگرش دوستان دختران با نگرش آن‌ها به روابط پیش از ازدواج معنادار است.

1. Gender Gap

2. Inglehart, Ronald, and Norris, Pippa

- ۶- هم‌بسته‌گی تحصیلات مادر دختران با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۷- هم‌بسته‌گی تحصیلات پدر دختران با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۸- هم‌بسته‌گی زمان حضور دختران در دانشگاه با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۹- هم‌بسته‌گی میزان به‌کارگیری رسانه‌ها با نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۱۰- هم‌بسته‌گی دانشگاه محل تحصیل با نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.

### روش‌شناسی پژوهش

برای انجام این پژوهش روش پیمایش به کار گرفته‌شده و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی خودپاسخ‌گو بوده‌است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، همه‌ی دانش‌جویان دختر دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز بود که از آن میان، ۳۶۰ نفر نمونه‌ی آماری با دو روش دستور کوکران و جدول لاین گزیده‌شدند. برای گزینش نمونه‌ها، روش نمونه‌گیری طبقه‌ئی چندگامی به کار رفت تا شمار نمونه‌ها با شمار کل دانش‌جویان دختر هر دانشگاه، دانشکده، و دوره‌ی تحصیلی متناسب باشد و سرانجام، نمونه‌ها به روش اتفاقی گزیده‌شدند.

هم‌چنین، به دلیل کم‌شمار بودن بررسی‌های کشوری در این زمینه، و نیز ناهم‌خوانی پرسش‌نامه‌های به‌کاررفته در پژوهش‌های همانند خارجی با چند و چون فرهنگی جامعه‌ی ما، گویه‌های برخی بخش‌ها (نگرش پاسخ‌گو، نگرش دوستان، نگرش خانواده‌ی پاسخ‌گو، و گستره‌ی ارزش‌های دینی) به روش خودساخته نگاشته و آماده‌شد. برای این کار، پیش از فراهم آوردن پرسش‌نامه، با دانش‌جویانی که درگیر چنین معاشرت‌هایی بودند گفت‌وگوهایی انجام شد و گویه‌هایی نیز از پژوهش‌های خارجی وام‌گیری و بومی‌سازی شد.

روایی<sup>۱</sup> پرسش‌نامه، روایی صوری<sup>۲</sup> بوده‌است و برای اطمینان یافتن از پایایی<sup>۱</sup> بخش‌های آن روش ضریب آلفای کرون‌باخ<sup>۲</sup> به کار رفت. یافته‌های بررسی آغازین با

1. Validity  
2. Face Validity



۵۴ نفر از افراد نمونه، نشان داد که ضریب آلفای کرون‌باخ برای نگرش به معاشرت دو جنس (با ۳۲ گویه) ۰٫۹۵، نگرش خانواده (با ۱۰ گویه) ۰٫۸۹، نگرش دوستان (با ۱۰ گویه) ۰٫۸۰، و پای‌بندی به ارزش‌های دینی (با ۱۰ گویه) ۰٫۸۹ بود.

برای تحلیل داده‌ها روش‌های آمار توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) و آزمون‌های T، تحلیل واریانس یک‌سویه، و رگرسیون با سطح معناداری ۹۵ درصد برای این آزمون‌ها ( $P < ۰/۰۵$ ) به کار گرفته شد.

در این پژوهش، منظور از روابط پیش از ازدواج، گستره‌ئی از روابط میان دو جنس مخالف پیش از ازدواج است (نامحرم) که با انگیزه‌های گوناگونی هم‌چون هم‌دلی، دوستی، دل‌بستگی، کنش‌های جنسی، و مانند این‌ها پا می‌گیرد و در جامعه‌ی دوستی و معاشرت، هم‌چون قرارهای عاشقانه، دوستی برای ازدواج، دوستی‌های خیابانی، هم‌خانه‌گی و مانند این‌ها دنبال می‌شود.

متغیر وابسته‌ی این پژوهش **نگرش به روابط پیش از ازدواج** است. یاسپرس<sup>۳</sup> (۱۹۸۷) نگرش را آماده‌گی برای کنش یعنی آماده‌گی برای نوع ویژه‌ای از فعالیت تعریف کرده است. آلپورت<sup>۴</sup> نگرش را «یک حالت ذهنی و عصبی آماده‌گی می‌داند که از طریق تجربه سازمان یافته‌است و یک نفوذ مستقیم یا دینامیک را بر روی پاسخ‌های افراد به همه‌ی اشیا و موقعیت‌هایی که به آن‌ها مرتبط است اعمال می‌کند» (برگرفته از اینس‌کو<sup>۵</sup>، ۱۹۶۷: ۲؛ احمدی، ۱۳۸۲: ۷۱). نگرش از آن رو مهم شمرده می‌شود که پیش‌درآمد رفتار و رفتار پی‌آمد آن است (کیوی و کامپن‌هود<sup>۶</sup>، ۱۳۸۲: ۹۱).

در این پژوهش بر پایه‌ی دیدگاه‌های فریدمن<sup>۷</sup> و هم‌کاران‌اش (برگرفته از کریمی، ۱۳۷۸: ۲۶۳)، نگرش نظامی مانده‌گار شمرده می‌شود که دربرگیرنده‌ی سه عنصر شناختی<sup>۸</sup>، احساسی<sup>۹</sup>، و گرایش به کنش<sup>۱۰</sup> است و با ۳۲ گویه که هر سه سویه‌ی نگرش را پوشش می‌دهد در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ئی لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) سنجیده شده‌است.

1. Reliability

2. Cronbach's Coefficient Alpha

3. Jaspers, Karl Theodor

4. Allport, Gordon Willard

5. Insko, Chester A.

6. Quivy, Raymond, and Campenhoudt, Luc Van

7. Freedman, J. M. F.

8. Cognitive

9. Emotional

10. Tendency to Action

متغیرهای مستقل پژوهش چنین است:

**نگرش خانواده-** نشان‌دهنده‌ی سوگیری‌ها و دیدگاه‌های مثبت یا منفی افراد خانواده‌ی فرد به روابط پیش از ازدواج است. این متغیر با ۱۰ گویه در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ی لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) سنجیده شده است.

**نگرش دوستان-** نشان‌دهنده‌ی سوگیری‌ها و دیدگاه‌های مثبت یا منفی دوستان فرد به روابط پیش از ازدواج است. این متغیر با ۱۰ گویه در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ی لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) سنجیده شده است.

**میزان کاربرد رسانه‌ها-** نشان‌دهنده‌ی میزان به‌کارگیری رسانه‌های گروهی همچون رادیو، تله‌ویزیون، ماهواره، اینترنت، روزنامه، مجله، و کتاب است که در دامنه‌ی لیکرت (پنج‌گزینه‌ی از خیلی زیاد تا خیلی کم) سنجیده شده است.

**اولویت‌های ارزشی<sup>۱</sup> مادی/فرامادی-** برای سنجش این متغیر که پیش‌تر در بخش چارچوب نظری شناخته شد، مقیاس چهارارزشی *اینگل‌هارت* به کار رفت که در پیمایش ۱۹۷۰ آمده و در پیمایش‌های پس از آن در کنار مقیاس ۱۲ ارزشی کاربرد فراوانی داشته است.

**پای‌بندی به ارزش‌های دینی-** ارزش‌ها، به طور کلی، باورهای افراد یا گروه‌های انسانی است درباره‌ی آنچه که شایسته، درخور، خوب، یا بد است و به آن ارجح می‌نهند. یکی از این ارزش‌ها، ارزش‌های دینی است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۷۸۷). برای سنجش این متغیر، مقیاسی ۱۰ گویه‌ی از ارزش‌ها و هنجارهای دینی (اسلامی) درباره‌ی روابط زن و مرد آورده شد و از پاسخ‌گویان خواسته شد تا میزان پای‌بندی خود را به هر یک از این گویه‌ها در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ی (از خیلی زیاد تا خیلی کم) نشان دهند.

**باورهای دینی-** یکی از سویه‌های دین‌داری که از انتزاعی‌ترین سویه‌های آن نیز به شمار می‌رود، باورهای دینی است. برای سنجش این متغیر از پاسخ‌گویان خواسته شد تا میزان باور خود را به هر یک از گزینه‌های زیر در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ی (از خیلی زیاد تا خیلی کم) نشان دهند: خدا؛ روز قیامت؛ فرشته‌گان؛ شیطان؛ پیامبران؛ بهشت و جهنم؛ و روح.

### یافته‌های توصیفی

در این پژوهش ۳۶۰ نفر از دختران دانشجوی دانشگاه‌های شیراز (۲۵۳ نفر) و علوم پزشکی شیراز (۱۰۷) با میانگین سنی ۲۱/۹ سال و میانگین ۳/۰۹ سال حضور در



دانشگاه بررسی شدند. میانگین تحصیلات مادران آن‌ها ۱۰/۷ سال و پدران آن‌ها ۱۲/۶ سال بوده‌است.

**جدول ۱** توزیع فراوانی و درصد اولویت‌های ارزشی مادی/فرامادی دختران را نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود بر پایه‌ی اولویت‌های ارزشی، ۵۸/۴ درصد از پاسخ‌گویان مادی‌گرا، ۳۶/۸ درصد التقاطی (هم مادی‌گرا و هم فرامادی‌گرا)، و تنها ۴/۸ درصد (۱۷ نفر) فرامادی‌گرا بوده‌اند.

جدول ۱- اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان

درصد	فراوانی	اولویت‌های ارزشی
۵۸/۴٪	۲۱۰	مادی‌گرا
۳۶/۸٪	۱۳۳	التقاطی
۴/۸٪	۱۷	فرامادی‌گرا
۱۰۰/۰٪	۳۶۰	جمع

درصد پایین دختران فرامادی‌گرا در این پژوهش، با یافته‌های اینگلهارت در پیمایش‌های ارزش‌های جهانی هم‌سو است. در همه‌ی پیمایش‌هایی که وی انجام داده، درصد زنان فرامادی‌گرا از مردان کمتر بوده‌است. یافته‌های پیمایش ارزش‌های جهانی<sup>۱</sup> در ایران که نخستین بار در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ انجام شد نشان می‌دهد که ۱۱ درصد مردان و ۹ درصد زنان اولویت‌های ارزشی فرامادی‌گرا داشته‌اند؛ در حالی که ۲۵ درصد مردان و ۲۶ درصد زنان مادی بوده‌اند و دیگران التقاطی. هم‌چنین، در این پژوهش نیز هم‌چون پژوهش‌های دیگر درصد زنان فرامادی‌گرا بسیار کم بوده‌است (اینگلهارت، ۲۰۰۰؛ اینگلهارت و دیگران، ۲۰۰۴؛ خالقی‌فر، ۱۳۸۱). از آن‌جا که زنان و دختران در فرآیند جامعه‌پذیری و ساخت شخصیت‌شان (و حتا پس از آن و در درون جامعه) دسترسی کم‌تری به منابع مالی خانواده‌ها و جامعه دارند، امنیت مالی را به لحاظ ذهنی درونی نکرده‌اند. بنابراین، از امنیت مالی کم‌تری نسبت به مردان دارند. از سوی دیگر، شرایط جامعه‌پذیری متفاوت زنان و مردان در طول دوران پیدایش شخصیت‌شان، آن‌ها را محافظه‌کار و پای‌بندتر به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی بار می‌آورد. برآیند این عوامل، پیدایش گونه‌ئی شکاف جنسیتی در نگرش‌ها و باورهای زنان و مردان است که باعث می‌شود زنان بیش‌تر دارای اولویت‌های ارزشی مادی‌گرا شوند (اینگلهارت و نوریس، ۲۰۰۰). روی هم‌رفته، چنین می‌نماید که امنیت سازنده (امنیت جانی و مالی در سال‌های ساخت شخصیت) در زنان جامعه‌ی ما کم‌تر از

مردان است و از دیدگاه اقتصادی از لایه‌های ضعیف جامعه به شمار می‌روند و بیش‌تر اولویت‌های ارزشی مادی‌گرا را بازتاب می‌دهند.

**جدول ۲** میزان پای‌بندی پاسخ‌گویان را به دو متغیر باورها و ارزش‌های دینی نشان می‌دهد. در این پژوهش منظور از باورهای دینی، میزان باور پاسخ‌گویان به خدا، پیامبران، قیامت، بهشت و جهنم، فرشته‌گان، روح، و شیطان بوده‌است. هم‌چنان که دیده می‌شود، تنها ۲/۸ درصد از افراد باورهای دینی کم داشته‌اند؛ ۷/۸ درصد باورهای میانه و ۸۹/۴ درصد باورهای زیاد داشته‌اند. هم‌چنین، پای‌بندی پاسخ‌گویان به ارزش‌های دینی در ۳۰/۸ درصد کم، در ۵۰/۳ درصد میانه، و تنها در ۱۸/۹ درصد زیاد بوده‌است. بررسی دقیق‌تر یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی پراکنش فراوانی و درصد افراد در بخش ارزش‌های دینی به کلی متفاوت از باورهای دینی آنان است. مقایسه‌ی چه‌گونه‌گی پراکنش افراد نشان می‌دهد که نمره‌های افراد در باورهای دینی بسیار بالا است؛ به گونه‌ئی که ۸۹/۴ درصد آنان باورهای دینی زیادی داشته‌اند و تنها ۲/۸ درصد در باورهایشان کم بوده‌است. بنابراین می‌توان گفت دختران از دیدگاه باورهای دینی در سطحی بالا هستند؛ در حالی که میزان باور و پای‌بندی‌شان به ارزش‌های دینی (مربوط به روابط با جنس مخالف)، بسیار پائین‌تر از باورهای دینی است؛ به گونه‌ئی که پای‌بندی ۳۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان به ارزش‌های دینی کم بوده‌است و بیش‌تر آنان (۵۰/۳ درصد) پای‌بندی میانه‌ئی به ارزش‌های دینی داشته‌اند.

جدول ۲- میزان باورهای دینی پاسخ‌گویان و پای‌بندی آنان به ارزش‌های دینی

میزان پای‌بندی	پای‌بندی به ارزش‌های دینی		باورهای دینی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۱۱۱	۳۰/۸٪	۱۰	۲/۸٪
میانه	۱۸۱	۵۰/۳٪	۲۸	۷/۸٪
زیاد	۶۸	۱۸/۹٪	۳۲۲	۸۹/۴٪
جمع	۳۶۰	۱۰۰/۰٪	۳۶۰	۱۰۰/۰٪

این یافته‌ها نشان می‌دهد که دستورها و هنجارهای دینی در میان دانشجویان جایگاهی پذیرفته‌شده ندارد و این گونه ارزش‌ها در دانشگاه‌ها با چالش روبه‌رو است. معنای دیگری که در چه‌گونه‌گی پراکنش افراد بر پایه‌ی پای‌بندی‌شان به ارزش‌های دینی می‌توان یافت این است که بیش‌تر دختران، میان ارزش‌های سنتی و دینی (که داشتن چنین روابطی را نادرست می‌شمارد) و ارزش‌های مدرن (که افراد را به داشتن چنین معاشرت‌هایی برمی‌انگیزاند) سرگردان‌اند؛ با این همه، در زمینه‌ی روابط





بین‌شخصی، گونه‌ئی «گذار ارزشی» از سنتی و دینی به سوی مدرن و سکولار دیده‌می‌شود. پای‌بندی کم به ارزش‌های دینی در زمینه‌ی روابط دو جنس پیش از ازدواج، می‌تواند نماینده‌ی گونه‌ئی ریزش نمادهای گروهی و فرسایش حد و مرزهای اجتماعی، و روند کاهنده‌ی نمادهای اخلاق سنتی در جامعه‌ی ایران باشد که نشان‌دهنده‌ی نیاز به بازسازی گسترده‌ی نظام‌های نهادی باورساز حاکم در جامعه است. بر این اساس، چنین می‌نماید که گونه‌ئی فردگرایی و بازسازی نظام دستورها و ارزش‌های دینی در میان پاسخ‌گویان پدید آمده‌است که برداشت‌های فردی خود را از این دستورها دارند.

یکی از دلایل این‌نگل‌هارت برای افول جهان‌بینی‌های سنتی و دینی که در جامعه‌ی ما نیز پذیرفتنی می‌نماید، «هم‌سانی شناختی» است. در این دیدگاه، مردم در پی هم‌سانی درونی اند؛ از این رو، جهان‌بینی آن‌ها با تجربه‌ی روزمره‌شان هم‌سان می‌شود. آن‌چه افراد در تجربه‌ی روزانه‌ی خود با دیگران و در جهان اجتماعی می‌بینند با بسیاری از ذهنیت‌هایشان ناسازگار است، بنابراین برای چیره‌گی بر این دوگانه‌گی، ذهنیت‌ها (ارزش‌ها و هنجارهای سنتی)ی خود را دگرگون می‌سازند (هروو-لژ، ۲۰۰۱؛ اینگل‌هارت، ۱۳۸۳).

**جدول ۳** فراوانی و درصد نگرش خانواده و دوستان و نگرش کلی پاسخ‌گویان را به روابط پیش از ازدواج نشان می‌دهد. چنان که دیده‌می‌شود، از میان همه‌ی خانواده‌ها، ۴۰/۳ درصد نگرش منفی، ۴۳/۱ درصد نگرش میانه، و ۱۶/۷ درصد نگرش مثبت داشته‌اند. در میان دوستان پاسخ‌گویان نیز، ۲۸/۳ درصدشان دارای نگرش منفی، ۶۰/۸ درصد نگرش میانه، و ۱۰/۸ درصد نگرش مثبت داشته‌اند. هم‌چنین نگرش کلی پاسخ‌گویان در ۳۲/۵ درصد منفی، در ۵۵/۶ درصد میانه، و در ۱۱/۹ درصد مثبت بوده‌است.

جدول ۳- نگرش خانواده و دوستان و نگرش کلی پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج

سوگیری	نگرش خانواده		نگرش دوستان		نگرش کلی	
	فراوانی	درصد	درصد	فراوانی	درصد	درصد
منفی	۱۴۵	۱۰۲	۲۸/۳	۱۱۷	۳۲/۵	۳۲/۵
میانه	۱۵۵	۲۱۹	۶۰/۸	۲۰۰	۵۵/۶	۵۵/۶
مثبت	۶۰	۳۹	۱۰/۸	۴۳	۱۱/۹	۱۱/۹
جمع	۳۶۰	۳۶۰	۱۰۰/۰	۳۶۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

در این پژوهش نگرش را دارای سه سویه‌ی شناختی، احساسی، و گرایش به کنش دانسته‌ایم. در این باره، همه‌گی پژوهش‌گران بر آن اند که سویه‌های نگرش در یک ساختار کلی و هم‌آهنگ ساخته و به گونه‌ئی پایدار سازمان‌دهی می‌شود، به گونه‌ئی که داشتن احساس مثبت به یک چیز، با گرایش به کنش و شناخت مثبت آن همراه خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۲: ۷۳؛ مقدم، ۱۹۹۸: ۱۰۱). بعد شناختی نگرش، آن دسته از آگاهی‌ها و شناخت‌هایی از یک پدیده، شیء، یا فرد است که بنیان‌های حساس‌گری و خردورزی فرد را برای تفسیر و دریافت معنای آن پدیده در اختیار وی می‌گذارد.

**جدول ۴** فراوانی و درصد نگرش و سویه‌های سه‌گانه‌ی آن را در میان پاسخ‌گویان نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود در نگرش شناختی پاسخ‌گویان به چنین معاشرت‌هایی، در ۳۱/۱ درصد منفی، در ۴۸/۶ درصد میانه، و در ۲۰/۳ درصد مثبت بوده‌است.

سویه‌ی احساسی نگرش، نماینده‌ی احساسی است که افراد به چیزی یا کسی دارند و احساس خوش‌آیند، ناخوش‌آیند، مهرآمیز، یا کین‌آمیز را درباره‌ی یک شیء، فرد، یا گروه در فرد پدید می‌آورد. یعنی فرد بر پایه‌ی احساس و نه شناخت خردورزانه‌ی خویش به پدیده‌های پیرامون‌اش واکنش نشان می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۲: ۷۱-۷۲؛ کریمی، ۱۳۷۸: ۲۶۳). هم‌چنان که در **جدول ۴** دیده‌می‌شود، ۳۳/۶ درصد پاسخ‌گویان احساس منفی، ۵۶/۱ درصد احساس میانه، و ۱۰/۳ درصد احساس مثبت به روابط پیش از ازدواج داشته‌اند. احساس میانه را می‌توان این‌گونه انگاشت که احساس آن‌ها درباره‌ی چنین روابطی نه خوش‌آیند است و نه ناخوش‌آیند.

جدول ۴- نگرش پاسخ‌گویان و سویه‌های آن به روابط پیش از ازدواج

سوگیری	شناختی		احساسی		گرایش به کنش		کلی
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
منفی	۱۱۲	٪۳۱/۱	۱۲۱	٪۳۳/۶	۱۵۱	٪۴۱/۹	۱۱۷
میانه	۱۷۵	٪۴۸/۶	۲۰۲	٪۵۶/۱	۱۹۲	٪۵۳/۳	۲۰۰
مثبت	۷۳	٪۲۰/۳	۳۷	٪۱۰/۳	۱۷	٪۴/۷	۴۳
جمع	۳۶۰	٪۱۰۰/۰	۳۶۰	٪۱۰۰/۰	۳۶۰	٪۱۰۰/۰	۳۶۰

گرایش به کنش، یکی از سویه‌های بنیادی نگرش و رفتار یا کنش نزدیک‌تر است. گرایش به کنش می‌تواند بر پایه‌ی پیوندی عاطفی باشد، که چنین رفتار یا



کنشی دارای کم‌ترین پایه‌ی شناختی و هم‌چنین ناپایدارتر است. گرایش به کنش گاه ریشه در شناخت خردمندانه دارد که پایدارتر نیز خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۲: ۷۱-۷۲؛ کریمی، ۱۳۷۸: ۲۶۳). هم‌چنان که در **جدول ۴** دیده می‌شود، گرایش پاسخ‌گویان به کنش در ۴۱/۹ درصد منفی (یعنی کم‌تر از نیمی از دختران)، در ۵۳/۳ درصد میانه، و تنها در ۴/۷ درصد مثبت بوده‌است.

اگر چه در سطح نظری بر این نکته تأکید می‌شود که سویه‌های نگرش با یک‌دیگر هم‌آهنگ اند، به گونه‌ئی که شناخت و احساس مثبت باید گرایش به کنش مثبت را در پی داشته‌باشد؛ اما آن‌چه از شیوه‌ی پراکنده‌گی درصدهای سویه‌های نگرش دریافته می‌شود این است که شدت سویه‌ی گرایش به کنش به گونه‌ئی برجسته با دو سویه‌ی احساسی و به‌ویژه شناختی متفاوت است. به گونه‌ئی که نگرش یک‌چهارم دختران در سویه‌ی شناختی و کم‌تر از یک‌دوم آن‌ها در سویه‌ی احساسی به چنین روابطی مثبت بوده‌است، در حالی که در سویه‌ی گرایش به کنش، تنها ۴/۷ درصد دختران، گرایشی مثبت به داشتن چنین معاشرت‌هایی نشان داده‌اند. این پرسش پیش می‌آید که شکاف میان سویه‌های شناختی و احساسی با سویه‌ی گرایش به کنش را چه‌گونه می‌توان تبیین کرد؟ چنین می‌نماید که سویه‌های سه‌گانه‌ی نگرش نماینده‌ی دو سویه‌ی دیگر است: سویه‌ی شخصی و درونی، و سویه‌ی اجتماعی یا بیرونی. سویه‌های شناختی و احساسی نگرش برای دختران، سویه‌ئی شخصی و برآیند تجربه‌ها، دیدگاه‌ها، و حساب‌گری‌های درونی آن‌ها است. آن‌ها می‌توانند در درون خود شناخت و احساسی مثبت به چنین روابطی داشته‌باشند؛ اما هنگام به‌کارگیری و کنش اجتماعی بر پایه‌ی این احساس‌ها و شناخت‌ها، دیگر آن‌ها تنها نیستند و سویه‌ی اجتماعی نگرش خود را نمایان می‌کنند. زیرا جامعه، به سان بستر کنش‌های اجتماعی، افراد را بر پایه‌ی ارزش‌ها، سنت‌ها، و قواعد خود محدود می‌کند و این محدودیت‌های اجتماعی برای زنان و دختران جامعه افزون‌تر از مردان است. هم‌چنین، فراروی از هنجارها، سنجه‌های سخت، و پایش اجتماعی، می‌تواند پی‌آمدهای اجتماعی سنگینی برای دختران داشته‌باشد. از این رو، هر چند نگرش‌های دختران تا اندازه‌ئی هم‌سو با ارزش‌های مدرن (داشتن معاشرت) است، اما محیط اجتماعی در خود ارزش‌های سنتی (نادرستی معاشرت) را می‌پروراند، و این، دختران را میان سنت و مدرنیته سرگردان می‌سازد. باید یادآور شد است که با کاهش پایش اجتماعی، و

همراه با افزایش میزان گم‌نامی در کلان‌شهرها و محیط‌های دانشگاهی، احتمال یافتن چنین معاشرت‌هایی در حدی گسترده‌تر می‌تواند بیش‌تر باشد. روی‌هم‌رفته، بر پایه‌ی گفتارهای نظری، نگرش برآیندی است از این سه سویه که با هم در کنش اند و هیچ یک از آن‌ها به‌تنهایی کامل نیست؛ چرا که هر سویه نماینده‌ی بخشی از این واقعیت است که بدون در نظر گرفتن آن نمی‌توان داوری واقع‌بینانه‌ی داشت. بنابراین باید نگرش کلی (آمیزه‌ی سویه‌های سه‌گانه) سنجیده‌شود. در این‌جا نگرش کلی پاسخ‌گویان بررسی می‌شود و در بخش آینده نیز متغیر وابسته نگرش کلی خواهد بود که دربرگیرنده‌ی همه‌ی سویه‌های نگرش است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج، در ۳۲/۵ درصد منفی، در ۵۵/۶ درصد میانه، و در ۱۱/۹ درصد آنان مثبت بوده‌است. آن‌چه در بررسی این بخش برجسته می‌نماید این است که در کنار یک‌سوم (۳۲/۵ درصد) از افراد که نگرش‌شان به این معاشرت‌ها مثبت بود، نگرش و سوگیری بیش از نیمی از آنان (۵۵/۶ درصد) میانه (نه سنتی و نه مدرن) بوده‌است.

### یافته‌های استنباطی

#### بررسی هم‌بستگی عوامل اجتماعی-فرهنگی با نگرش دانش‌جویان

**جدول ۵** یافته‌های تحلیل واریانس نگرش به روابط پیش از ازدواج را با اولویت‌های ارزشی افراد نشان می‌دهد. این اولویت‌ها به سه گروه مادی‌گرا، التقاطی، و فرامادی‌گرا دسته‌بندی شده‌است که به‌ترتیب دارای میانگین‌های ۸۱/۴۶، ۹۱/۰۵، و ۱۰۶/۰۶ در نگرش به روابط بوده‌اند. مقدار ۱۳/۳۰۶ برای F و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تفاوت میانگین گروه‌ها را معنادار می‌داند. بنابراین، نخستین فرضیه‌ی پژوهش با سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $P = 0/000$ ) تأیید می‌شود. هم‌چنین، آزمون LSD، تفاوت میانگین همه‌ی گروه‌ها را معنادار نشان می‌دهد.

جدول ۵- تحلیل واریانس نگرش به روابط پیش از ازدواج با اولویت‌های ارزشی

اولویت‌های ارزشی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	معناداری Levene آزمون	$\eta^2$	F	سطح معناداری
مادی‌گرا	۲۱۰	۸۱/۴۶	۲۳/۵۴۳	۰/۹۵۶	۰/۰۷۰	۱۳/۳۰۶	۰/۰۰۰
التقاطی	۱۳۳	۹۱/۰۵	۲۲/۹۵۸				
فرامادی‌گرا	۱۷	۱۰۶/۰۶	۲۳/۱۱۸				



یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چه از دختران با اولویت‌های ارزشی مادی به سوی دختران با اولویت‌های ارزشی فرامادی می‌رویم، با افزایش میانگین نمره‌ها، گرایش افراد به داشتن چنین روابطی افزایش می‌یابد. بر پایه‌ی نگره‌ی اینگلهارت کسانی به این ارزش نو گرایش بیش‌تری نشان می‌دهند که فرامادی‌تر اند و مادی‌گرایان باید هم‌سو با ارزش‌های سنتی، در برابر آن سخت‌تر بایستند. یافته‌های این پژوهش نیز با نگره‌ی اینگلهارت و یافته‌های وی هم‌خوان است (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۲۱۸-۲۴۰).

یافته‌های رگرسیون برای بررسی هم‌بستگی باورهای دینی دختران با نگرش آن‌ها به روابط پیش از ازدواج در جدول ۶ آمده‌است. هم‌چنان که دیده‌می‌شود، این هم‌بستگی در حد میانه است ( $R = 0/461$ ) و متغیر مستقل ۲۱/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند ( $R^2 = 0/213$ ). این واریانس برای کل جامعه آماری نیز ۲۱ درصد است. ضریب  $\beta$  سوی منفی و معکوس رابطه‌ی دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب B به دست‌آمده نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (باورهای دینی) ۱/۷۴۸ واحد از متغیر وابسته (نگرش) کاسته‌می‌شود. مقدار  $-9/663$  برای T و سطح معناداری  $0/000$ ، این هم‌بستگی را معنادار نشان می‌دهد. بنابراین، دومین فرضیه‌ی پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود ( $P < 0/01$ ). هم‌چنین، مقدار  $92/581$  برای F و سطح معناداری  $0/000$  این فرضیه را تأیید می‌کند.

جدول ۶- آزمون هم‌بستگی باورهای دینی، پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش خانواده، نگرش دوستان، تحصیلات والدین، و مدت حضور در دانشگاه با نگرش پاسخ‌گو به روابط پیش از ازدواج

متغیر	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> افزوده	خطای استاندارد	B	$\beta$	T	F	معناداری
باورهای دینی	۰/۴۶۱	۰/۲۱۳	۰/۲۱۰	۰/۱۷۸	-۱/۷۴۸	-۰/۴۶۱	-۹/۸۳۲	۹۶/۶۶۳	۰/۰۰۰
ارزش‌های دینی	۰/۷۸۳	۰/۶۱۳	۰/۶۱۱	۰/۰۹۰	-۲/۱۳۹	-۰/۷۸۳	-۲۳/۷۹۰	۵۶۵/۹۴۲	۰/۰۰۰
نگرش خانواده	۰/۵۷۵	۰/۳۳۱	۰/۳۲۹	۰/۱۱۹	۱/۵۹۰	۰/۵۷۵	۱۳/۳۱۳	۱۷۷/۲۳۳	۰/۰۰۰
نگرش دوستان	۰/۶۳۲	۰/۴۰۰	۰/۳۹۸	۰/۱۴۵	۲/۲۴۴	۰/۶۳۲	۱۵/۴۴۰	۲۳۸/۴۰۳	۰/۰۰۰
تحصیلات مادر	۰/۲۵۵	۰/۰۶۵	۰/۰۶۲	۰/۲۹۶	۱/۴۳۵	۰/۲۵۵	۴/۸۴۹	۲۳/۵۱۰	۰/۰۰۰
تحصیلات پدر	۰/۲۰۸	۰/۰۴۳	۰/۰۴۰	۰/۲۵۳	۰/۹۹۱	۰/۲۰۸	۳/۹۲۰	۱۵/۳۷۰	۰/۰۰۰
مدت حضور در دانشگاه	۰/۰۴۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۷۸۰	-۰/۶۶۹	-۰/۰۴۵	-۰/۸۵۸	۰/۷۳۳	۰/۳۹۱

آزمون رگرسیون نیز نشان داد که پای‌بندی به ارزش‌های دینی هم‌بسته‌گی بسیار بالایی با نگرش افراد دارد ( $R = ۰/۷۸۳$ )، به گونه‌ئی که می‌توان گفت پای‌بندی به ارزش‌های دینی ۶۱/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش) را در نمونه تبیین می‌کند ( $R^2 = ۰/۶۱۳$ )، که این واریانس در کل جامعه‌ی آماری دانش‌جویان نیز ۶۱/۱ درصد است. منفی بودن مقدار  $\beta$  نیز نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ئی معکوس و منفی میان پای‌بندی به ارزش‌های دینی و نگرش به روابط است. ضریب  $B$  به‌دست‌آمده نیز نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (پای‌بندی به ارزش‌های دینی) ۲/۱۳۹ واحد از متغیر وابسته (نگرش) کاسته می‌شود. مقدار  $-۲۳/۷۹۰$  برای  $T$  و سطح معناداری  $۰/۰۰۰$ ، این هم‌بسته‌گی را معنادار نشان می‌دهد. بنابراین، سومین فرضیه‌ی پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود ( $P < ۰/۰۱$ ). هم‌چنین، مقدار بالای  $۷۵۳/۴۳۵$  برای  $F$  و سطح معناداری  $۰/۰۰۰$  این فرضیه را تأیید می‌کند.

یافته‌های پژوهش درباره‌ی هم‌بسته‌گی دو متغیر باورها و پای‌بندی به ارزش‌های دینی با نگرش دانش‌جویان به روابط پیش از ازدواج، تأییدکننده‌ی نگره‌ی /اینگله‌هارت درباره‌ی ارزش‌ها است. زیرا نگرش مثبت به روابط پیش از ازدواج، ارزشی سکولار-خردورزانه و در برابر ارزش‌های دینی-سنتی انگاشته می‌شود. پیوند دوسویه‌ی این دو ارزش در بررسی ما، با سوی معکوس رابطه‌ی ارزش‌های دینی با نگرش به روابط دریافته می‌شود. از این گذشته، متغیر باورهای دینی اگر چه هم‌بسته‌گی میانه‌ئی در سوی منفی و معکوس با نگرش دارد، ولی در مقایسه با متغیر پای‌بندی به ارزش‌های دینی از توان تبیین‌گری بسیار کم‌تری برخوردار است. به گونه‌ئی که متغیر پای‌بندی به ارزش‌های دینی ۶۱ درصد از متغیر وابسته (نگرش) را تبیین می‌کند و بسیار تأثیرگذارتر از باورهای مذهبی است. /اینگله‌هارت نیز چنین دریافته‌است که سنت‌های دینی تأثیری مانده‌گار و ژرف در نظام ارزشی جوامع دارد؛ چیزی که وبر<sup>۱</sup> و هانتینگتون<sup>۲</sup> نیز به آن اشاره کرده‌اند (اینگله‌هارت و بیکر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱).

بررسی‌های انجام‌شده در این زمینه، تأثیر منفی دین‌داری و پای‌بندی به ارزش‌های دینی را در نگرش به چنین روابطی نشان می‌دهد. درباره‌ی چه‌گونه‌گی تأثیرگذاری دین‌داری و ارزش‌های دینی بر نوع و شیوه‌ی ارتباط با جنس مخالف، برخی از پژوهش‌گران دین‌داری را هم‌چون سازوکاری برای کنترل اجتماعی دانسته‌اند و دیگران نیز آن را وضعیتی درونی شمرده‌اند. هم‌چنین، هر چه دین‌داری افراد

1. Weber, Max

2. Huntington, Samuel Phillips

3. Inglehart, Ronald, and Baker, Wayne E.



بیش‌تر باشد، احتمال این که روابط جنسی را با جنس مخالف دیرتر آغاز کند افزایش می‌یابد و درگیر شدن افراد در آمیزش جنسی را تا نصف کاهش می‌دهد. دخترانی که گزارش کرده‌اند درگیر روابط جنسی نشده‌اند دلیل آن را ارزش‌های اخلاقی-مذهبی و انگیزه‌ی برای پرهیزگاری دانسته‌اند (روستوسکی و دیگران، ۲۰۰۴؛ مور، دریس‌کول، و لیندبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸، هوود و دیگران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶).

یافته‌های آمده در **جدول ۶** هم‌چنین نشان می‌دهد که نگرش خانواده هم‌بسته‌گی بالایی با نگرش پاسخ‌گو دارد ( $R = ۰/۵۷۵$ ) و متغیر نگرش خانواده  $۳۳/۱$  درصد از متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند و تنها با کمی کاهش، می‌توان آن را با  $۳۲/۹$  درصد به کل جامعه‌ی آماری گسترش داد. مثبت بودن ضریب  $\beta$  نشان‌دهنده‌ی هم‌بسته‌گی مستقیم دو متغیر است و ضریب  $B$  نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (نگرش خانواده)،  $۱/۵۹۰$  واحد به متغیر وابسته (نگرش) افزوده می‌شود. مقدار  $T$  برای  $۱۳/۳۱۳$  و  $F$  برای  $۱۷۷/۲۳۳$  و سطح معناداری  $۰/۰۰۰$  نشان می‌دهد که هم‌بسته‌گی نگرش خانواده با نگرش دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج، با اطمینان  $۹۹$  درصد معنادار است ( $P < ۰/۰۱$ ). بنابراین فرضیه‌ی چهارم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

هم‌چنین، یافته‌ها هم‌بسته‌گی بالای نگرش دوستان را با نگرش به روابط پیش از ازدواج نشان می‌دهد ( $R = ۰/۶۳۲$ ) و این متغیر  $۴۰/۰$  درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند، و تنها با  $۰/۲$  درصد کاهش، می‌توان آن را با  $۳۹/۸$  درصد به کل جامعه‌ی آماری دانش‌جویان گسترش داد. مثبت بودن ضریب  $\beta$  نشان‌دهنده‌ی هم‌بسته‌گی مستقیم دو متغیر است و ضریب  $B$  نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (نگرش دوستان)،  $۲/۲۴۴$  واحد به متغیر وابسته (نگرش) افزوده می‌شود. مقدار  $T$  برای  $۱۵/۴۴۰$  و  $F$  برای  $۲۳۸/۴۰۳$  و سطح معناداری  $۰/۰۰۰$  نشان می‌دهد که هم‌بسته‌گی نگرش دوستان با نگرش دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج، با اطمینان  $۹۹$  درصد معنادار است ( $P < ۰/۰۱$ ). بنابراین فرضیه‌ی پنجم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر نگرش دوستان از نگرش خانواده بیش‌تر است. زیرا همراه با افزایش سن افراد، نقش گروه همالان و دوستان در جامعه‌پذیری و ساخت ارزش‌ها و نگرش‌های دختران افزایش می‌یابد و از نقش خانواده نیز بیش‌تر

1. Moore, Kristin Anderson, Driscoll, Anne K., and Lindberg, Laura Duberstein  
2. Hood, Ralph W., Spilka, Bernard, Hunsberger, Bruce, and Gorsuch, Richard L.

می‌شود. چرا که دختران دانش‌جو تا اندازه‌ئی از خانواده مستقل اند و زمان بیشتری با دوستان خود سپری می‌کنند. به‌ویژه، دخترانی که دور از خانواده و در شهری دیگر تحصیل می‌کنند از آن‌جا که دور از نظام ارزشی خانواده زنده‌گی می‌کنند و زمان بیشتری را با دوستان خود می‌گذرانند، از دوستان خود تأثیر بیشتری می‌پذیرند.

آزمون هم‌بسته‌گی هم‌چنین نشان داد که تحصیلات مادر هم‌بسته‌گی میانه‌ئی با نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج دارد ( $R = 0.255$ ) و این متغیر  $0.6/5$  درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند. مثبت بودن ضریب  $\beta$  نشان‌دهنده‌ی هم‌بسته‌گی مستقیم دو متغیر است و ضریب  $B$  نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (تحصیلات مادر)،  $1/435$  واحد به متغیر وابسته (نگرش) افزوده می‌شود. مقدار  $4/849$  برای  $T$  و  $23/510$  برای  $F$ ، و سطح معناداری  $0/000$  نشان می‌دهد که هم‌بسته‌گی تحصیلات مادر با نگرش دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج، با اطمینان  $99$  درصد معنادار است ( $P < 0/01$ ). بنابراین فرضیه‌ی ششم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

هم‌چنین بر اساس یافته‌ها، هم‌بسته‌گی تحصیلات پدر با نگرش فرد مثبت و مستقیم است ( $R = 0.208$ ) و این متغیر  $4/3$  درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش فرد) را در نمونه تبیین می‌کند. مثبت بودن ضریب  $\beta$  نشان‌دهنده‌ی هم‌بسته‌گی مستقیم دو متغیر است و ضریب  $B$  نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (تحصیلات پدر)،  $0/991$  واحد به متغیر وابسته (نگرش) افزوده می‌شود. مقدار  $3/920$  برای  $T$  و  $15/370$  برای  $F$ ، و سطح معناداری  $0/000$  نشان می‌دهد که هم‌بسته‌گی تحصیلات پدر با نگرش دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج، با اطمینان  $99$  درصد معنادار است ( $P < 0/01$ ). بنابراین فرضیه‌ی هفتم پژوهش نیز تأیید می‌شود. نگاهی گذرا به یافته‌های دو متغیر پیشین نشان می‌دهد که تحصیلات مادر تأثیر بیشتری بر نگرش دختران دارد و این یافته نشان از نقش بسیار کلیدی مادران در جامعه‌پذیری دختران دارد.

مدت حضور در دانشگاه متغیر دیگری بود که هم‌بسته‌گی آن با نگرش دختران با آزمون رگرسیون بررسی و این هم‌بسته‌گی معنادار دیده‌نشد.





### بررسی هم‌بستگی ابزارهای رسانه‌ئی و رسانه‌های گروهی با نگرش دانش‌جویان

امروزه به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ئی بخشی از تجربه‌ی روزانه‌ی افراد شده‌است و کم‌تر کسی را می‌توان یافت که هیچ‌گونه ابزار رسانه‌ئی را به کار نگیرد. تأثیر رسانه‌های گروهی بر فرآیند جامعه‌پذیری و ساخت نگرش‌ها، باورها، و ارزش‌های مردم بر کسی پوشیده نیست. زیرا افراد از راه این رسانه‌ها به اطلاعاتی دست می‌یابند که به روش دیگری دست‌یابی به آن شدنی نیست. روزنامه‌ها، کتاب‌ها، رادیو، تله‌ویزیون، فیلم‌ها، آهنگ‌ها و ترانه‌ها، و مجله‌های عمومی، افراد را به آگاهی‌ها و نگرش‌هایی پیوند می‌دهند که نمی‌توان به‌گونه‌ئی دیگر به آن‌ها دسترسی داشت (گیدنز، ۱۰۶:۱۳۸۱).

در این پژوهش هم‌بستگی هر یک از ابزارهای رسانه‌ئی و رسانه‌های گروهی با نگرش دختران دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج بررسی شده‌است که یافته‌های آن در جدول ۷ دیده می‌شود. این رسانه‌ها را با توجه به معنادار بودن یا نبودن و سوی هم‌بستگی آن‌ها با نگرش پاسخ‌گویان، می‌توان به سه گروه دسته‌بندی کرد. نخستین گروه، رسانه‌هایی است که هم‌بستگی معناداری با نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج نداشته‌اند که روزنامه‌ها و مجله‌ها را در بر می‌گیرد. گروه دوم، رسانه‌هایی است که هم‌بستگی معنادار و معکوس داشته‌اند و تله‌ویزیون و رادیوهای ایرانی را در خود جای می‌دهد. دسته‌ی سوم، رسانه‌هایی هستند که هم‌بستگی‌شان با نگرش دختران معنادار و مستقیم بوده‌است که ماهواره، رادیوهای خارجی، اینترنت، داستان و رمان، و فیلم (VCD و DVD) را در بر می‌گیرد.

جدول ۷- آزمون هم‌بستگی به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ئی و رسانه‌های گروهی با نگرش پاسخ‌گو به روابط پیش از ازدواج

رسانه	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> افزوده	خطای استاندارد	B	$\beta$	T	F	معناداری
تله‌ویزیون	۰/۱۲۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۴	۰/۹۷۵	-۲/۳۸۱	-۰/۱۲۸	-۲/۴۴۳	۰/۹۶۷	۰/۰۱۵
ماهواره	۰/۴۱۰	۰/۱۶۸	۰/۱۶۵	۰/۶۶۵	۵/۶۴۸	-۰/۴۱۰	۸/۴۹۴	۷۲/۱۵۷	۰/۰۰۰
رادیوی ایرانی	۰/۲۷۰	۰/۰۷۳	۰/۰۷۱	۰/۹۸۹	-۵/۲۳۹	-۰/۲۷۰	-۵/۳۱۵	۲۸/۲۵۱	۰/۰۰۰
رادیوی خارجی	۰/۱۹۷	۰/۰۳۹	۰/۰۲۶	۰/۹۰۹	۳/۴۵۵	۰/۱۹۷	۳/۸۰۳	۱۴/۴۶۲	۰/۰۰۰
اینترنت	۰/۲۵۴	۰/۰۶۵	۰/۰۶۲	۰/۸۶۲	۴/۲۸۸	۰/۲۵۴	۴/۹۷۵	۲۴/۷۵۳	۰/۰۰۰
روزنامه‌ها	۰/۰۴۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۱	۱/۰۹۱	۰/۸۴۳	-۰/۰۴۱	۰/۷۷۲	۰/۵۹۶	۰/۴۴۰
مجله‌ها	۰/۰۳۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۱/۰۶۸	۰/۶۰۸	۰/۰۳۰	۰/۵۹۶	۰/۳۲۴	۰/۵۷۰
داستان و رمان	۰/۱۵۱	۰/۰۲۳	۰/۰۲۰	۰/۸۶۵	۲/۵۰۸	۰/۱۵۱	۲/۸۹۸	۸/۴۰۰	۰/۰۰۴
فیلم (VCD/DVD)	۰/۲۴۴	۰/۰۵۹	۰/۰۵۷	۱/۰۳۴	۴/۹۱۵	-۰/۲۴۴	۴/۷۵۳	۲۲/۵۹۴	۰/۰۰۰

هم‌بسته‌گی معکوس به‌کارگیری رسانه‌هایی هم‌چون تله‌ویزیون (صدا و سیما) با نگرش دختران، برآمده از محتوای پیام‌هایی است که این رسانه به مخاطبان می‌رساند. چنین می‌نماید که رسانه‌های دولتی ایران بیش‌تر محتوایی ارزشی و دینی دارند و هنجارها و ارزش‌هایی را گسترش می‌دهند که در برابر ارزش‌هایی اند که داشتن چنین روابطی را گسترش می‌دهند. بنابراین، کسانی که بیش‌تر مخاطب این پیام‌ها هستند، نگرش منفی‌تری به این گونه روابط می‌یابند. به گونه‌ئی که بر پایه‌ی مقدار B به‌دست‌آمده، به ازای هر واحد افزایش در کاربرد رادیو و تله‌ویزیون ایران، به‌ترتیب ۵/۲۳۹ واحد و ۲/۳۸۱ واحد از نمره‌ی نگرش آن‌ها کاسته می‌شود.

اما دسته‌ئی دیگر از رسانه‌ها (دسته‌ی سوم) محتوایی کاملاً متفاوت از رسانه‌های ایرانی دارند؛ رسانه‌هایی هم‌چون ماهواره، اینترنت، رادیوهای خارجی، و بیش‌تر رمان‌ها و داستان‌ها، و فیلم‌هایی که با ساختار VCD یا DVD در بازار یافته‌می‌شود و بیش‌ترشان از رسانه‌ی ملی پخش نمی‌شود. بر اساس بنیان‌های نظری پژوهش، نگرش مثبت به روابط پیش از ازدواج ارزشی مدرن و غربی دانسته‌شد که این فرضیه با هم‌بسته‌گی منفی پای‌بندی به ارزش‌های دینی با نگرش تأیید شد. در این بخش هم، هم‌بسته‌گی مثبت کاربرد رسانه‌هایی چون ماهواره و اینترنت (که بیش‌تر محتوای ارزشی جوامع مدرن را در خود دارند و به گونه‌ئی فراگیر این ارزش‌ها را تبلیغ می‌کنند) با نگرش مثبت دانش‌جویان، با فرضیه‌ی یادشده هم‌خوانی دارد. از میان همه‌ی رسانه‌ها، ماهواره بالاترین میزان هم‌بسته‌گی را با نگرش دختران داشته‌است ( $R = 0/410$ )؛ به گونه‌ئی که هر واحد افزایش در میزان به‌کارگیری ماهواره ۵/۶۴۸ واحد به نمره‌ی نگرش پاسخ‌گو افزوده‌است. پس از آن، تأثیرگذاری رسانه‌های اینترنت، فیلم، رادیوی خارجی، و در پایان داستان و رمان بیش‌تر بوده‌است. از میان رسانه‌هایی که درباره‌ی آن‌ها پرسش شد، فیلم و اینترنت در میان پاسخ‌گویان بیش‌ترین کاربری را داشته‌است. چنین می‌نماید که این گونه رسانه‌ها، با توجه به محتوایشان که تا اندازه‌ئی از عرف و ارزش‌های سنتی جامعه ایران دور است و بیش‌تر فرهنگ غربی را گسترش می‌دهد، نقشی بسیار مهم در سست کردن ارزش‌های سنتی و دگرگونی ارزش‌های افراد جامعه داشته‌باشد. با توجه به همه‌ی آن‌چه گفته‌شد به نظر می‌رسد که دانش‌جویان بیش‌تر در معرض دگرگونی نگرش‌ها و ارزش‌ها باشند؛ چرا که زیر تأثیر رسانه‌های جهانی، به‌ویژه آن‌هایی هستند که بیش‌تر فرهنگ جهانی و غربی را گسترش می‌دهند.



برای دریافت این که آیا میانگین نمره‌های دختران دو دانشگاه در نگرش به روابط تفاوتی معنادار با هم دارد یا نه، آزمون T مستقل<sup>۱</sup> به کار گرفته شد. هم‌چنان که در جدول ۸ دیده می‌شود، مقدار ۲/۳۵۶ که برای T به دست آمده، با سطح معناداری  $P < ۰/۰۱۹$  نشان می‌دهد که در نگرش به روابط پیش از ازدواج، میانگین نمره‌های دختران در دانشگاه شیراز (۸۸/۲۵) با میانگین نمره‌های دختران در دانشگاه علوم پزشکی (۸۱/۷۷) تفاوتی معنادار با هم دارد. بنابراین فرضیه‌ی دهم پژوهش تأیید می‌شود. برای برآورد اندازه‌ی تأثیر<sup>۲</sup> متغیر دانشگاه محل تحصیل، روش مجذور اتا به کار رفت و مقدار آن که برای این دو گروه ۰/۰۰۲ به دست آمد نشان می‌دهد که تأثیر متغیر دانشگاه محل تحصیل بر نگرش ضعیف است. به سخن دیگر، دانشگاه محل تحصیل تنها ۰/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۸- آزمون تفاوت میانگین نگرش به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه محل تحصیل

اولویت‌های ارزشی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	معناداری آزمون Levene	$\eta^2$	T	سطح معناداری
شیراز	۲۵۳	۸۸/۲۵	۲۴/۰۹۹	۰/۴۴۶	۰/۰۰۲	۲/۳۵۶	۰/۰۱۹
علوم پزشکی	۱۰۷	۸۱/۷۷	۲۳/۳۴۰				

### تحلیل چند متغیره

برای تحلیل چندمتغیره، روش رگرسیون چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام به کار رفت. از میان متغیرهایی که وارد معادله شدند، سه متغیر در این معادله باقی ماندند که به ترتیب چنین است: ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، و نگرش خانواده. در رگرسیون چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام متغیرها تا جایی وارد معادله می‌شود که دیگر کمکی به پیش‌بینی نکند (آلیستر، هال، و کازوب<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۱۸۶). هم‌چنان که در جدول ۹ دیده می‌شود این متغیرها در پایان توانسته‌اند ۶۸/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین کنند که مقدار بسیار بالایی است و نشان‌دهنده‌ی برآزش خوب مدل و متغیرهای انتخاب شده است. مقدارهای  $R^2$  افزوده شده در هر گام نشان می‌دهد که با ورود هر یک از متغیرها در هر یک از گام‌های سه‌گانه‌ی این معادله، چه اندازه به  $R^2$  افزوده شده است.

1. Independent-Sample T Test

2. Effect Size

3. Kerr, Alistair W., Hall, Howard K., and Kozub, Stephen A.

جدول ۹- تحلیل چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته

گام	متغیر وارد شده	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> افزوده شده	خطای استاندارد
اول	ارزش‌های دینی	۰/۷۷۸	۰/۶۰۵	—	۱۵/۰۹۰
دوم	نگرش دوستان	۰/۸۱۶	۰/۶۶۵	۰/۰۶۱	۱۳/۹۰۵
سوم	نگرش خانواده	۰/۸۲۶	۰/۶۸۲	۰/۰۱۷	۱۳/۵۷۰

مقدارهای به‌دست‌آمده برای  $\beta$  که در جدول ۱۰ آمده‌است نشان می‌دهد که متغیر وارد شده در گام نخست (ارزش‌های دینی) با متغیر وابسته هم‌بسته‌گی معکوس و منفی داشته‌است و هم‌بسته‌گی متغیرهای گام دوم و سوم (نگرش دوستان و نگرش خانواده) با متغیر وابسته مستقیم و مثبت بوده‌است. مقدارهای به‌دست‌آمده برای T و F نیز نشان می‌دهد که هم‌بسته‌گی متغیرها با اطمینان ۹۹ درصد معنادار است ( $P < ۰/۰۱$ ).

جدول ۱۰- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته

متغیر	نام متغیر	B	$\beta$	T	سطح معناداری
$x_1$	ارزش‌های دینی	-۱/۵۱۵	-۰/۵۴۸	-۱۳/۶۹۶	۰/۰۰۰
$x_2$	نگرش دوستان	۰/۹۱۴	۰/۲۶۰	۶/۸۳۴	۰/۰۰۰
$x_3$	نگرش خانواده	۰/۴۳۴	-۰/۱۵۸	۴/۲۲۲	۰/۰۰۰

$$\alpha = ۱۰۴/۱۶۵ \quad | \quad R = ۰/۸۲۶ \quad | \quad R^2 = ۰/۶۸۲ \quad | \quad R^2 \text{ Add.} = ۰/۶۷۹ \quad | \quad F = ۵۱۵/۲۴ \quad | \quad \text{Sig.} = ۰/۰۰۰$$

بدین سان، معادله‌ی رگرسیون چندمتغیره برای متغیرهای یادشده چنین خواهدبود:

$$y = ۴۸۱/۹۱ + (-۱/۵۱۵)x_1 + (۰/۹۱۴)x_2 + (۰/۴۳۴)x_3$$

اگر این سه متغیر را سه زمینه و عامل فرهنگی در فرآیند جامعه‌پذیری افراد بشماریم، می‌توان گفت که نهادهای دینی تأثیرگذارترین عامل فرهنگی در جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به روابط میان دو جنس پیش از ازدواج است؛ چرا که این متغیر در میان همه‌ی متغیرها بالاترین میزان هم‌بسته‌گی را با متغیر وابسته دارد و به‌تنهایی توانسته‌است ۶۰/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. ارزش‌های دینی نظامی از معانی گروهی پذیرفته‌شده در یک جامعه است که در فرآیند جامعه‌پذیری درونی می‌شود. تأثیر این نظام معانی به اندازه‌ئی



است که حتا در تنهاترین محیط‌ها، جایی که هیچ نظارت فردی و اجتماعی هم نباشد، با فرد همراه است و به‌خوبی کار می‌کند. پس از ارزش‌های دینی، تأثیر نگرش دوستان از متغیرهای دیگر بیش‌تر است که این نشان‌دهنده‌ی اهمیت گروه دوستان و همالان در این سنین برای دختران است؛ به گونه‌ئی که تأثیر آن حتا از نگرش خانواده، که یکی دیگر از زمینه‌های جامعه‌پذیری است، فراتر می‌رود.

### نتیجه‌گیری

دگرگونی‌های نگرشی و ارزشی درباره‌ی روابط پیش از ازدواج، یکی از نشانه‌گان و سازه‌های دگرگونی‌های گسترده‌ی فرهنگی در جامعه‌ی در حال گذار ما است. با توجه به دیدگاه‌های اینگله‌هارت چنین می‌نماید که عنصر بنیادی در همه‌ی این دگرگونی‌ها، افزایش امکان‌پذیری انسانی و نوع جامعه‌پذیری افراد در مراحل مختلف زنده‌گی باشد. یکی از زمینه‌هایی که در سال‌های گذشته دگرگونی‌های گسترده‌ئی به خود دیده‌است، روابط بین‌شخصی دو جنس در زمینه‌ی همسرگزینی و معاشرت دو جنس پیش از ازدواج است. در سال‌های گذشته این پدیده به گونه‌ئی نوپا و از درون روابط بین‌شخصی جوانان جامعه سر برآورده‌است. به گونه‌ئی که پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، نشان‌دهنده‌ی خواست و گرایش جوانان جامعه به داشتن چنین روابطی است. به نظر می‌رسد که زنان و دختران همراه با دگرگونی‌های ساختاری در وضع آموزش و کارشان، و با افزایش توانایی‌هایشان در گستره‌های خانواده‌گی و اجتماعی، هم‌چنین رشد اندیشه‌های فمینیستی، در پی دگرگون‌سازی نقش‌ها و هویت‌های سنتی خود برآمده‌اند. آن‌ها خواستار حقوق برابر در همه‌ی گستره‌های زنده‌گی و جهان اجتماعی شده‌اند و با پافشاری بر گزینش فردی در آزادی عمل بیش‌تری را برای گزینش همسر و شیوه‌های همسرگزینی خود جست‌وجو می‌کنند. از این رو، این پژوهش با دو هدف بررسی چه‌گونه‌گی نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج و یافتن رابطه‌ی عوامل فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش آنان انجام شده‌است.

بررسی موشکافانه‌ی سویه‌های شناختی، احساسی، و گرایش به کنش، در نگرش دختران دانش‌جو نشان می‌دهد که سوگیری آنان به روابط پیش از ازدواج در سویه‌ی شناختی از دو سویه‌ی احساسی و گرایش به کنش مثبت‌تر بوده‌است. هم‌چنین، نگرش کلی پاسخ‌گویان نشان داده‌است که بیش از نیمی از دختران دانش‌جو دارای

نگرش و سوگیری میانه به این گونه معاشرت‌ها بوده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد که بیش‌تر دختران میان ارزش‌های مدرن که برانگیزاننده‌ی این گونه معاشرت‌ها است و ارزش‌های سنتی مخالف این گونه معاشرت‌ها، سرگردان‌اند. اگر چه دگرگونی‌ها به سوی مثبت شدن نگرش به ارزش‌های مدرن پیش می‌رود؛ اما دختران هم‌چنان میان سنت و مدرنیته سرگردان‌اند.

بیش‌تر افراد نمونه (۸۹/۴ درصد) باورهای دینی بالایی داشته‌اند؛ در حالی که تنها اندکی از آنان پای‌بندی‌شان به ارزش‌های دینی (مربوط به معاشرت پیش از ازدواج) بالا بوده‌است. سرگردانی میان ارزش‌های سنتی دینی و ارزش‌های مدرن-سکولار در این یافته نیز نمایان است و نشان‌دهنده‌ی فروکاهش نشانه‌گان اخلاقی سنتی، فروپاشی نمادهای گروهی، و فرسایش حد و مرزهای اجتماعی در جامعه‌ی ما است. از دیدگاه اولویت‌های ارزشی، ۵۸/۴ درصد از دختران مادی‌گرا، ۳۶/۸ درصد التقاطی، و تنها ۴/۷ درصد فرامادی‌گرا بودند. درصد پایین دختران فرامادی‌گرا برآمده از فرآیند جامعه‌پذیری آنان در دوران ساخت شخصیت‌شان و دسترسی کمتر آنان به منابع مالی و اقتصادی در خانواده و جامعه است؛ به گونه‌ئی که آنان امنیت‌سازنده را در خود درونی نکرده‌اند.

یافته‌ها هم‌چنین نشان داد که هم‌بستگی اولویت‌های ارزشی، باورهای دینی، پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، نگرش خانواده، تحصیلات پدر و مادر، و دانشگاه محل تحصیل، با نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج معنادار بوده‌است. این در حالی است که برخلاف پژوهش *ساروخانی و رفعت‌جاء* (۱۳۸۳) که در آن تحصیلات بیش‌ترین تأثیر را بر بازتعریف هویتی زنان داشت، در این پژوهش هم‌بستگی مدت تحصیل در دانشگاه و هم‌چنین به‌کارگیری برخی ابزارهای رسانه‌ئی هم‌چون روزنامه‌ها و مجله‌ها با نگرش آنان معنادار نبود. از میان ابزارهای رسانه‌ئی و رسانه‌های گروهی، هم‌بستگی میزان کاربرد تله‌ویزیون و رادیوهای ایرانی با نگرش معنادار و معکوس بود و در برابر، هم‌بستگی میزان به‌کارگیری رسانه‌هایی هم‌چون ماهواره، اینترنت، رادیوهای خارجی، فیلم، و رمان‌ها و داستان‌ها معنادار و مستقیم بود. هم‌چنین، تحلیل چندمتغیره نشان داد که متغیرهای پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، و نگرش خانواده وارد معادله شدند و توانستند بر روی هم ۶۰/۵ درصد از متغیر وابسته را تبیین کنند که از این میان پای‌بندی به ارزش‌های دینی از همه مؤثرتر بوده‌است.



از یافته‌های این پژوهش می‌توان دریافت که فرآیند جامعه‌پذیری، گذشته از تأثیرگذاری متفاوت عوامل فرهنگی مؤثر در آن، نقشی به‌سزا در ساخت، بالنده‌گی، و حتی دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌های دختران دارد. یافته‌های این پژوهش که نشان داد زمینه‌ها یا عوامل فرهنگی که در فرآیند جامعه‌پذیری دست دارند برای دختران و پسران یک‌سان عمل نمی‌کنند با یافته‌های مطالعه *طالبانی و حسن‌علی (۲۰۰۰)* هم‌سو است. این یافته‌ها همراه با یافته‌های *وود و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)* نشان داد که منابع جامعه‌پذیری همراه با افزایش سن تغییر می‌کند؛ به گونه‌ئی که از تأثیر خانواده کاسته شده و نقش گروه همالان و رسانه‌ها افزایش می‌یابد. در این دوره‌ی سنی و این شرایط تحصیلی (در دانشگاهی دور از خانه)، نقش خانواده‌ها بسیار کم‌رنگ می‌شود و دوستان و گروه همالان فرد تأثیرگذارتر خواهند بود. هم‌چنین نهاد دین به سان یکی دیگر از زمینه‌های فرهنگی، با درونی کردن ارزش‌های اجتماعی، نقشی بنیادی در سوگیری‌های ارزشی دختران دارد و این نظام معانی و ارزشی درونی‌شده در دوره‌ئی که خانواده نقشی ضعیف دارد تأثیری به‌سزایی خواهد داشت. تأثیر رسانه‌های ملی و جهانی بر سوگیری و نگرش دختران ایرانی به روابط پیش از ازدواج یک‌سان نیست. رسانه‌های گروهی درونی بر هنجارها و ارزش‌های دینی تأکید می‌کنند و به گسترش آن‌ها می‌پردازند، اما رسانه‌های گروهی جهانی هم‌چون اینترنت، ماهواره، و فیلم‌های غربی، ارزش‌های مدرن و سکولار را گسترش می‌دهند که برانگیزاننده به داشتن چنین معاشرت‌هایی است. از آن‌جا که دختران دانش‌جو بیشتر رسانه‌هایی چون اینترنت و فیلم را به کار می‌گیرند، ناگزیر ارزش‌هایشان نیز به سوی ارزش‌های مدرن خواهد رفت. روی‌هم‌رفته، همه‌ی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دختران جوان در جامعه‌ی ایران دوچار سردرگمی میان ارزش‌های مدرن و سنتی هستند.

از آن‌جا که که روند بازآفرینی ارزش‌های نو در این گستره از روابط با هنجارشکنی و نادیده گرفتن هنجارها و ارزش‌های سنتی از سوی جوانان همراه است، به نظر می‌رسد که در آینده‌ئی نه چندان دور، ارزش‌های دینی و سنتی ویژه‌گی هنجارمندی خود را از دست خواهد داد؛ و از آن‌جا که هنجارشکنان خود در آفرینش هنجارهای نو و هم‌آهنگ با یک‌پارچه‌گی سازمان اجتماعی ناتوان اند، جامعه در این گستره از مناسبات اجتماعی دوچار گونه‌ئی خلأ هنجاری خواهد شد که توانایی آسیب‌رسانی به نهادهایی هم‌چون خانواده و ازدواج و به طور کلی ساختار اجتماعی را

دارد. پیدا است که در همه‌ی جوامع، به‌ویژه جوامع سنتی و مردسالار، در چنین وضعی زنان و دختران بیش‌ترین آسیب را می‌بینند. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع برای زنان و برای نظام اجتماعی و نهادهایی هم‌چون خانواده و ازدواج، باید برای دور ماندن از آسیب‌های احتمالی که هم‌اکنون غرب درگیر آن است، با بهره‌گیری از همه‌ی توانایی‌ها و ظرفیت‌های رشته‌های گوناگون هم‌چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، در کنار دانش‌مندان و اندیشه‌مندان دینی، برای شناخت موشکافانه‌ی این پدیده و مدیریت درست آن تلاش کرد.





## منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی، و غلامرضا غفاری. ۱۳۸۳. *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی، و دیگران. ۱۳۷۹. «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده‌ی تهرانی». *مجله‌ی علوم اجتماعی* ۱۶: ۳-۲۹.
- ۳- احمدنیا، شیرین، و هوشنگ مهریار. ۱۳۸۳. *نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهران در زمینه‌ی همسرگزینی، فرزندآوری، و تنظیم خانواده*. مقاله‌ی ارائه‌شده در هم‌آیش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان، شیراز.
- ۴- احمدی، حبیب. ۱۳۸۲. *روان‌شناسی اجتماعی*. شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- ۵- اینگلهارت، رونالد. ۱۳۸۳. *تحول فرهنگی در جوامع پیش‌رفته‌ی صنعتی*. برگردان مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- ۶- جوکار، بهرام. ۱۳۸۳. مقایسه‌ی نگرش دانش‌جویان دانشکده‌های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز به دوستی دختر و پسر. صص. ۲-۹۱ در *مجموعه مقالات سمینار سراسری بهداشت روانی دانش‌جویان*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- خالقی‌فر، مجید. ۱۳۸۱. «بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده‌ی ایرانی، عوامل مؤثر بر آن، و رابطه‌ی آن با برخی نشانه‌گان فرهنگی». *نامه‌ی پژوهش فرهنگی (دوره‌ی نو)* ۳(۷): ۱۰۷-۱۵۸.
- ۸- ساروخانی، باقر، و مریم رفعت‌جاه. ۱۳۸۳. «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی». *مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران* ۵(۲): ۱۳۳-۱۶۰.
- ۹- طالبی، ابوتراب. ۱۳۸۰. عمل‌کرد دینی دانش‌جویان و نمادهای دین‌داری در میان دانش‌جویان دفتر. صص. ۷۷-۹۵ در *نامه‌ی پژوهش، جلد ۲۰-۲۱*. تهران: نشر فرهنگ و ارشاد.
- ۱۰- ظهرونند، راضیه. ۱۳۸۳. «رابطه‌ی ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس». *پژوهش زنان* ۲(۲): ۱۱۷-۱۲۵.
- ۱۱- عبداللهیان، حمید. ۱۳۸۳. *ارزش سنت و بازتولید فرهنگی*. مقاله‌ی ارائه‌شده در هم‌آیش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان، شیراز.
- ۱۲- کریمی، یوسف. ۱۳۷۸. *روان‌شناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم، و کاربردها*. تهران: نشر ارسباران.
- ۱۳- کیوی، ری‌موند، و لوک وان کامپن‌هود. ۱۳۸۲. *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. برگردان عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.
- ۱۴- گیلنر، آنتونی. ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی*. برگردان منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- ۱۵- «نسل‌ها و نگرش‌های جنسیتی: سنجش آگاهی از تعارض در نگرش‌های جنسیتی». ۱۳۸۳. *پژوهش زنان* ۳(۳): ۵۷-۸۴.

- 16- Kerr, Alistair W., Howard K. Hall, and Stephen A. Kozub. 2002. *Doing Statistics with SPSS*. London, UK: Sage Publications Ltd.
- 17- Demaris, Alfred, and William MacDonald. 1993. "Premarital cohabitation and marital instability: A test of the unconventionality hypothesis." *Journal of Marriage and the Family* 55(2): 399-407.
- 18- Hall, David R. 1996. "Marriage as a pure relationship: Exploring the link between premarital cohabitation and divorce in Canada." *Journal of Comparative Family Studies* 27(1): 1-12.
- 19- Hervieu-Léger, Danièle. 2001. The two fold limit of secularization. pp. 112-126 IN *Peter Berger and the Study of Religion* edited by Linda Woodhead, Paul Heelas, and David Martin. New York, NY: Rutledge.
- 20- Hood, Ralph W., Bernard Spilka, Bruce Hunsberger, and Richard L. Gorsuch. 1996. *The Psychology of Religion: An Empirical Approach*. 2<sup>nd</sup> Ed. New York, NY: The Guilford Press.
- 21- Kahn, John R., and Kathryn A. London. 1991. "Premarital sex and the risk of divorce." *Journal of Marriage and the Family* 53(4): 845-855.
- 22- Inglehart, Ronald. 2000. "Globalization and postmodern values." *The Washington Quarterly* 23(1): 215-222.
- 23- Inglehart, Ronald, Miguel Basañez, Jaime Diez-Medrano, Loek Halman, and Ruud Luijkx. 2004. *Human Beliefs and Values: A Cross-Cultural Sourcebook Based on the 1999-2002 Value Surveys*. Buenos Aires, Argentina: Siglo Veintiuno Editores.
- 24- Inglehart, Ronald, and Pippa Norris. 2000. "The developmental theory of the gender gap: Women's and men's behavior in global perspective." *International Political Science Review* 21(4): 441-463.
- 25- Inglehart, Ronald, and Wayne E. Baker. 2000. "Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values." *American Sociological Review*, 65(1): 19-51.
- 26- Inglehart, Ronald, and Wayne E. Baker. 2001. "Modernization's challenge to traditional values: Who's afraid of Ronald McDonald?" *The Futurist* 35(2): 16-21.
- 27- Insko, Chester A. 1967. *Theories of Attitude Change*. New York, NY: Appleton-Century-Crofts.
- 28- Moghaddm, FathAli M. 1998. *Social Psychology: Exploring Universals across Cultures*. W. H. Freeman and Company.
- 29- Moore, Kristin Anderson, Anne K. Driscoll, and Laura Duberstein Lindberg. 1998. *A Statistical Portrait of Adolescent Sex, Contraception, and Childbearing*. Washington, DC: National Campaign to Prevent Teen Pregnancy.
- 30- Rostosky, Sharon Scales, Brian L. Wilcox, Margaret Laurie Comer Wright, and Brandy A. Randall. 2004. "The impact of religiosity on adolescent sexual behavior: A review of the evidence." *Journal of Adolescent Research* 19(6): 677-697.
- 31- Smock, Pamela. 2000. "Cohabitation in the United States: An appraisal of research themes, findings, and implications." *Annual Reviews Sociology* 26(1): 1-20.
- 32- Talbani, Aziz, and Parveen HasanAli. 2000. "Adolescent females between tradition and modernity: Gender role socialization in South Asian immigrant culture." *Journal of Adolescence* 23(5): 615-627.



- 33- Teachman, Jay. 2003. "Premarital sex, premarital cohabitation, and the risk of subsequent marital dissolution among women." *Journal of Marriage and Family* 65(2): 444-455.
- 34- Wood, Eileen, Charlene Y. Senn, Serge Desmarais, Laura Park, and Norine Verberg. 2002. "Sources of information about dating and their perceived influence on adolescents." *Journal of Adolescent Research* 17(4): 401-417.
- 35- Hayes, Bernadette C., Ian McAllister, and Donley T. Studlar. 2000. "Gender, postmaterialism, and feminism in comparative perspective." *International Political Science Review* 21(4): 425-439.

### نویسندگان

#### دکتر مجید موحد،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز  
mmmajd@gmail.com

دانش‌آموخته‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه چندیگر، پنجاب، هندوستان؛  
گرایش‌های پژوهشی او در زمینه‌ی جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی جنسیت، و دگرگونی‌های فرهنگی  
است. از نوشته‌های وی می‌توان «جهانی شدن و سکولاریسم»، «اسلام و دموکراسی»، «مشارکت  
سیاسی زنان»، «جهانی شدن و خانواده»، و «نگرش زنان به نابرابری‌های جنسیتی» را نام برد.

#### محمدتقی عباسی شوازی،

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز  
mtabbasi@gmail.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز؛  
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز؛  
گرایش‌های پژوهشی او در زمینه‌ی دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران و جامعه‌شناسی دین  
است.



## شناسایی و رتبه‌بندی عامل‌های مؤثر در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در سازمان‌های دولتی استان یزد

دکتر سیدحبیب‌الله میرغفوری

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی مدیریت، دانشگاه یزد

### چکیده

شمار اندکی از زنان به پست‌های مدیریتی بخش دولتی ایران گماشته‌شده‌اند و شمار آنان در پست‌های مدیریتی سطح بالا کم‌تر است. فراهم‌سازی راهبردهای مناسب برای رفع این کاستی و افزایش شمار زنان در پست‌های مدیریتی بخش دولتی، در گرو شناسایی عامل‌های پدیدآورنده‌ی این وضع (عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی) است که این کار با بررسی پیشینه‌ی پژوهش‌شدنی است. در این نوشتار، با بررسی پیشینه‌ی پژوهش، عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی شناسایی می‌شود. سپس با بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسان و روش دلفی، این عامل‌ها در یک نمودار درختی با چهار بعد و بیست و هفت عامل رسم و با روش‌های آماری و شیوه‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره رتبه‌بندی شد. نتایج نشان داد که عامل‌های فرهنگی و اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی دارند.

### واژه‌گان کلیدی

سقف شیشه‌ئی؛ موانع؛ زنان؛ تصمیم‌گیری چندمعیاره؛ فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی؛

## پیش‌گفتار

امروزه کشورهای جهان سوم در تلاش اند تا با افزایش کمی و کیفی شاخص‌های پیش‌رفت، در راه توسعه‌ی کشور خویش گام بردارند؛ به گونه‌ئی که بسیاری از این کشورها، مانند ایران، برای پیش‌برد توسعه برنامه‌هایی منظم فراهم آورده‌اند. در پدیدآوری توسعه‌ی پایدار در یک کشور، چندین عامل تأثیرگذار است و در گردآوری برنامه‌های توسعه باید این عامل‌ها شناسایی و با تقویت آن‌ها فرآیند توسعه ساده‌سازی شود. یکی از مهم‌ترین عامل‌هایی که در فرآیند توسعه نقشی تعیین‌کننده دارد، منابع انسانی کشورها است. بنا بر تجربه‌ی بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، منابع انسانی اثربخش‌ترین عامل پیش‌رفت این کشورها شمرده می‌شود. آمار آمده در جدول ۱، نشان‌دهنده‌ی درستی این مدعا است (یزدانی، ۱۳۸۳: ۱۵). با توجه به اهمیت نقش منابع انسانی در فرآیند توسعه‌ی پایدار و این که زنان و مردان، با هم منابع انسانی سازمان‌ها را می‌سازند، می‌توان گفت که زنان نیز نقشی بنیادی در افزایش بهره‌وری و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی کشورها دارند. اما برخلاف آنچه پیش‌بینی می‌شود، کشورهای دنیا، چه در حال توسعه و چه پیش‌رفته، نتوانسته‌اند در افزایش بهره‌وری و توسعه‌ی خود از زنان به سان انسان‌های کارآمد بهره‌ی کامل برند. برای رفع این کاستی، چند سالی است که کشورهای پیش‌رفته تلاش کرده‌اند با گذر از سدهای کنونی، با به‌کارگیری بیش‌تر توان‌مندی‌های زنان، گامی مؤثر برای افزایش بهره‌وری خود بردارند که در این زمینه موفقیت‌هایی چشم‌گیر نیز داشته‌اند. ولی در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، مانند ایران، این کاستی هنوز به گونه‌ئی جدی وجود دارد و جامعه از فرصت به‌کارگیری توان‌مندی‌های بالقوه‌ی نیمی از جمعیت فعال کشور ناتوان است. از این رو، باید با شناسایی سدهای به‌کارگیری توان‌مندی‌های زنان، زمینه‌های بیش‌تری برای توسعه فراهم آورد.

جدول ۱- جایگاه منابع انسانی در کشورهای توسعه‌یافته و ایران

کشور	منابع انسانی	منابع فیزیکی	منابع طبیعی
ژاپن	٪۸۱	٪۱۸	٪۲
آلمان	٪۷۹	٪۱۷	٪۵
ایران	٪۳۴	٪۳۷	٪۲۹



البته، به‌کارگیری نخبه‌گان زن در پست‌های مدیریتی کشور، مسئله‌ئی حادثه‌ی است؛ چرا که بسیاری از زنانی که در سازمان‌ها مشغول به کار اند به دلایل گوناگون توان دستیابی به پست‌های مدیریتی را ندارند. به سخن دیگر، بخش بزرگی از اندک نیروهای زن که در سازمان‌ها مشغول به کار اند، در کارهای ساده، تکراری، و سطح پائین انجام وظیفه می‌کنند و توان‌مندی‌هایشان در سطوح بالای تصمیم‌گیری و راه‌بردی سازمان‌ها به کار گرفته نمی‌شود.

از این رو، برای به‌کارگیری بهینه‌ی توان‌مندی‌های مدیریتی نخبه‌گان زن در تصمیم‌گیری سازمان‌های کشور، باید عامل‌های پدیدآورنده‌ی این محدودیت‌ها شناسایی و بر پایه‌ی اهمیت رتبه‌بندی شود تا بتوان با تأکید بر رتبه‌ی این عامل‌ها برنامه‌هایی گام‌به‌گام نگاشت، و در نتیجه، زمینه‌های مشارکت بیشتر زنان نخبه را در تصمیم‌گیری‌های کشور فراهم آورد. با این هدف، این نوشتار در صدد است تا با استفاده از شیوه‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره<sup>۱</sup> مانند دلفی<sup>۲</sup>، تحلیل سلسله‌مراتبی<sup>۳</sup>، و TOPSIS<sup>۴</sup>، عامل‌های مؤثر بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی را شناسایی و رتبه‌بندی کرد.

## چارچوب نظری

### زنان و دستیابی به پست‌های مدیریتی

بر پایه‌ی پژوهش‌ها، زنان پس از ورود به سازمان‌ها هم‌گام با مردان شروع به رشد و بالنده‌گی می‌کنند و سطوح گوناگون سازمان را پشت سر می‌گذارند؛ اما هر چه زنان به سطوح بالاتر سازمانی می‌رسند، سرعت رشد و ارتقای آن‌ها کاهش می‌یابد تا جایی که عامل‌هایی نادیدنی آن‌ها را از دستیابی به مشاغل سطح بالای سازمان باز می‌دارد. این عامل‌های نادیدنی را سقف شیشه‌ئی<sup>۵</sup> می‌نامند. این اصطلاح، به روشنی، جایی را در سازمان نشان می‌دهد که هیچ دلیل روشنی نیست که زنان نتوانند به آنجا دست یابند؛ ولی، در واقعیت، دستیابی زنان به آنجا ممکن نیست. زنان شایسته و توانمند، با نگاه کردن به سطوح بالای سازمان از میان این سقف شیشه‌ئی جایگاه‌هایی را می‌بینند که شایسته‌گی رسیدن به آن‌ها را دارند؛ ولی به

1. Multiple Criteria Decision Making (MCDM)

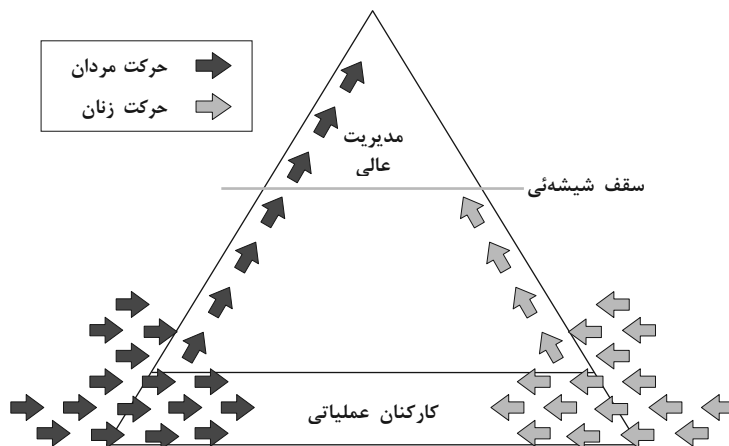
2. Delphi

3. Analytical Network Process (ANP)

4. Technique for Order-Preference by Similarity to Ideal Solution

5. Glass Ceiling

خاطر سدهای نادیدنی، توانایی شکستن این سقف شیشه‌ئی را ندارند. در نمودار ۱، سقف شیشه‌ئی در یک هرم سازمانی نشان داده شده است و تفاوت حرکت زنان و مردان را به سطوح بالای سازمانی نشان می‌دهد (سازمان جهانی کار، ۱۹۹۷: ۲۳-۳۶).



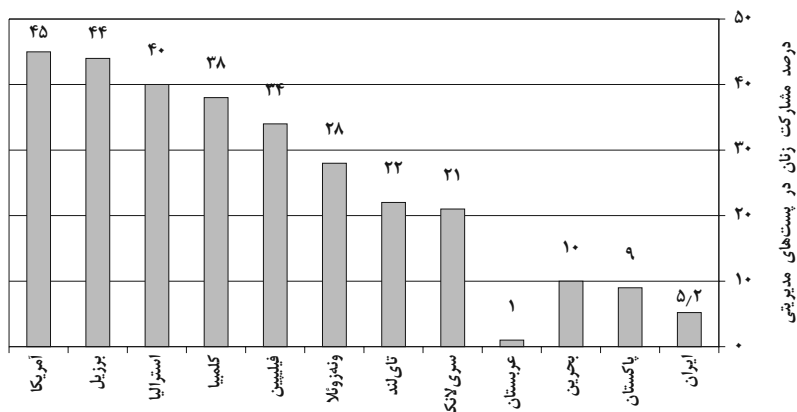
نمودار ۱- سقف شیشه‌ئی در سازمان‌ها

آمار منتشرشده از سوی سازمان جهانی کار (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که سقف شیشه‌ئی در بیش‌تر کشورهای دنیا، چه پیش‌رفته و چه جهان سوم، وجود دارد؛ این سقف در کشورهای پیش‌رفته نزدیک به هسته‌ی مدیریت ارشد است، ولی در کشورهای جهان سوم به سطوح پائین سازمانی نزدیک است.

**نمودار ۲** میزان مشارکت زنان را در پست‌های مدیریتی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ بر پایه‌ی آمار منتشرشده از سوی سازمان جهانی کار نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده می‌شود در کشورهای پیش‌رفته، توان‌مندی زنان نخبه در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی بیش‌تر به کار گرفته می‌شود.

آمار زنان گماشته شده در پست‌های کلیدی و مدیریتی ایران در **جدول ۲** آمده است (یزدانی، ۱۳۸۳). این آمار نشان می‌دهد که در کشور ما نزدیک به ۵/۲ درصد از مدیران زن اند و هر چه به سوی سطوح بالای مدیریتی می‌رویم، این میزان کاهش می‌یابد و به ۱/۴ درصد در سطوح مدیرکل و معاون دستگاه می‌رسد. از این رو، باید عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی را در سازمان‌های ایرانی شناسایی و رتبه‌بندی کنیم و برای کاهش آن‌ها گام برداریم.





نمودار ۲- درصد مشارکت زنان در پست‌های مدیریتی در کشورهای گوناگون

جدول ۲- آمار جمعیت زنان و مردان در پست‌های مدیریتی در ایران

پست	مرد		زن		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
معاون دستگاه	۱۲۹۴	٪۹۸٫۶	۱۸	٪۱٫۴	۱۳۱۲	٪۱۰۰٫۰
مدیرکل و مانند آن	۳۱۴۷	٪۹۸٫۶	۴۵	٪۱٫۴	۳۱۹۲	٪۱۰۰٫۰
مدیر و مانند آن	۷۸۹۰	٪۹۵٫۹	۳۳۹	٪۴٫۱	۸۲۲۹	٪۱۰۰٫۰
معاون مدیرکل و مانند آن	۴۰۰۹	٪۹۶٫۸	۱۳۴	٪۳٫۲	۴۱۴۳	٪۱۰۰٫۰
معاون مدیر و مانند آن	۳۷۹۲	٪۹۶٫۲	۱۴۹	٪۳٫۸	۳۹۴۱	٪۱۰۰٫۰
رئیس گروه یا اداره و مانند آن	۲۶۴۳۴	٪۹۳٫۸	۱۷۲۸	٪۶٫۲	۲۸۱۶۲	٪۱۰۰٫۰
معاون گروه یا اداره و مانند آن	۸۳۶۴	٪۹۳٫۲	۶۰۶	٪۶٫۸	۸۹۷۰	٪۱۰۰٫۰
جمع	۵۴۹۳۰	٪۹۴٫۸	۳۰۲۹	٪۵٫۲	۵۷۹۵۹	٪۱۰۰٫۰

### عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی

برای شناسایی عامل‌های مؤثر بر پیدایش سقف شیشه‌ئی پژوهش‌های فراوانی شده‌است که هر کدام از آن‌ها عامل‌های گوناگونی را پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی دانسته‌اند. بر پایه‌ی دیدگاه کمیسیون سقف شیشه‌ئی آمریکا، عامل‌های سقف شیشه‌ئی به عنوان مهم‌ترین موانع گماشته‌شدن زنان در مشاغل مدیریتی چنین است (الوانی و ضرغامی فرد، ۱۳۸۰):

- شبکه‌های استخدامی سنتی؛
- تعصب‌های موجود در استخدام و پیش‌رفت زنان؛

- تقویت نشدن قانون فرصت‌های برابر؛
- نداشتن تحصیلات کافی برای دستیابی به پست‌های مدیریتی؛
- انگاشته‌شدن مدیریت زنان به سان تهدیدی مستقیم برای فرصت‌های پیش‌رفت مردان.

مارتل و هم‌کاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) در پژوهش خود دریافتند که پنداره‌های کلیشه‌ئی<sup>۲</sup> درباره‌ی زنان یکی از مهم‌ترین موانع برای ارتقای آنان در سازمان‌ها است. آن‌ها گزارش کرده‌اند که داده‌های گردآوری‌شده نشان می‌دهد که ویژه‌گی‌های مدیران میانی و عالی موفق همانندی بیشتری به ویژه‌گی‌های مردان دارد تا ویژه‌گی‌های زنان. موریسون و فون‌گلینو<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) عامل‌هایی هم‌چون نبودن فرصت‌های پیش‌رفت برای زنان در سازمان‌ها، چیره‌گی مدیران مرد در سازمان‌ها، نبودن الگوهای زن مدیر در سازمان‌ها، و حس نژادپرستی مردانه را سدهای عمده بر سر راه زنان در دستیابی به پست‌های مدیریتی برمی‌شمارد.

تارنو، لاتیمر، و کانروی<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) مهم‌ترین عامل آسان‌ساز پیش‌رفت زنان را به سوی پست‌های مدیریتی دستیابی آنان به فرصت‌های آموزش و توسعه می‌دانند. آنان در بررسی‌های خود به دریافتند که در وضع کنونی سازمان‌ها، فرصت‌های آموزشی برای مردان فراهم‌تر است.

ردوود<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) در پژوهش خود بر این نکته تأکید می‌کند که کارهای مدیریتی، دشوار و نیازمند صرف زمان کار فراوان است؛ در حالی که بسیاری از زنان به علت‌های گوناگون خواستار صرف زمان چندانی در هفته برای انجام این کارها نیستند. این عامل برآمده از مسئولیت‌های زنان در خانه، مانند خانه‌داری و پرستاری فرزندان و یکی از عامل‌های مهم در پیدایش سقف شیشه‌ئی است (رحمانو، ۲۰۰۱).

در بررسی زنان شاغل در پست‌های مدیریتی در ۱۰۰۰ شرکت عضو فورچون<sup>۷</sup> عامل‌های بازدارنده‌ی دستیابی زنان به پست‌های مدیریتی چنین شمرده‌شده‌است (کاتالیست<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳):

- نداشتن تجربه‌ی مدیریتی زنان؛
- نبود یا کم‌بود الگوهای مدیران موفق زن در سازمان‌ها؛

1. Martell, Richard F., Parker, Christopher, Emrich, Cynthia G., and Crawford, Mary S.

2. Stereotype

3. Morrison, Ann M., and Von Glinow, Mary Ann

4. Tharenou, Phyllis, Latimer, Shane, and Conroy, Denise

5. Redwood, René

6. Rahmanou, Hedieh

7. Fortune

8. Catalyist



- نرمش‌ناپذیری در برنامه‌های کاری زنان به سوی مشکلات برآمده از مسائل خانه‌داری؛

- نبود مدیریت راه پیش‌رفت برای زنان در سازمان‌ها؛  
 - نپذیرفتن زنان به سان هم‌کار در گروه‌های کاری از سوی مردان؛  
 - کم‌یاب شمردن موقعیت‌های زنان در سازمان‌ها؛  
 - ناتوانی زنان در انجام کارهایی که نیازمند دوری از خانواده است.  
 مارتسون و هم‌کاران<sup>۱</sup> نیز سه منبع از مهم‌ترین فشارهایی را که بازدارنده‌ی پیش‌رفت زنان در کارراهه‌ی مدیریتی‌شان می‌شود چنین برمی‌شمارد (برگرفته از الوانی و زرغامی فرد، ۱۳۸۰):

۱- فشارهای برآمده از خود شغل؛ مانند ساعت طولانی کار، شیوه‌ی کاری دشوار، و مسئولیت‌های کاری.

۲- فشارهای مرتبط با نقش رهبری زنان در پست‌های مدیریت؛ مانند نقش الگو برای زنان دیگر، و مشکل در اقلیت بودن زنان به عنوان یک گروه.

۳- فشارهای برآمده از تعهدهای خانه‌گی؛ مانند تعهد زنان به سان مادر خانواده، نقش دوگانه‌ی خانواده‌ی کار، و ناسازگاری نقش زنان به سان عضو خانواده و مدیر سازمان.

زاهدی (۱۳۸۲)، عامل‌های مؤثر در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی را به عامل فردی، سازمانی، و فرهنگی دسته‌بندی کرده‌است. وی عامل‌های فردی مؤثر بر ارتقا نیافتن زنان را شناسه‌های فردی، مهارت‌های فردی، خواست فردی، و مسئولیت‌های خانواده‌گی، عامل‌های سازمانی را سیاست‌های منابع انسانی، قوانین و مقررات، روش‌ها و رویه‌ها، و شرایط دستیابی به مشاغل مدیریتی، و سرانجام عامل‌های فرهنگی را نموده‌های بیرونی زنان، مانند پوشش، هنجارهای فرهنگی جامعه، و ارزش‌ها و باورهای چیره بر سازمان و جامعه برمی‌شمارد.

### شیوه‌های تصمیم‌گیری چندشناسه‌ئی<sup>۲</sup>

الگوهای تصمیم‌گیری چند شناسه‌ئی، الگوهایی هستند که در دو دهه‌ی گذشته، پژوهش‌گران تصمیم‌گیری بدان‌ها توجه کرده‌اند. این شیوه‌ها و الگوها کاربرد بسیار گسترده‌ئی در تصمیم‌گیری‌های پیچیده، هنگامی که سنجه‌ها فراوان و گاه با هم

1. Marrson et al

2. Multiple Attribute Decision Making (MADM)

ناسازگار است، یافته‌اند. توان بسیار بالای این شیوه‌ها در کاهش پیچیده‌گی تصمیم‌گیری، کاربری هم‌زمان سنجه‌های کیفی و کمی، دادن چارچوبی ساختارمند به تصمیم‌گیری‌ها، و سرانجام کاربرد آسان، آن‌ها را ابزار دست تصمیم‌گیران کشورهای گوناگون ساخته‌است.

در این شیوه‌ها، مسائل تصمیم در ساختاری آرایه‌ئی همانند نمودار ۳ می‌آید و بررسی‌های لازم بر آن‌ها انجام می‌شود. در این آرایه  $A_i$  نشان‌دهنده‌ی گزینه‌ی  $i$ ام،  $X_j$  نشان‌دهنده‌ی شناسه‌ی  $Z_j$ ام، و  $r_{ij}$  نشان‌دهنده‌ی ارزش شناسه‌ی  $Z_j$ ام برای گزینه‌ی  $i$ ام است (اصغرپور، ۱۳۸۳).

$X_n$	...	$X_2$	$X_1$	شناسه گزینه
$r_{1n}$	...	$r_{12}$	$r_{11}$	$A_1$
$r_{2n}$	...	$r_{22}$	$r_{21}$	$A_2$
$\vdots$		$\vdots$	$\vdots$	$\vdots$
$r_{mn}$	...	$r_{m2}$	$r_{m1}$	$A_m$

نمودار ۳- آرایه‌ی تصمیم‌گیری

شیوه‌های تصمیم‌گیری چند شناسه‌ئی، گوناگون است و هر کدام ویژه‌گی‌ها و شرایط کاربرد خود را دارد. دو شیوه‌ی بسیار مهم و کاربردی این شیوه‌ها، فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی<sup>۱</sup> و TOPSIS<sup>۲</sup> است که در این پژوهش برای رتبه‌بندی عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی به کار آمده‌است.

### فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی

یکی از شناخته‌شده‌ترین و تقریباً کاربردی‌ترین شیوه‌ی تصمیم‌گیری چندشناسه‌ئی، فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی است. این روش را نخستین بار ساعتی<sup>۳</sup> دانش‌مند آمریکایی عراقی‌الاصل در دهه‌ی ۱۹۷۰ پایه‌ریزی کرد (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۱). بنیان این روش، مقایسه‌های دوه‌دو است و با فراهم آوردن درخت سلسله‌مراتب آغاز می‌شود. درخت سلسله‌مراتب تصمیم، درختی چندپله است که در پله‌ی نخست هدف و در پله‌های بعدی سنجه‌های اصلی، سنجه‌های فرعی، و سرانجام گزینه‌ها جای دارند. این

1. Analytical Network Process (ANP)

2. Technique for Order-Preference by Similarity to Ideal Solution

3. Saati, Thomas L.



شیوه کاربردی گسترده در یافتن تصمیم بهینه و همچنین رتبه‌بندی عامل‌ها دارد. گام‌های این روش چنین است:

### ۱- ساختن درخت سلسله‌مراتب

درخت سلسله‌مراتب درختی است که دست‌کم سه پله یا سطح دارد. در پله‌ی نخست هدف کلی تصمیم‌گیری آورده می‌شود. پله‌ی دوم یا پله‌های میانی دربرگیرنده‌ی سنجه‌ها است که هیچ محدودیتی در خورد کردن آن‌ها به زیرسنجه‌های کوچک‌تر وجود ندارد. در پله‌ی سوم، گزینه‌های گوناگون تصمیم‌گیری می‌آید. ناگفته نماند که در رتبه‌بندی‌ها، در پله‌ی پایانی عامل‌هایی که باید رتبه‌بندی شود خواهد آمد (آذر و معماربانی، ۱۳۷۳).

### ۲- مقایسه‌های دوبه‌دو

پس از ساختن درخت سلسله‌مراتب باید اولویت‌های هر پله شناسایی و سنجه‌ها و گزینه‌ها با هم دوبه‌دو مقایسه شود. در انجام این مقایسه‌ها، دامنه‌ی ۹-تایی (یک هم‌ارز یک‌سان و ۹ هم‌ارز کاملاً برتر) برای تبدیل مقادیر کیفی به کمی به کار می‌رود که پایه‌ی برآورد اولویت‌های هر یک از عامل‌ها است.

### ۳- برتری‌سنجی عامل‌های هر پله

برای یافتن عامل‌های برتر در هر پله، نخست مقایسه‌های انجام‌شده به‌هنجار<sup>۱</sup> می‌شود و سپس با به‌کارگیری مفهوم میانگین موزون<sup>۲</sup>، هر یک از عامل‌های برتر یافته می‌شود؛ بدین سان که مجموع میانگین‌های موزون به‌دست‌آمده برای هر سطر نشان‌دهنده‌ی برتری یا اهمیت هر عامل است.

### ۴- برآورد نرخ سازگاری مقایسه‌ها

از آن‌جا که عامل‌ها دوبه‌دو با هم مقایسه می‌شود، در این روش می‌توان میزان منطقی بودن مقایسه‌های انجام‌شده را برآورد کرد. به سخن دیگر، می‌توان با برآورد نرخ سازگاری<sup>۳</sup>، میزان سازگاری مقایسه‌های انجام‌شده را سنجید. اگر نرخ سازگاری کم‌تر یا برابر با ۰/۱ باشد، مقایسه‌ها سازگار و پذیرفته شمرده می‌شود.

1. Normalize  
2. Weighted Average  
3. Consistency Ratio (CR)

### شیوهی TOPSIS

این روش را هوانگ و یون<sup>۱</sup> در ۱۹۸۱ ارائه کردند. در این روش، یک فرد یا گروهی از افراد تصمیم‌گیرنده،  $m$  عامل یا گزینه را ارزیابی می‌کند. این شیوه بر این مفهوم پایه‌گذاری شده است که هر عامل باید کم‌ترین فاصله را با عامل ایده‌آل مثبت (مهم‌ترین) و بیش‌ترین فاصله را با عامل ایده‌آل منفی (کم‌اهمیت‌ترین عامل) داشته باشد. به سخن دیگر، در این روش فاصله‌ی یک عامل با عامل ایده‌آل مثبت و منفی سنجیده و عامل‌های بر این اساس رتبه‌بندی می‌شود (آذر و رجبزاده، ۱۳۸۱). گام‌های این روش چنین است:

۱- ساختن آرایه‌ی مقایسه‌ی عامل‌ها- در این گام آرایه‌ی ساخت می‌شود که هر سطر آن نشان‌دهنده‌ی عامل‌ها، و هر ستون آن نشان‌گر افراد پاسخ‌گو است. در خانه‌های این آرایه نیز میزان اهمیتی که هر پاسخ‌گو به هر یک از عامل‌های می‌دهد آورده می‌شود.

۲- به‌هنجارسازی آرایه‌ی تصمیم‌گیری- برای مقایسه‌پذیر شدن مقیاس‌های گوناگون اندازه‌گیری، آرایه‌ی تصمیم‌گیری به‌هنجار می‌شود و آرایه‌ی بی‌مقیاس موزون به دست می‌آید.

۴- یافتن عامل‌های ایده‌آل مثبت و منفی- در این گام، عامل‌هایی را که پاسخ‌دهنده‌گان مهم‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین عامل‌ها دانسته‌اند شناسایی می‌شود.

۵- برآورد فاصله‌ی هر کدام از عامل‌ها به عامل ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی

۶- یافتن  $C_i$  برای هر عامل- برای هر عامل  $C_i$  با دستور زیر برآورد می‌شود:

$$C_i = \frac{\text{فاصله با ایده‌آل منفی}}{\text{فاصله با ایده‌آل منفی} + \text{فاصله با ایده‌آل مثبت}}$$

۷- رتبه‌بندی عامل‌ها بر پایه‌ی کاهش  $C_i$ - در رتبه‌بندی عامل‌ها، هرچه  $C_i$  بالاتر باشد آن عامل مهم‌تر خواهد بود.

### روش پژوهش

روش این پژوهش تحلیلی ریاضی است. بدین سان که نخست داده‌های مورد نیاز گردآوری و سپس این داده‌ها با روش‌های آماری ناپارامتری و هم‌چنین تکنیک‌های ریاضی AHP و TOPSIS بررسی و تحلیل می‌شود.



در این پژوهش فرآیندی با ۹ گام انجام شده‌است که گام‌های آن را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- بررسی پیشینه‌ی پژوهش در زمینه‌ی عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی؛
- ۲- ساخت درخت سلسله‌مراتب عامل‌های سقف شیشه‌ئی؛
- ۳- فراهم آوردن پرسش‌نامه‌ی آغازین و توزیع آن میان کارشناسان؛
- ۴- گردآوری دیدگاه‌های کارشناسان و تحلیل آن‌ها با روش دلفی؛
- ۵- بازنگری در پرسش‌نامه‌ی آغازین و ساخت پرسش‌نامه‌ی پایانی؛
- ۶- توزیع پرسش‌نامه میان کارشناسان دستگاه‌های دولتی استان یزد و گردآوری

داده‌ها؛

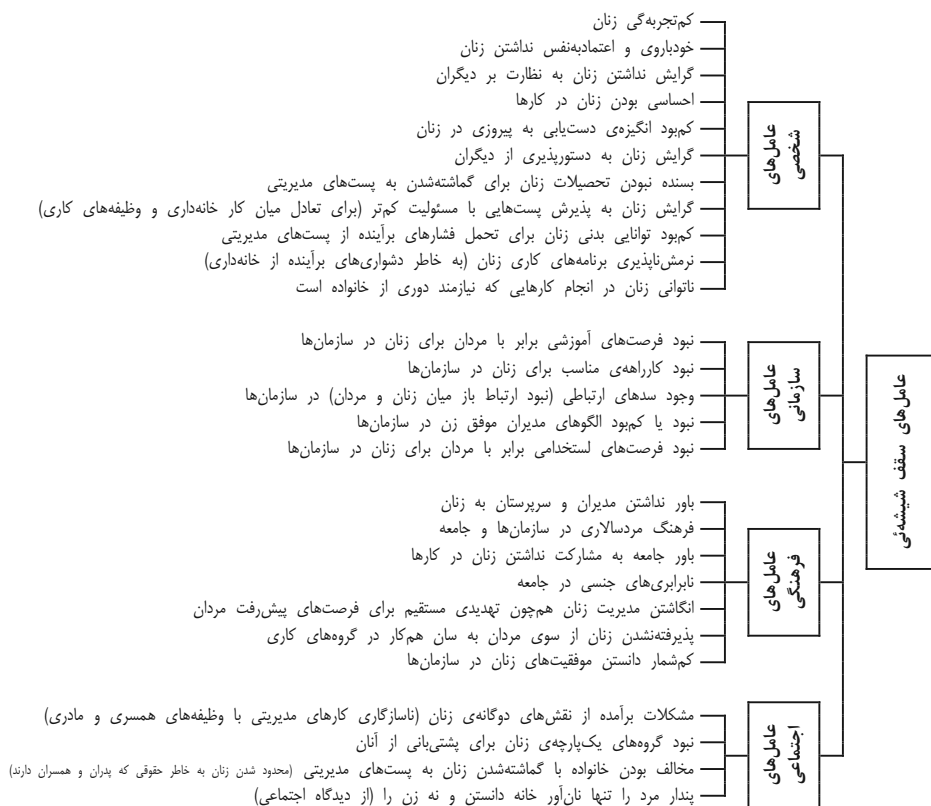
- ۷- بررسی گمانه‌ها با آزمون‌های آماری؛
- ۸- برآورد وزن ابعاد با روش AHP؛
- ۹- رتبه‌بندی عامل‌ها در ابعاد گوناگون با روش TOPSIS.

### پرسش‌های محوری و درخت سلسله‌مراتب پژوهش

این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های محوری زیر است:

- ۱- عامل‌های مؤثر بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در سازمان‌های دولتی استان یزد کدام است؟
  - ۲- رتبه‌بندی عامل‌های مؤثر بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در سازمان‌های دولتی استان یزد چه‌گونه است؟
- در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، باید درخت سلسله‌مراتب عامل‌های بازدارنده‌ی گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی ساخته‌شود. برای این کار، نخست با بررسی‌های کتاب‌خانه‌ئی، پیشینه‌ی پژوهش بررسی، و عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی که در پژوهش‌های گوناگون آمده‌است شناسایی، و درخت آغازین عامل‌های بازدارنده ساخته‌شد. سپس با توجه به این درخت، پرسش‌نامه‌ی آغازین پژوهش بر اساس مفهوم پایه‌ئی روش دلفی طراحی و میان ۵۰ نفر از کارشناسان که استادان دانشگاه‌ها، و مدیران و مشاوران دستگاه‌های دولتی استان یزد بودند توزیع شد. در این پرسش‌نامه، کارشناسان، گذشته از آن که میزان تأثیر عامل‌های مشخص‌شده‌ی آغازین را در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ئی لیکرت<sup>۱</sup> مشخص می‌کردند، می‌توانستند عامل‌های

دیگری را نیز به فهرست عامل‌ها بیافزایند. در سه گام رفت و برگشت پرسش‌نامه، دیدگاه‌های کارشناسان گردآوری شد و با بررسی آن، درخت پایانی سلسله‌مراتب عامل‌های مؤثر بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی چنان که در نمودار ۴ آمده‌است به دست آمد.



نمودار ۴- درخت سلسله‌مراتب عامل‌های بازدارنده‌ی گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی

## گمانه‌های پژوهش

بر اساس درخت پایانی سلسله‌مراتب عامل‌های بازدارنده‌ی گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد، گمانه‌های پژوهش چنین است:

**گمانه‌ی ۱-۱- عامل‌های شخصی زنان در گماشته‌نشدن آنان به پست‌های**

مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد مؤثر است.





**گمانه‌ی ۱-۲-** عامل‌های سازمانی در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد مؤثر است.

**گمانه‌ی ۱-۳-** عامل‌های فرهنگی در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد مؤثر است.

**گمانه‌ی ۱-۴-** عامل‌های اجتماعی در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد مؤثر است.

**گمانه‌ی ۲-۱-** تفاوت میان میزان تأثیر عامل‌های شخصی بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد، معنادار نیست.

**گمانه‌ی ۲-۲-** تفاوت میان میزان تأثیر عامل‌های سازمانی بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد، معنادار نیست.

**گمانه‌ی ۲-۳-** تفاوت میان میزان تأثیر عامل‌های فرهنگی بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد، معنادار نیست.

**گمانه‌ی ۲-۴-** تفاوت میان میزان تأثیر عامل‌های اجتماعی بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد، معنادار نیست.

**گمانه‌ی ۳-** تفاوت میان میزان تأثیر چهار دسته از عامل‌های مؤثر بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی استان یزد، معنادار نیست.

## گردآوری داده‌ها

### روش‌های گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌های پژوهش با بررسی‌های کتابخانه‌ای و روش میدانی انجام شد. برای دستیابی به عامل‌های سقف شیشه‌ئی، نخست با روش کتابخانه‌ئی، پژوهش‌های همانند بررسی و کاوش شد و پرسش‌نامه‌ی پژوهش فراهم آمد. سپس، برای گردآوری دیدگاه‌های صاحب‌نظران و هم‌چنین کارشناسان دستگاه‌های اجرایی استان یزد، روش میدانی به کار گرفته شد.

### ابزار گردآوری داده‌ها و روایی و پایایی آن

داده‌های موردنیاز برای آزمون گمانه‌های پژوهش با پرسش‌نامه‌ی گردآوری شد که دارای دو بخش است: بخش نخست با ۲۷ پرسش درباره‌ی میزان تأثیر عامل‌ها بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی؛ و بخش دوم با ۶ پرسش که بر پایه‌ی مقایسه‌های دوجه‌دو میزان تأثیر هر کدام از ابعاد را بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی مقایسه می‌کند.

از آن‌جا که پرسش‌نامه‌ی آغازین بر پایه‌ی عامل‌های شناسایی‌شده در پیشینه‌ی پژوهش ساخته و سپس برای بررسی و نگرش به کارشناسان داده‌شد و پرسش‌نامه‌ی پایانی بر اساس دیدگاه‌های آنان فراهم آمد، بنابراین روایی پرسش‌نامه خودبه‌خود تأیید می‌شود. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه نیز ضریب آلفای کرون‌باخ  $0/83$  برآورد شد که نشان‌دهنده‌ی پایایی پرسش‌نامه است.

### جامعه و نمونه‌ی آماری پژوهش

جامعه‌ی آماری پژوهش همه‌ی کارمندان دستگاه‌های دولتی استان یزد است که دارای دانش‌نامه‌ی دبیرستان (دیپلم) و بالاتر اند. با دستور برآورد حجم، شمار نمونه‌های آماری ۲۹۶ نفر به دست آمد و بدین سان، ۲۹۶ پرسش‌نامه‌ها به ۱۴۸ نفر مرد و ۱۴۸ نفر زن از کارمندان دستگاه‌های دولتی استان یزد داده‌شد. با گردآوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌های به‌دست‌آمده با روش‌های آماری و هم‌چنین شیوه‌های AHP و TOPSIS بررسی شد.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

#### تحلیل آماری داده‌ها

در این بخش، داده‌های گردآوری‌شده از دیدگاه آمار توصیفی و سپس با آزمون‌های آماری بررسی شد. بررسی‌های آماری با روش‌های ناپارامتری کولموگروف-اسمیرنوف<sup>۱</sup>، من-ویتنی<sup>۲</sup>، ویلکاکسون<sup>۳</sup>، و تحلیل فریدمن<sup>۴</sup> انجام شد. روش‌های ناپارامتری به خاطر کیفی بودن موضوع بررسی و رتبه‌ئی بودن متغیرها به کار گرفته‌شد.

1. Kolmogrov-Smirnov  
2. Mann-Whitney  
3. Wilcoxon  
4. Friedman Test



برای بررسی گمانه‌های ۱-۱ تا ۴-۱ آزمون کولموگروف-اسمیرنوف به کار رفت که یافته‌های آن در جدول ۳ آمده‌است و هم‌چنان که دیده‌می‌شود نشان‌دهنده‌ی درستی همه‌ی گمانه‌ها است. این بدان معنا است که هر کدام از چهار دسته عامل‌های شخصی، سازمانی، فرهنگی، و اجتماعی، پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی در سازمان‌های دولتی استان یزد برای زنان است. به سخن دیگر، این‌ها عامل‌هایی هستند که زنان را از دستیابی به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی باز می‌دارند.

جدول ۳- یافته‌های برآمده از بررسی گمانه‌های ۱-۱ تا ۴-۱

گمانه	۱-۱	۲-۱	۳-۱	۴-۱
N	۲۹۲	۲۹۲	۲۹۲	۲۹۲
Z	۱/۴۱۲	۱/۷۰۶	۱/۰۲۴	۲۱/۹۸
معناداری یافته	۰/۰۳۷	۰/۰۳۷	۰/۲۴۵۰	۰/۰۰۰
	درستی گمانه	درستی گمانه	درستی گمانه	درستی گمانه

اینک، جای پرسش است که آیا میزان تأثیر این چهار دسته از عامل‌ها با یک‌سان است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، گمانه‌ی ۳ باید آزموده‌شود. برای آزمون این گمانه، روش آماری کروسکال-والیس<sup>۱</sup> به کار رفت. در این روش، میزان تفاوت میان تأثیر ابعاد بر پایه‌ی پراکنش  $\chi^2$  سنجیده‌می‌شود. یافته‌های این آزمون جدول ۴ آمده‌است. هم‌چنان که دیده‌می‌شود تفاوت میان میزان تأثیر چهار دسته از عامل‌ها معنادار است. بنابراین، در بخش آینده، این عامل‌ها را بر پایه‌ی میزان تأثیرگذاری آن‌ها با روش‌های MCDM، رتبه‌بندی می‌کنیم.

جدول ۴- یافته‌های بررسی گمانه‌ی ۳

گروه عامل‌ها	$\chi^2$	درجه‌ی آزادی	معناداری
شخصی	۳۱/۴۹۴	۳	۰/۰۰۰
سازمانی			
فرهنگی			
اجتماعی			

بررسی گمانه‌های ۱-۱ تا ۴-۱ نشان داد که هر یک از چهار دسته از عامل‌های شخصی، سازمانی، فرهنگی، و اجتماعی در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی مؤثر است. از آن‌جا که بر پایه‌ی درخت سلسله‌مراتب، هر کدام از این

شاخه‌ها از عامل‌هایی فرعی ساخته شده‌است، بنابراین، باید معنادار بودن تفاوت میان تأثیرگذاری عامل‌های سازنده‌ی هر یک از این ابعاد بررسی شود. از این رو، گمانه‌های ۱-۲ تا ۴-۲ برای پاسخ‌گویی به این پرسش ساخته‌شد که یافته‌های برآمده از بررسی آن‌ها در جدول ۵ آمده‌است.

جدول ۵- یافته‌های بررسی گمانه‌های ۱-۲ تا ۴-۲

عاملها	$\chi^2$	درجه‌ی آزادی	معناداری
۱۱ عامل شخصی	۵۰/۲۴۱	۱۰	۰/۰۰۰
۵ عامل سازمانی	۱۵/۵۷۶	۴	۰/۰۰۴
۷ عامل فرهنگی	۱۰۷/۲۴۰	۶	۰/۰۰۰
۴ عامل اجتماعی	۷/۵۷۸	۳	۰/۰۵۶

هم‌چنان که دیده‌می‌شود در سه دسته از عامل‌های شخصی، سازمانی، و فرهنگی، تفاوت‌های برآمده از آزمون در سطح ۹۵ درصد معنادار است ( $P < ۰/۰۵$ ). بنابراین، گمانه‌های ۱-۲ تا ۳-۲ نادرست و همه‌ی تفاوت‌ها میان تأثیر ۱۱ عامل شخصی، میان تأثیر ۵ عامل سازمانی، و میان تأثیر ۷ عامل فرهنگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

ولی، از آن‌جا که در گروه عامل‌های اجتماعی، معناداری آزمون ۰/۰۵۶ به دست آمد، گمانه‌ی ۴-۲ با اطمینان ۹۵ درصد درست است، و اگر چه تأثیر ۴ عامل اجتماعی با یکدیگر متفاوت است، اما این تفاوت معنادار نیست. البته، چون آماره‌ی این آزمون به نقطه‌ی بحرانی نزدیک است، می‌توان عامل‌های این گروه را نیز رتبه‌بندی کرد.

#### رتبه‌بندی گروه‌عاملها و عامل‌های سقف شیشه‌ئی با روش‌های MCDM

از آن‌جا که بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که تأثیر هر یک از عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی در سازمان‌های دولتی استان یزد با یکدیگر یکسان نیست، بنابراین باید میزان تأثیرگذاری این عامل‌ها را سنجید و بدین سان، آن‌ها را رتبه‌بندی کرد.

در این پژوهش، برای رتبه‌بندی عامل‌های مؤثر بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در سازمان‌های دولتی استان یزد، روش‌های MCDM به کار رفت که هم‌چنان که در بخش پیشینه‌ی پژوهش گفته‌شد، ابزارهایی توانمند برای رتبه‌بندی به شمار می‌رود.



برای رتبه‌بندی عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی، با نگرش به شرایط مسئله، روش TOPSIS گزیده‌شد؛ ولی، از آن‌جا که باید وزن بعدهای سطح بالاتر را داشته‌باشیم، نخست روش فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) در رتبه‌بندی و تعیین درجه‌ی اهمیت هر کدام از ابعاد چهارگانه‌ی اصلی به کار رفت و سپس با به‌کارگیری وزن‌های به‌دست‌آمده از این روش، همه‌ی عامل‌ها با شیوه‌ی TOPSIS رتبه‌بندی شد.

یافته‌های به‌دست‌آمده از رتبه‌بندی چهار دسته عامل‌ها با روش فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) در جدول ۶ آمده‌است. همچنان که دیده‌می‌شود که عامل‌های فرهنگی بیش‌ترین تأثیر را در گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی در استان یزد دارد و پس از آن، به‌ترتیب عامل‌های اجتماعی، سازمانی، و شخصی قرار می‌گیرد.

جدول ۶- درجه‌ی اهمیت و رتبه‌بندی عامل‌های چهارگانه‌ی سقف شیشه‌ئی

رتبه از لحاظ میزان تأثیرگذاری	درجه‌ی اهمیت به‌دست‌آمده از AHP	گروه
۴	۰/۱۳۰	عامل‌های شخصی
۳	۰/۲۵۰	عامل‌های سازمانی
۱	۰/۳۴۸	عامل‌های فرهنگی
۲	۰/۲۷۱	عامل‌های اجتماعی

رتبه‌بندی همه‌ی عامل‌های چهار گروه از عامل‌ها با روش TOPSIS در جدول‌های ۷ تا ۱۰ آمده‌است.

جدول ۷- رتبه‌بندی عامل‌های شخصی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایده‌آل منفی	فاصله با ایده‌آل مثبت	عامل
۱	۰/۵۹۱۱	۰/۰۱۲۷	۰/۰۰۸۸	خودباوری و اعتماد به‌نفس نداشتن زنان
۲	۰/۵۷۴۵	۰/۰۱۳۰	۰/۰۰۹۶	ناتوانی زنان در انجام کارهایی که نیازمند دوری از خانواده است
۳	۰/۵۶۸۰	۰/۰۱۲۶	۰/۰۰۹۶	احساسی بودن زنان در کارها
۴	۰/۵۲۴۱	۰/۰۱۱۴	۰/۰۱۰۳	گرایش زنان به پذیرش پست‌هایی با مسئولیت کم‌تر
۵	۰/۵۰۵۳	۰/۰۱۰۹	۰/۰۱۰۷	کم‌تجربه‌گی زنان
۶	۰/۴۹۷۲	۰/۰۱۰۹	۰/۰۱۱۰	نرمش‌ناپذیری برنامه‌های کاری زنان
۷	۰/۴۵۶۰	۰/۰۱۰۱	۰/۰۱۲۰	کم‌بود توانایی بدنی زنان برای تحمل فشارهای برآینده از پست‌های مدیریتی
۸	۰/۳۹۳۵	۰/۰۰۸۵	۰/۰۱۳۲	گرایش نداشتن زنان به نظارت بر دیگران
۹	۰/۳۷۱۰	۰/۰۰۸۱	۰/۰۱۳۷	گرایش زنان به دست‌ورپذیری از دیگران
۱۰	۰/۳۶۱۷	۰/۰۰۷۹	۰/۰۱۴۰	کم‌بود انگیزه‌ی دستیابی به پیروزی در زنان
۱۱	۰/۳۵۲۴	۰/۰۰۷۹	۰/۰۱۴۵	بسنده نبودن تحصیلات زنان برای گماشته‌شدن به پست‌های مدیریتی

جدول ۸- رتبه‌بندی عامل‌های سازمانی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایده‌آل منفی	فاصله با ایده‌آل مثبت	عامل
۱	۰/۵۴۵۰	۰/۰۱۳۹	۰/۰۱۱۶	نبود کارراهی مناسب برای زنان در سازمان‌ها
۲	۰/۵۳۱۵	۰/۰۱۴۴	۰/۰۱۲۷	نبود یا کمبود الگوهای مدیران موفق زن در سازمان‌ها
۳	۰/۴۵۶۱	۰/۰۱۱۷	۰/۰۱۴۰	وجود سدهای ارتباطی (نبود ارتباط باز میان زنان و مردان) در سازمان‌ها
۴	۰/۴۵۱۸	۰/۰۱۱۰	۰/۰۱۴۵	نبود فرصت‌های آموزشی برابر با مردان برای زنان در سازمان‌ها
۵	۰/۴۰۰۸	۰/۰۱۰۴	۰/۰۱۵۶	نبود فرصت‌های استخدامی برابر با مردان برای زنان در سازمان‌ها

جدول ۹- رتبه‌بندی عامل‌های فرهنگی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایده‌آل منفی	فاصله با ایده‌آل مثبت	عامل
۱	۰/۶۴۶۱	۰/۰۱۳۰	۰/۰۰۷۱	باور نداشتن مدیران و سرپرستان به زنان
۲	۰/۶۰۱۳	۰/۰۱۲۳	۰/۰۰۸۲	فرهنگ مردسالاری در سازمان‌ها و جامعه
۳	۰/۵۰۲۱	۰/۰۰۹۹	۰/۰۰۹۸	باور جامعه به مشارکت نداشتن زنان در کارها
۴	۰/۴۵۶۰	۰/۰۰۹۴	۰/۰۱۱۲	نابرابری‌های جنسی در جامعه
۵	۰/۴۵۲۸	۰/۰۰۹۵	۰/۰۱۱۵	انگاشتن مدیریت زنان هم‌چون تهدیدی مستقیم برای فرصت‌های پیش‌رفت مردان
۶	۰/۴۴۶۴	۰/۰۰۹۳	۰/۰۱۱۵	کم‌شمار دانستن موفقیت‌های زنان در سازمان‌ها
۷	۰/۴۱۶۴	۰/۰۰۸۶	۰/۰۱۲۰	پذیرفته‌نشدن زنان از سوی مردان به سان هم‌کار در گروه‌های کاری

جدول ۱۰- رتبه‌بندی عامل‌های اجتماعی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایده‌آل منفی	فاصله با ایده‌آل مثبت	عامل
۱	۰/۵۳۵۹	۰/۰۱۳۸	۰/۰۱۱۹	نبود گروه‌های یک‌پارچه‌ی زنان برای پشتیبانی از آنان
۲	۰/۵۱۴۱	۰/۰۱۳۱	۰/۰۱۲۴	مشکلات برآمده از نقش‌های دوگانه‌ی زنان
۳	۰/۵۰۶۳	۰/۰۱۲۹	۰/۰۱۲۶	پندار مرد را تنها نان‌آور خانه دانستن و نه زن را (از دیدگاه اجتماعی)
۴	۰/۴۰۹۰	۰/۰۱۰۲	۰/۰۱۴۷	مخالف بودن خانواده با گماشته‌شدن زنان به پست‌های مدیریتی

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که در دستگاه‌های دولتی ایران، هر چهار گروه عامل‌های شخصی، سازمانی، فرهنگی، و اجتماعی پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی است. به سخن دیگر، برآیند همه‌ی این عامل‌های باعث شده‌است تا زنان از گماشته‌شدن به پست‌های مدیریتی در دستگاه‌های دولتی ما بازداشته‌شوند و بدین سان این دستگاه‌ها از فرصت به‌کارگیری توانایی‌ها و نوآوری‌های کاری زنان نخبه در هسته‌های تصمیم‌گیری خود بی‌بهره باشند.



از گروه‌های چهارگانه‌ی یادشده، به‌ترتیب عامل‌های فرهنگی، عامل‌های اجتماعی، عامل‌های سازمانی، و عامل‌های شخصی بیش‌ترین اثر را بر فرآیند ارتقای زنان دارد. هم‌چنین با بررسی داده‌های پژوهش و رتبه‌بندی عامل‌های فرعی تأثیرگذار بر فرآیند ارتقای زنان در هر یک از چهار گروه، سه عامل مؤثرتر از هر گروه چنین به دست آمد:

- گروه عامل‌های فرهنگی:
  - باور نداشتن مدیران و سرپرستان به زنان
  - فرهنگ مردسالاری در سازمان‌ها و جامعه
  - باور جامعه به مشارکت نداشتن زنان در کارها
- گروه عامل‌های اجتماعی:
  - نبود گروه‌های یک‌پارچه‌ی زنان برای پشتیبانی از آنان
  - مشکلات برآمده از نقش‌های دوگانه‌ی زنان
  - پندار مرد را تنها نان‌آور خانه دانستن و نه زن را (از دیدگاه اجتماعی)
- گروه عامل‌های سازمانی:
  - نبود کارراهه‌ی مناسب برای زنان در سازمان‌ها
  - نبود یا کم‌بود الگوهای مدیران موفق زن در سازمان‌ها
  - وجود سدهای ارتباطی (نبود ارتباط باز میان زنان و مردان) در سازمان‌ها
- گروه عامل‌های شخصی:
  - خودباروری و اعتمادبه‌نفس نداشتن زنان
  - ناتوانی زنان در انجام کارهایی که نیازمند دوری از خانواده است
  - احساسی بودن زنان در کارها

## پیشنهادها

### پیشنهادهای کاربردی

۱- نتایج نشان می‌دهد که بیش‌ترین دشواری زنان در دستیابی به پست‌های مدیریتی و حضور در هسته‌های بالای تصمیم‌گیری دستگاه‌های دولتی، در عامل‌های فرهنگی است. حل این دشواری‌ها، و در نتیجه آسان‌سازی فرآیند ارتقای زنان نیازمند

برنامه‌های درازمدت دگرگونی فرهنگ چیره بر مدیران است. اما برای حل تدریجی این دشواری‌ها پیشنهاد می‌شود تا دستگاه‌های دولتی تأثیرگذار بر فرهنگ، همانند صدا و سیما، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، و دیگر دستگاه‌های دست‌اندرکار، با پیاده‌سازی برنامه‌های هم‌آهنگ آموزشی و فرهنگی، زمینه‌های دگرگونی دیدگاه‌های مدیران و تقویت پایگاه فرهنگی را در این زمینه فراهم سازند.

۲- برای از میان برداشتن عامل‌های بازدارنده‌ی سازمانی، فراهم‌سازی، باید به گردآوری، و اجرای برنامه‌هایی پرداخت که بتواند زمینه‌ی حضور زنان را در پست‌های مدیریتی و هسته‌های ارشد تصمیم‌گیری کشور فراهم سازد. از آن‌جا که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور سرپرستی بیش‌تر دستگاه‌های دولتی را دارا است، این وظیفه‌ی مهم نیز بر دوش این سازمان محوری کشور خواهد بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و استان‌ها، بخشی برای پشتیبانی از فرصت‌های کاری زنان بنیان گذارده‌شود که هدف آن از میان برداشتن سدهای فرهنگی و سازمانی در دستگاه‌های دولتی باشد. از راه‌کارهای اجرایی برای از میان برداشتن عوامل سازمانی، می‌توان تخصیص دادن درصدی از پست‌های مدیریتی استان و کشور را به صورت همیشگی به مدیران زن نام برد.

۳- عامل‌های اجتماعی نیز از عامل‌های مهم تأثیرگذار بر گماشته‌نشدن زنان به پست‌های مدیریتی است. پیشنهاد می‌شود صدا و سیما و دیگر سازمان‌های تأثیرگذار کشوری، برنامه‌هایی برای دگرگونی دیدگاه‌های مردم در این باره و در زمینه‌ی کار زنان فراهم آورند.

۴- برای کاهش یا کم‌رنگ ساختن عامل‌های شخصی زنان در راه رسیدن به پست‌های مدیریتی نیز، پیشنهاد می‌شود برای زنان در دستگاه‌های دولتی، دوره‌های آموزشی ویژه‌ئی برای توان‌مندتر ساختن شخصیت آنان، آموزش مهارت‌های مدیریتی، و در نتیجه آماده ساختن‌شان برای پذیرش پست‌های مدیریتی برگزار شود.

### پیشنهادهای پژوهشی

۱- برای افزایش درستی و غنای پژوهش و توان گسترش یافته‌ها به سراسر کشور، پیشنهاد می‌شود عامل‌های پدیدآورنده‌ی سقف شیشه‌ئی، در پژوهشی ملی، در کشور و هم‌چنین تک‌تک استان‌ها شناسایی و رتبه‌بندی شود.





۲- از آن‌جا که ساختار بخش‌های صنعتی و خدماتی با بخش دولتی یکسان نیست، یافته‌های این پژوهش برای آنان کاربرد چندان درستی نخواهد داشت. از این رو، پیشنهاد می‌شود با بومی ساختن پرسش‌نامه‌ی این پژوهش و کاربرد آن در بخش‌های دیگر، عامل‌های سقف شیشه‌ئی در آن بخش‌ها نیز شناسایی شود.

۳- کیفی بودن داده‌های گردآوری‌شده با پرسش‌نامه، می‌تواند با انجام بررسی‌هایی با شیوه‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره‌ی فازی، به یافته‌هایی واقعی‌تر بیانجامد.

## منابع

- ۱- آذر، عادل، و علی رجب‌زاده. ۱۳۸۱. *تصمیم‌گیری کاربردی*. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- ۲- آذر، عادل، و عزیزالله معماربانی. ۱۳۷۳. «AHP: تکنیکی نوین برای تصمیم‌گیری». *دانش مدیریت* ۲۸-۲۷: ۳۲-۲۲.
- ۳- اصغرپور، محمدجواد. ۱۳۸۳. *تصمیم‌گیری‌های چند معیاره*. چاپ ۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- الوانی، سیدمهدی، و مژگان ضرغامی فرد. ۱۳۸۰. «موفقیت زنان در کارراهی مدیریتی». *مدیریت دولتی* ۵۳-۵۴: ۹۵-۱۰۱.
- ۵- زاهدی، شمس‌السادات. ۱۳۸۲. «ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی». *ریحانه* (۳): ۷۳-۹۴.
- ۶- یزدانی، جواد. ۱۳۸۳. *آموزش، توان‌مندسازی، و اشتغال زنان*. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- 7- Catalyst. 2003. *Women in U.S. Corporate Leadership 2003*. Catalyst.
- 8- International Labour Organization. 1997. *Economically Active Population, 1950-2000*. Geneva: International Labour Organization.
- 9- International Labour Organization. 2003. *Yearbook of Labour Statistics*. Geneva: International Labour Organization.
- 10- Martell, Richard F., Christopher Parker, Cynthia G. Emrich, and Mary S. Crawford. 1998. "Sex stereotyping in the executive suite: 'Much ado about something'." *Journal of Social Behavior and Personality* 13(1): 127-138.
- 11- Morrison, Ann M., and Mary Ann Von Glinow. 1990. "Women and minorities in management." *American Psychologist* 45(2): 200-208.
- 12- Redwood, René. 1996. *The Glass Ceiling: The Findings and Recommendations of the Federal Glass Ceiling Commission*. Retrieved 21 July 2003 (<http://www.inmotionmagazine.com/glass.html>).
- 13- Tharenou, Phyllis, Shane Latimer, and Denise Conroy. 1999. "How do you make it to the top? An examination of influences on women's and men's managerial advancement." *Academy of Management Journal* 37(4): 899-931.
- 14- Rahmanou, Hedieh. 2001. *The Widening Gap: A New Book on the Struggle to Balance Work and Caregiving* [Research-in-Brief]. Washington, DC: Institute for Women's Policy Research. Retrieved 27 October 2006 (<http://www.iwpr.org/pdf/heyman.pdf>).

## نویسنده

## دکتر سیدحبيب‌الله میرغفوری،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی مدیریت، دانشگاه یزد  
mirghafoori@yazduni.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکتری مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس؛

استادیار و مدیر گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه یزد؛

چندین نوشته و طرح در زمینه‌ی بهبود کیفیت و تحول اداری، و مسائل مربوط به آن نگاشته‌است.

## گزارش

## جایگاه زن در هنر تجسمی امروز ایران

دکتر زهرا رهنورد

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه مطالعات عالی هنر، دانشگاه تهران

## چکیده

نگاهی به تاریخ روی داده‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی ایران نشان می‌دهد که رخ داده‌های بزرگ اجتماعی تأثیری مثبت یا منفی بر نقش‌های زنان دارد و نقش‌های ناپویا را به جنبش درآورده و زنان بیش‌ترین تأثیر مثبت را از روی داده‌های یادشده پذیرفته‌اند. در ایران چندین پدیده بر پویایی نقش زنان تأثیر داشته‌است: دگرگونی‌هایی همچون نوگرایی (مدرنیزاسیون) با سویه‌های خوش‌آیند و ناخوش‌آیند آن از دو سده‌ی پیش تا کنون و آغاز دادوستدهای دانش و اندیشه در گستره‌ی جهانی، مشروطه‌خواهی و کاهش سویه‌های خودکامه‌گی در لایه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، خانواده‌گی، و پرورشی، دگرگونی‌ها اندیشه‌گی و اجتماعی و فرهنگی پدیدآمده در انقلاب اسلامی ایران، دوره‌ی هویت‌یابی، و ویژه‌گی‌های نوین جهانی شدن، هر یک به گونه‌ئی در دگرگون شدن نقش زن دست داشته‌است. در قلمروی هنر، می‌توان پایه‌گذاری مدرسه‌ها و دانشکده‌های هنری را نیز به آن افزود. در این راه زنان هنرمند برجسته‌ئی به آفرینش هنری پرداختند که در این نوشتار، آثار آنان دسته‌بندی و بررسی شده‌است.

## واژه‌گان کلیدی

زن؛ هنر تجسمی؛ انقلاب اسلامی ایران؛ هویت؛ آزادی درون‌بودی؛

### پیش‌گفتار

نوشتن درباره‌ی زن، بدون نگاه ساختاری و کلی به گذر تاریخی سرنوشت یک ملت یا یک دوره‌ی تاریخی جهانی، شدنی نیست. از سوی دیگر، امروزه گفتمان زنان، گفتمانی جهانی است، زیرا هزاره‌ی سوم میلادی در برخی از نگرش‌های چیره، هزاره‌ی زنان نامیده می‌شود.

در کشور ما نیز، پس از پیروزی انقلاب، گفتمان زنان رایج و یکی از سرفصل‌های پژوهش‌های دانشگاهی بوده است. از این رو، گفتن و نوشتن درباره‌ی زن، نه کاری زنانه و حتا زن‌مدار، که کاری اجتماعی و فرهنگی و حتا مربوط به مصالح ملی کشور ما و شرایط جهانی شمرده می‌شود. دگرگونی‌های دویست سال گذشته بر همه‌ی شئون ملی، و از آن میان بر هنر امروز ایران که به سان جنبشی قابل‌توجه در گستره‌ی ملی و جهانی حضور یافته است اثر گذاشت؛ ولی ریشه‌های ژرف آن به گذشته‌ها باز می‌گردد.

### آزادی درون‌بودی

زنان در جنبش هنر امروز ایران نقشی بسیار حساس دارند؛ ولی این وابسته به دست‌آوردی مهم و آن آزاد شدن از درون است. تا انسان از درون خود آزاد نشود نمی‌تواند به هیچ کار پرمایه‌ئی دست یازد. البته شاید انسان در نظامی خودکامه هم به گونه‌ئی فردی آزاد باشد. از دیدگاه من، ریشه‌ی مسئله، آزاد شدن زن از درون خود در جنبش امروز ایران در هر زمینه‌ئی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و هنری) است. اینک، جای پرسش است که مگر زنان پیش از این آزاد نبوده‌اند؟ اگر چه آزادی و آزاد شدن خواسته‌ی درونی هر انسانی است، اما معمولاً آزادی و آزاد شدن نه تنها در روند تجربه‌های فردی، که در پهنه‌ئی گسترده برای توده‌های زنان در روند جریان‌های سیاسی-اجتماعی که پی‌گیر آزادسازی گروهی اند، انجام می‌پذیرد.

بی‌گمان، اگر خودکامه‌گی از حکومت‌ها رخت بریندد، انسان‌ها در گذاری بزرگ به آزادی دست خواهند یافت؛ ولی این که آزادی درونی باشد، و فرد نوآوری و آزادی تصمیم‌گیری را در کارهای خویش در هر زمینه‌ئی بیابد، از دست‌آوردهای بسیار مهم زنان در همه‌ی جنبش‌های دویست‌ساله‌ی گذشته‌ی زنان است.



جنبش نوگرایی (مدرنیزاسیون) ایران که تقریباً با عباس‌میرزا آغاز شد و نزدیک به دوپست سال از آن می‌گذرد، گروهی از دادوستدهای جهانی را در خود داشت: دستیابی به برخی دانش‌ها؛ دادوستد دانش‌جو؛ دادوستد فکر و اندیشه؛ پایه‌گذاری روزنامه‌ها و نشریه‌ها و چاپ؛ ترجمه‌ها؛ و پایه‌گذاری مدرسه‌های نو (تکمیل‌همایون، ۱۳۸۱). البته در این زمان دوپست‌ساله، نوگرایی دسته‌ئی از روی‌دادها است که نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه، ملی شدن نفت، و انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد. شاید بسیاری نوگرایی را غرب‌گرایانه و استعماری شمارند؛ ولی نوگرایی هم‌چنان که پی‌آمدهایی مثبت دارد (مانند آن‌ها گفته‌شد)، پی‌آمدهایی منفی هم می‌تواند داشته‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و ملی است که با انقلاب اسلامی با درون‌مایه‌ی بازگشت به خویش تا اندازه‌ئی مهار شد. اگر چه شاید برخی افراط‌گرایان انقلاب ایران را گرایشی سنتی و پس‌رونده بدانند، اما اگر به انقلاب در چارچوبی گستره بنگریم، آن را در درون دگرگونی‌های نوآورانه‌ی دوپست‌ساله‌ی گذشته خواهیم یافت. هم‌چنان که به گفته‌ی فوکو<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی نخستین انقلاب پسامدرن جهان است.

آیا پیش از جنبش‌های تکان‌دهنده‌ی اجتماعی زنانی آزاد نداشته‌ایم؟ بی‌گمان زنان آزادی بوده‌اند، ولی گستره‌ی زیست‌شان درون خانواده‌ها بوده و نه اجتماع. در دامن خانواده‌ها، دختران نظامیان، بازرگانان، پادشاهان، دانش‌مندان، هنرمندان، و فرهیخته‌گان می‌توانسته‌اند با توجه به شرایط لایه‌ی اجتماعی ویژه‌ی خود، این بخت را داشته‌باشند که در خود ببالند و از درون به آزادی برسند. ولی جنبش‌های بزرگ مانند انقلاب مشروطه، جنبش تنباکو، نهضت نفت، و در اوج آن انقلاب اسلامی ایران، مردم و به‌ویژه زنان را به گونه‌ئی جمعی، انبوه، و توده‌ئی به سوی آزاد شدن می‌کشاند که با پرورش‌های اقتصادی، اجتماعی، و طبقاتی خانواده‌ئی والاتبار یا مانند آن هم‌سان نیست. تفاوت این روند نوسازی با گذشته این بود که برای نمونه، آن که دانش‌آموخته بود تلاش می‌کرد دخترش هم دانش بی‌آموزد. بی‌گمان زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و جهانی نیز در این باره نقش دارد و دادوستدهای درون و بیرون نیز بسیار مهم است. ولی چه بسا همه‌ی این زمینه‌ها باشد و انسان‌ها از درون آزاد نشوند. مهم این است که انسان از درون آزاد شود؛

یعنی به اطلاعات دست‌رسی داشته‌باشد، خودش گزینش‌کننده باشد، به خواست خود دانش بیاموزد، و خودش را بیابد.

جنبش تنباکو که پیشوای آن دانش‌مندی دینی و روحانی بود، قوی‌ترین پیروان خود را در میان زنان یافت؛ زنانی که به اوج آزادی رسیدند و پیمان رژی را با «قلیان‌شکنی» سترون ساختند. بدین سان، آزادسازی از درون گام‌به‌گام فرا می‌رسد و انقلاب اسلامی با خوشه‌چینی همه‌ی دگرگونی‌های دویست سال گذشته، با راهنمایی اسلام این آزادی را فراتر برد.

هنگامی که جایگاه زن را در جنبش هنر امروز ایران بررسی می‌کنیم پرسش‌هایی مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها چنین است:

۱- از زنان چه می‌دانیم؟

۲- چرا وضع زنان چنین است؟

۳- چه‌گونه زنان خوش‌بخت و سعادت‌مند خواهند شد؟

با این سه پرسش دنیایی گسترده در برابر ما گشوده می‌شود. برای پاسخ به این که از زنان چه می‌دانیم، باید به سراسر تاریخ و حتا پیش از تاریخ، و اسناد و دست‌آوردهایی که از دوران باستان<sup>۱</sup> به ما رسیده بنگریم.

از زنان چه می‌دانیم؟ پاسخ بسیار سراسر است به ما می‌گوید زنان همیشه بوده‌اند و حضور داشته‌اند. نه این که امروزه چون دکتر، مهندس، نقاش، تندیس‌ساز، سیاست‌مدار، رئیس‌جمهور، و نخست‌وزیر شده‌اند بوده‌باشند. زنان همیشه بوده‌اند و این بودن مهم است. در گفتمان‌های فمینیستی این نکته مهم‌ترین نکته است که این «بودن و حضور» به خودآگاهی ذهنی زن، مرد، و جامعه وارد شود. پیش از این، زنان نبوده‌اند مگر انگشت‌شمار زنانی از لایه‌های نخبه و به صورت زیرزمینی. جورج *الیوت*<sup>۲</sup>، نویسنده‌ی زن انگلیسی، نامی مردانه بر خود می‌نهد؛ او حضور دارد، اما حضوری زیرزمینی. مهدعلیا<sup>۳</sup>ها، ماری *آنتوانت*<sup>۴</sup>ها، و پیری‌خان‌خانم‌ها (حجازی، ۱۳۸۱)، حضور داشتند؛ حضوری گاه آشکار و گاه زیرزمینی؛ اما مادران و زنانی بوده‌اند که شخصیت پنهان‌شان هرگز به طور فردی هم پیدا نبود. آن‌ها هم‌چون گذرنده‌گانی اند که از جای پای‌شان می‌فهمیم در بیابان تاریخ بوده و از راه‌ها و کوره‌راه‌ها گذر کرده‌اند. امروزه بخشی از این حضور وارد آگاهی فردی، اجتماعی، و تاریخی شده‌است.

1. Primitive

2. Eliot, George (orig. Mary Ann Evans) (1819-1880)

۳- ملک‌جهان خانم (۱۲۲۰-۱۲۹۰ق). زن محمد شاه قاجار و مادر ناصرالدین شاه قاجار.

4. Marie-Antoinette (-Josèphe-Jeanne d'Autriche-Lorraine) (1755-1793) Queen consort of Louis XVI of France.



پس زنان هستند با روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ویژه‌ی خود و زیست‌شناسی ویژه‌ئی که امروزه به آن نگریسته می‌شود. من با آوردن این گفتار به هیچ روی یک‌سویه، هوادار حقوق و حضور زن نیستم؛ چون تجربه نشان داده هوادار حقوق زنان بودن زن را خوش‌بخت نمی‌کند، که هوادار انسان بودن و زن را در جامعه‌ی انسانی دیدن و او را در کنار مرد و دیگر سازه‌های اقتصادی، اجتماعی، و تاریخی دیدن او (زن) را خوش‌بخت می‌کند و در کنار خوش‌بختی و رستگاری اجتماعی است که زن و مرد سعادت‌مند می‌شوند؛ یعنی نگاهی ساختارگرا به نقش و جایگاه زن.

چرا وضع زنان چنین است؟ من گمان می‌کنم یکی از دلایل وضع کنونی زنان این باشد که به آن‌ها یک‌سویه نگریسته شده‌است؛ یا شاید از این رو که زمانی آن‌ها را «ضعیفه» و «ناقص‌عقل» می‌دیدند، و زمانی به گونه‌ئی افراطی و خشن عمل می‌کردند. امتیاز دادن‌های بی‌جا با امتیاز گرفتن‌های بی‌جا فرقی نمی‌کند. اگر بخواهیم بدانیم چرا وضع زنان چنین است، برای این است که زن را در نظامی ساختارمند ندیده‌ایم و به او در کنار اجزای دیگر نگاه نکرده‌ایم. من امروزه بر این خرده می‌گیرم که شاید زنان فرصت‌های تحصیلی و آموزشی فراوانی داشته‌اند، اما البته همیشه از دیدگاه حقوقی برای آنان کم گذاشته شده‌است و زنان ما همیشه حق دارند بپرسند که چرا که از دیدگاه حقوقی در فشار شدید اند. منظورم حقوق مالی نیست. حقوق اجتماعی، قضایی، یا مدنی، مدیریت‌ها، اشتغال، و غیره است. از دیدگاه آموزشی امکانات خوبی فراهم شده‌است. آمارها برای من هم شگفت‌انگیز است.

انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران خودکامه‌ستیز بودند. هدف انقلاب مشروطه مبارزه با خودکامه‌گی بود و شعارهای انقلاب اسلامی نیز آزادی، استقلال، و جمهوری اسلامی بوده‌است. این‌ها سازه‌های تأثیرگذار در آزادی‌های زنان بود و بعدها در یک‌صدسال مدرسه‌هایی مانند صنایع مستطرفه (۱۲۸۹-۱۳۲۰) و دانشکده‌ی هنرهای زیبا بنیان‌گذاری شد. با پرورش زنان در این زمینه و آموزش آنان در مدرسه‌هایی که در آغاز در شهرهای شمالی و سپس در دیگر جاهای ایران بنیاد نهاده شد و زنان نیز در آن‌ها شرکت جستند و توانستند از دانش بهره‌مند شوند، آنان توانستند با دستیابی به دانش، پایه‌های آزادی خود را استوار سازند و به آزادی درونی که آن‌ها را به سوی افزایش نوآوری‌ها و خویشتن‌یابی‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، و دینی می‌برد دست یابند؛ و این مهم‌ترین روندی است که زنان را خوش‌بخت می‌کند.

وقتی از نقش زنان در هنر امروز ایران سخن به میان آید، ما با دو ره‌یافت می‌توانیم به آن نزدیک شویم: (۱) هم‌چون سوزه<sup>۱</sup> و موضوع؛ و (۲) هم‌چون اوبژه<sup>۲</sup> یا آفرینش‌گر و فاعل. البته سخن من در اینجا درباره‌ی زنان هنرآفرین و آفرینش‌های آنان است؛ نه این که زنان چه‌گونه در موضوع‌ها می‌آیند. در واقع، زنان همیشه موضوع آفرینش هنری بوده‌اند؛ اما امروزه هنرآفرین هم شده‌اند. زنان از دوران نوسنگی، همواره به گونه‌ی مادر و بچه‌ها، بت‌های زن (جنسن، ۱۳۷۹)، و سپس زنان کارگر، و زنان و دختران پادشاهان تصویر شده‌اند. گاه به شکل مادر و فرزندان‌اش که انسان‌های نخستین در کارهای گلی ساده می‌ساخت؛ سپس هم‌چون تندیس ایزدبانوان که در ایران و همه‌ی دنیا دیده‌می‌شود؛ و حتا گاه در اشیای کاربردی، به‌ویژه در ایلام و خوزستان که از نخستین خاستگاه‌های فرهنگی تمدن بوده‌است. نقش زنان در هنر تجسمی امروز چشم‌گیر و قابل‌توجه است؛ چرا که زنان هنرمند امروز پشتوانه‌ی بزرگی از تاریخ دگرگونی‌ها را پشت سر خود دارند. نگاهی به دوسالانه(بی‌ینال)های تهران، پیش و پس از انقلاب، روند فزاینده‌ی حضور زنان را نشان می‌دهد (جدول‌های ۱ و ۲).

جدول ۱- آمار زنان هنرمند در دوسالانه‌های پیش از انقلاب  
(خرمی‌نژاد، ۱۳۸۳)

دوره‌ی دوسالانه	سال	شمار کل هنرمندان	شمار زنان
نخستین دوسالانه	۱۳۳۷	۴۹	۱۰
دومین دوسالانه	۱۳۳۹	۶۸	۱۴
سومین دوسالانه	۱۳۴۱	۱۰۱	۲۱
چهارمین دوسالانه	۱۳۴۲	۱۱۳	۲۴
پنجمین دوسالانه	۱۳۴۵	۱۱۳	۶

در پنجمین بینال در سال ۱۳۴۵، که با پاکستان، ترکیه، و ایران مشترک بود، ۳۸ نفر از ترکیه، ۳۷ نفر از پاکستان، و ۳۸ نفر از ایران شرکت داشتند که از این میان ۶ نفر زن بودند (نسل نخست هنرمندان زن ایران: منصوره حسینی، معصومه سیحون، ماری شایانس، سیما کویان، منیر فرمانفرمایان، و لیلی متین‌دقتری) (خرمی‌نژاد، ۱۳۸۳).





جدول ۲- آمار زنان هنرمند در دوسالانه‌های پس از انقلاب  
(خرمی‌نژاد، ۱۳۸۳)

دوره‌ی دوسالانه	سال	شمار کل هنرمندان	شمار زنان
نخستین دوسالانه	۱۳۷۰	۲۴۶	۲۰
دومین دوسالانه	۱۳۷۲	۵۰۰	۱۴۶
سومین دوسالانه	۱۳۷۴	۵۳۴	۲۱۲
چهارمین دوسالانه	۱۳۷۹	۱۲۰	۵۳
پنجمین دوسالانه	۱۳۸۲	۱۲۰	۵۳

هم‌چنان که دیده‌می‌شود، در نخستین دوسالانه (۱۳۳۷) یک‌چهارم هنرمندان (۱۰ نفر) زن بوده‌اند که این نسبت در سال ۱۳۸۲، به یک‌دوم رسیده‌است و نشان‌گر رشد حضور زنان در پرتو آزادی‌های درونی است. آمار جالب‌تر مربوط به تندیس‌گران است. همیشه تندیس‌سازی برای زنان کاری دشوار شمرده‌می‌شود. حتی خود ما، من و هم‌کلاسان‌ام نیز در آغاز نگران بودیم که با این پیکر کوچک و ریزه آیا می‌توانیم کار سخت ساختن تندیس را انجام دهیم که بعدها دریافتیم هنگامی که آزادی از درون باشد و با شور و اشتیاق همراه شود هر کاری آسان می‌شود، و از آن گذشته، اگر هدف باشد، هر کاری در سخت‌ترین حالت که در رابطه با هدف تعریف شود شدنی و شیرین است. در چهارمین دوسالانه‌ی تندیس‌سازی، از کل ۳۷۹ نفر شرکت‌کننده، ۱۵۲ نفر زن بودند (بروشور چهارمین دوسالانه‌ی مجسمه‌سازی معاصر تهران، ۱۳۸۴). این ۱۵۲ نفر تندیس‌گران پذیرفته‌شده بودند. اما در نمایشگاه ذخایر جنبش هنر معاصر ایران از ۱۶۹ نفر شرکت‌کننده فقط ۲۸ نفرشان زن بودند که نشان می‌دهد مدیریت دولتی در خرید و شرکت دادن آثار زنان فعال نبوده‌است.

### گذر از سطح آمار تا تحلیل محتوایی

گذر از سطح آمار به محتوا، گویای این است که در همه‌ی این دوران، یعنی از ۱۳۳۷ تا کنون، دوسالانه‌ها شاهد گفتمان‌های سنت و مدرنیسم بوده‌است که گاه به سوی واپس‌زدن سنت، گاه به سوی نبرد سنت و مدرنیته، گاه در چهره‌ی بومی‌سازی مدرنیته، و در انتها، به سوی گفت‌وگو و دادوستدهای زیباشناختی سنت و مدرنیته بوده‌است. البته، مقصود من از مدرنیته، آن هم در دوره‌ی اندیشه و هنر

پسامدرن امروز، ارزش‌ها و سنجه‌های زیباشناختی است که از آن سوی مرزهای ملی آمده و نماینده‌ی گرایش‌های جهانی است.

از سویی، سازه‌های زیباشناختی ایرانی-اسلامی آن چنان کششی داشته که پیوسته ذهن مردم عادی و طبقه‌ی روشن‌فکر و هنرمند را به خود کشانده‌است و شرایط پسامدرن هم با همه‌ی تاریخ‌گرایی و روحیه و تنوع‌گرایی خود، شعله‌ی سوزان آن زیبایی‌های ملی را در قلب هنرمند دامن زده‌است. از سوی دیگر، طبع انسانی خواستار نوآوری است.

البته کند و کاوی بی‌امان نیاز بوده تا بسیاری از نوآوران دریابند که هنر ملی اصولاً بی‌زمان و هر لحظه نو و تازه است. این کند و کاو در فرم و محتوا بازتابی پرشور و دوران‌ساز داشته‌است. از شادروان ضیایور که از پدران نوآوری با نگاه بومی و محلی اکسپرسیونیستی یا کوبیستی در ایران بوده‌است تا بزرگانی مانند جواد حمیدی، جواد‌ی‌پور، خانم‌ها صدر و حسینی، آقای اسفندیاری، شادروان ممیز، کلانتری، ژازه طباطبایی، پرویز تناولی، عربزاده، زنده‌رودی، و تبریزی که هر یک به گونه‌ئی استادان نسل نو بوده‌اند، و از تندیس‌سازان، ناهید سالیانی، ماری شایانس، و دیگران، می‌توان روندی را نام‌گذاری کرد که من آن را دغدغه‌ی هویت نام می‌گذارم. بررسی این دوران نشان می‌دهد که جنبش هنر معاصر ایران بسیار آفریننده بوده‌است، زیرا روی‌کردهای متفاوتی در هنر معاصر ایران داشته‌است که می‌توان دسته‌بندی زیر را برای آن آورد.

- ۱- روی‌کردهای طبیعت‌گرایانه با نگاه نو؛
- ۲- روی‌کردهای امپرسیونیستی، اکسپرسیونیستی، و کوبیستی به مفاهیم و اشکال ایرانی؛
- ۳- روی‌کرد آبستره؛
- ۴- روی‌کرد بومی-محلی با نگاهی نو؛
- ۵- روی‌کرد جهان‌گرایانه به گونه‌ی مطلق و محض؛
- ۶- روی‌کرد به هنر جهانی با نگاه شرقی؛
- ۷- بومی‌سازی مکتب‌ها و زیباشناسی جهانی.

اما نگرش زنان هنرمند به این روی‌کردها چه‌گونه بوده‌است؟ نکته‌ی قابل توجه این است که در این راه، به‌ویژه در روندهای هویت‌گرا، خط و خوش‌نویسی، مناظر بومی و ملی و ابزار و وسایل سنتی، گلیم و گبه و ترمه و



نگارگری، هریک به گونه‌ئی مورد توجه زنان بوده‌است و در این زمینه‌ها دست به نوآوری زده و به مکاتب گوناگون توجه داشته‌اند، مگر مکتب سقاخانه و سازه‌های شکلی و محتوایی آن؛ و پرسش این‌جا است که چرا؟ آیا روح نوآوری و خلاقانه‌ی زن، مکتب سقاخانه و سازه‌های آن را کهنه شمرد و هرگز نخواست‌است با آن کنار بیاید و آن را در جنبش هنر امروز ایران سهمیم کند؟ آیا به دلایل روان‌شناختی، سازه‌های مکتب سقاخانه‌ئی یادآور و نماد فشارهای جامعه‌ی سنتی بر جامعه‌ی زنان بوده‌است؟ آیا والایی مفهومی و محتوایی سقاخانه باعث شده که زنان نخواهند به هیچ روی به صورت شکلی به سازه‌های دیداری آن نزدیک شوند و نگاهی شکل‌گرایانه به مفهومی والا بیافکنند که به ژرفای ایمان و ارزش‌های انسانی یا الهی آن‌ها مربوط می‌شود؟

در پایان می‌توان گفت در راه آزاد شدن از درون که در پرتو روندی از دستیابی به داده‌ها و آگاهی‌ها به دست می‌آید، زنان نقشی حساس در جنبش هنر امروز ایران داشته‌اند. این نقش دو سویه‌ی کمی و کیفی در خود دارد. پیش از انقلاب، در دوسالانه‌ها، زنان در سطح کمی شرکت کرده‌اند، اما آثارشان بسیار پرمحتوا بوده‌است و پس از انقلاب نیز زنان در سطحی بسیار گسترده تا یک‌دوم مردان شرکت داشته‌اند. به لحاظ کیفی نیز جنبش‌های جهانی در کنار نوآوری‌های هویت‌گرا در شیوه‌های مدرن و پسامدرن به طور موازی حضور دارند. در این راه، زنان هنرمند ایران به بیش‌تر سازه‌های زیباشناختی و کاربردی سنتی و بومی نزدیک می‌شوند و سویه‌های دیداری و کاربردی آن سازه‌ها را در آثار خود به کار می‌گیرند؛ مگر سازه‌های مکتب سقاخانه‌ئی که می‌توان در پژوهش‌ها بدان پرداخت.

اما نگاهی به آمار زنان شرکت‌کننده در نمایشگاه جنبش هنر نوین ایران گویای این است که از ۱۶۹ اثر خریداری‌شده فقط ۴۱ اثر از ۲۷ زن هنرمند خریداری شده‌است (جدول ۳). البته گفتنی است که با توجه به رشد کمی و کیفی حضور زنان در گستره‌ی هنر امروز، شمار اندک زنان شرکت‌کننده در این نمایشگاه که در آن ذخایر موزه‌ی هنرهای معاصر به نمایش گذاشته‌شده‌بود نشان می‌دهد که مدیریت‌های دولتی برای خرید آثار زنان چندان مشتاق نبوده‌اند.

جدول ۳- فهرست زنان هنرمند شرکت‌کننده در نمایشگاه جنبش هنر معاصر ایران  
(۲۷ زن در ۱۶۹ نفر شرکت‌کننده)

نام هنرمند	نام اثر	شیوه‌ی کار	اندازه س.م.	سال اثر	سال خرید
فرنگیس آری	آبستره	رنگ روغن روی بوم	۸۰×۶۰	۱۳۵۵	۱۳۵۶
شیرین اتحادیه	بی نام	رنگ روغن روی بوم	۱۵۰×۱۵۰	۱۳۸۲	۱۳۸۴
مینو اسعدی	اتاق مشرطا	رنگ روغن	۵۵×۴۴	۱۳۷۴	۱۳۷۴
فرح اصولی	نظاره‌ی عشق	گواش	۸۱×۵۲	۱۳۷۶	۱۳۷۶
پروانه اعتمادی	سه گلدان	ترکیب مواد روی چوب	۱۲۰×۸۰	-	۱۳۵۶
پروانه اعتمادی	پنج گلدان	ترکیب مواد روی چوب	۱۲۰×۸۰	-	۱۳۵۶
پروانه اعتمادی	جادوگر	کولاژ کاغذی	۱۳۳×۱۰۷	۱۳۷۷	۱۳۷۸
فاطمه امدادیان	بی نام	چوب	بلندی ۹۰	-	۱۳۷۹
سونیا بالاسانیان	ترکیب خاکستری و سفید	رنگ روغن روی بوم	۲۰۰×۱۸۰	۱۳۵۵	۱۳۵۶
سونیا بالاسانیان	بی نام	رنگ روغن روی بوم	۱۸۰×۱۲۰	۱۳۵۴	۱۳۵۶
شهبلا حبیبی	چشن و پای کوبی	رنگ روغن روی بوم	۱۰۱×۱۰۱	-	۱۳۵۶
شهبلا حبیبی	چشن ۲	رنگ روغن روی بوم	۱۰۱×۱۰۱	-	۱۳۵۶
منصوره حسینی	داوودی‌های سیاه	رنگ روغن روی بوم	۱۰۰×۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۷
ایران دورودی	منظره‌ی شهر	رنگ روغن روی بوم	۱۰۰×۶۵	۱۳۵۱	۱۳۵۶
ایران دورودی	بی نام	رنگ روغن روی بوم	۱۰۰×۸۰	۱۳۵۶	۱۳۵۶
زهرا رهنورد	بی نام	ترکیب مواد	۱۲۰×۶۵	-	۱۳۸۴
زهرا رهنورد	بی نام	ترکیب مواد	۶۰×۵۰	-	۱۳۸۴
هایده زرین بال	بی نام	رنگ روغن روی بوم	۶۰×۵۰	-	۱۳۸۳
ناهید سالیانی	بی نام	سنگ مرمر	بلندی ۵۹	-	۱۳۵۶
ناهید سالیانی	بی نام	سنگ قرمز و سفید	بلندی ۵۵	-	۱۳۵۶
معصومه سیحون	ترکیب رنگ	رنگ روغن روی بوم	۶۰×۶۰	۱۳۴۴	۱۳۵۶
معصومه سیحون	ترکیب رنگ	رنگ روغن روی بوم	۷۳×۶۳	۱۳۴۶	۱۳۵۶
فرح سیدابوالقاسمی	آفتاب‌گردان‌های کوچک و آبی	ترکیب مواد	۸۰×۶۰	۱۳۷۶	۱۳۷۶
گیزلا سینایی	اورفه‌ئوس	رنگ روغن روی بوم	۱۰۰×۲۴۰	۱۳۷۸	۱۳۷۹
گیزلا سینایی	بی نام	رنگ روغن روی بوم	۷۰×۵۰	۱۳۶۹	۱۳۷۰
ماری شایانس	سه فیگور	لیتوگراف	۵۲×۳۷	۱۳۴۱	۱۳۵۶
فیروزه صابری	بی نام	رنگ روغن روی بوم	۱۲۰×۸۸	-	۱۳۷۰
فیروزه صابری	بی نام	اکریلیک	۱۲۰×۹۰	-	۱۳۸۴
بهجت صدر	بهشت و جهنم	رنگ روغن روی بوم	۱۸۰×۱۲۰	۱۳۲۵	۱۳۷۹
بهجت صدر	بی نام	رنگ روغن روی بوم	۱۳۱×۹۲	۱۳۵۶	۱۳۵۶
منیر فرمان‌فرمایان	بی نام	آینه‌کاری	۱۰۴×۱۰۴	۱۳۵۳	۱۳۵۶
طلیحه کامران	بی نام	اکریلیک روی بوم	۸۰×۸۰	۱۳۷۵	۱۳۷۹
طلیحه کامران	بی نام	اکریلیک روی بوم	۸۰×۸۰	۱۳۷۵	۱۳۷۶
سیما کوپان	پل	رنگ روغن روی بوم	۱۲۱×۷۵	۱۳۴۱	۱۳۵۶
پریوش گنجی	بی نام	رنگ روغن روی بوم	۱۶۰×۱۵۰	۱۳۷۸	۱۳۷۸
فریده لاشایی	بی نام	گواش روی مقوا	۷۵×۵۵	-	۱۳۵۶
فریده لاشایی	بی نام	گواش روی مقوا	۹۰×۷۲	۱۳۵۴	۱۳۵۶
لیلی متین‌دفتری	پرتره‌ی نسرین	رنگ روغن روی بوم	۹۰×۷۰	۱۳۴۶	۱۳۵۶
لیلی متین‌دفتری	سه زن با چادر سیاه	رنگ روغن روی بوم	۱۵۰×۱۲۰	۱۳۵۴	۱۳۵۶
مهنا معینی	بی نام	اکریلیک	۱۰۰×۱۰۰	-	۱۳۸۱
مهین نورماه	بی نام	برنز	بلندی ۳۲	۱۳۷۵	۱۳۸۴



## منابع

- ۱- اعداشلو، آیدین. ۱۳۷۹. *از پیدا و پنهان*. تهران: کتاب سیامک.
- ۲- بروشور چهارمین دوسالانه‌ی مجسمه‌سازی معاصر تهران. ۱۳۸۴. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری صبا.
- ۳- تکمیل‌همایون، ناصر. ۱۳۸۰. *تاریخ ایران در یک نگاه*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۴- تندیس خیال. ۱۳۸۴. [نشریه‌ی چهارمین دوسالانه‌ی مجسمه‌سازی معاصر تهران]. تهران: فرهنگستان هنر.
- ۵- جنسن، ه. و. ۱۳۵۹. *تاریخ هنر*. برگردان پرویز مرزبان. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۶- حجازی، بنفشه. ۱۳۸۱. *ضعیفه: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی*. تهران: قصیده‌سرا.
- ۷- خرمی‌نژاد، آیتای. ۱۳۸۳. *نقش و تأثیر زن در هنرهای تجسمی ایران* [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

## خواننده‌ی گرامی

برای خرید فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان*، فرم زیر را پر کنید و به نشانی تهران، میدان ونک، دانشگاه الزهراء، پژوهشکده‌ی زنان، دفتر فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* بفرستید. هم‌چنین، بهای اشتراک شماره‌های درخواستی را به حساب شماره‌ی ۹۰۰۲۵، نزد بانک ملی، شعبه‌ی دانشگاه الزهراء واریز و فیش بانکی آن را به پیوست ارسال کنید.

بهای اشتراک:

سالانه ۲۰'۰۰۰ ریال

تک‌شماره ۷'۵۰۰ ریال

### برگ درخواست اشتراک

✍

لطفاً نام این سازمان / این جانب ..... را در  
فهرست مشترکان فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* ثبت و به تعداد ..... نسخه‌ی مجله را  
از شماره‌ی ..... سال ..... تا شماره‌ی ..... سال ..... به نشانی زیر ارسال کنید.

نشانی: .....

.....

.....

شماره تلفن: .....



SeiyedHabibollāh MirGhafoori, Ph.D.  
Department of Management, University of Yazd

## **Ranking the Barriers of Women's Promotion to Managerial Positions: A case study of Yazd province's public sector**

### ***Abstract***

Few women currently hold management positions in Iran's public sector. This situation is particularly marked at the chief executive level. The development of positive strategies to address this situation, and ultimately to increase the number of women in public service chief executive positions, can be informed by the wealth of information of international literature on barriers to women's career advancement. In this article we investigated the literature on barriers to women's advancement. By using expert's opinion and Delphi technique, these barriers are classified into four dimensions and twenty seven factors. Finally we used statistical methods and MCDM techniques and ranked these barriers. The findings of this ranking show that cultural and social factors are the most important barriers to women's advancement.

***Key Words:*** *Glass Ceiling; Barriers; MCDM; Topsis; AHP;*

Mjid Movahhed, Ph.D.

Department of Social Sciences, University of Shirāz

MohammadTaghi Abbāsi Shavāzi, M.A.

M.A. in Sociology, University of Shirāz

## **Traditional and Modern Values among Girls Residing in Shirāz**

### **Abstract**

The objectives of this study were:

1. To examine girls' attitudes toward premarital dating and friendship.
2. To explore the relationship between cultural grounds of socialization and girls' attitude towards premarital dating and friendship.

Using the survey method, a sample of 360 girls from Shirāz University (253 girls), and Shirāz Medical Sciences University (107 girls) with a mean age of 21.9 was selected. The descriptive findings showed that over half of the girls (55.6 percent) had a moderate attitude toward this kind of relationship (girls with negative attitude were 23.5 percent), and girls with positive attitude were 11.9 percent).

Inferential analysis indicated, out of independent variables, priorities of material/post-material values, religious beliefs, persistence on religious values, family attitude, friend's attitude, mother and father education, university type and use of some mass media had a significant relationship with girls' attitude. But duration of study in university, and use of magazines and newspapers did not have a significant relationship with the dependent variable.

Using a multi-variable regression analysis with the aim of determining the model's soundness was indicative of three variables: persistence on religious values, friend's attitude, and family attitude explained 60.5 percent of dependent variable's variance. Although in the area of the opposite sex interpersonal relationship, the trend changes is moving toward positive attitude and modern values, but girls, at present, are amazed at an area between the traditional and modern values.

**Key Words:** *Girls; Socialization; Traditional and Modern Values; Premarital Relationship;*





Abbās Abolghāsemi, Ph.D.

Department of Psychology, Mohaghegh-e Ardabili University

Azar Kiyāmarsi, M.A.

Department of Psychology, Āzād University of Ardabil

## **Relationship of Androgyny and Mental Health with Marital Adjustment in Women**

### ***Abstract***

Marital adjustment of subjects is under the influence of personality and psychological variables. The purpose of this study was to determine whether there was a relationship between androgyny and mental health with marital adjustment in married women. The results showed that androgyny provided adjustment and mental health. The sample consisted of 200 married women who were selected through random sampling method. The subjects completed the General Health Questionnaire, Spanners Dyadic Adjustment Scale, and Sex Role Questionnaire. The findings showed that androgyny is related to marital adjustment ( $r = 0.38$ ). The results also indicated that that mental health is related to marital adjustment ( $r = 0.35$ ). The result of multiple regression showed that a significant correlation exists between predictive variables (androgyny and mental health) and the criterion variable (marital adjustment). These findings are fairly in line with those of other studies, and emphasize that the sex types in the premarital counselling of the youth, can be applied in clinical and therapeutic centres, from the strategic point of this paper.

***Key Words:*** *Mental Health; Marital Adjustment;*

Jamilé Kadivar, Ph.D.  
Department of Social Sciences, Al-Zahrā University

## Women and the Iranian Judiciary System

### **Abstract**

This article attempts to classify the opponents' views on women's participation in the Iranian judiciary system. It starts out by describing women's status within the judiciary system. The article then proceeds, following such a description, by presenting a sketch on transformation of the status of women in the post-revolutionary Iranian judiciary system. For the writer it is an opportunity to study the evidence (documents) as submitted by the opponents of women's inclusion within the judiciary system. Finally, the article reaches the conclusion that neither Verses and the Traditions (Hadith) nor other reasons put forward, such as the weakness of women, none constitutes solid grounds for denying women's inclusion within the judiciary system, i.e., to hold the position of a judge.

**Key Words:** *Judgment; The Iranian Judiciary System; Shiite Jurisprudence; Verses and Traditions; Women's Biological Make-up;*



Zahrā Afshāri, Ph.D.

Department of Social Sciences, Al-Zahrā University

Farah Ramazāni, M.A.

M.A. in Women Researches, Al-Zahrā University

## **Information Technology and Women's Employment**

### ***Abstract***

This paper examines the impact of technology in general and information technology in particular, on employment of women. In so doing cross-country data are applied, and linear and non-linear regression models are used. The independent variables of the model include indices for the following categories: technology creation, diffusion of recent innovation, diffusion of old innovation, human skill. The dependent variables of the model are: the rate of women's economic activity, income, gender empowerment measure. The results show that IT has not had a significant effect on the rate of women's economic activity, but it bears a significant effect on women's income and gender empowerment measure. Although the immediate effect of information technology on women's income was positive, but this effect has gradually been reduced. In regard to the impact of IT on activity rate of women and GEM (gender empowerment measure) the results indicate that there is no significant difference between Iran and other countries. Nevertheless, the impact of IT on women's income in Iran has been significantly higher than that of other countries.

**Key Words:** *Information Technology; Qualitative and Quantitative Development; Indices of Access to Technology;*

Negin Fallāh Haghighi, M.A.

M.A. in Agricultural Sciences, University of Tehrān  
Shāpoor Zarifiyān, Ph.D.  
Department of Agricultural Sciences, University of Tehrān

## **Risk Taking and Risk Perception by Female Rice Growers in Rasht County**

### ***Abstract***

Production process in agricultural sector is highly dependent on natural climatic conditions; its exposure to diseases and pests are factors which distinguishes agriculture from other economic activities. These factors make agriculture a risky activity. In addition, the majority of farmers active in cultivation of strategic and main foods such as wheat, rice and barley are smallholders. They are highly vulnerable to fluctuation of local and national markets and the pressures of international competition. In fact, to reach development goals as set for agricultural sector, its human-resource capacity should be optimally utilized, of which women constitute a main part. Rural women, especially those heading their families, face more risks compared to their counterparts, and are economically fragile. Women of the Northern Iran comprise a substantial part of the agricultural labor force, thus attention needs to be paid to their working and living conditions.

The main objective of the present research is to study factors affecting the adoption of risk by female rice growers. It was conducted in Rasht County in 2005. The stratified random sampling technique was applied and 182 female rice growers were selected out of five districts of the county, and were interviewed. The result showed that the majority of female rice growers were risk neutral. The study also revealed that there was significant negative relationship among age, experience (of rice growing), the family size, and the level of adoption of risk. There was significant positive relationship between literacy level, the lands allotted to rice growing, the size of landholding, rice income, and the level of risk taking. The result of comparative studies showed that rice growers with different style of landholding had significant differences in terms of risk adoption.

**Key Words:** *Female Rice Growers; Risk Adoption; Rasht County;*



# Abstracts

**Risk Taking and Risk Perception  
by Female Rice Growers in Rasht County** 140  
Negin Fallāh Haghighi, M.A.  
Shāpoor Zarifiyān, Ph.D.

**Information Technology and Women's Employment** 139  
Zahrā Afshāri, Ph.D.  
Farah Ramazāni, M.A.

**Women and the Iranian Judiciary System** 138  
Jamilé Kadivar, Ph.D.

**Relationship of Androgyny and Mental Health  
with Marital Adjustment in Women** 137  
Abbās Abolghāsemi, Ph.D.  
Azar Kiyāmarsi, M.A.

**Traditional and Modern Values  
among Girls Residing in Shirāz** 136  
Mjjid Movahhed, Ph.D.  
MohammadTaghi Abbāsi Shavāzi, M.A.

**Ranking the Barriers of Women's Promotion  
to Managerial Positions:** 135  
A case study of Yazd province's public sector  
SeiyedHabibollāh MirGhafoori, Ph.D.

## Editorial Board

---

- Zahrā Afshāri, Ph.D.** Professor, Al-Zahrā University  
**Fātemé Alā'ī Rahmāni, Ph.D.** Assistant Professor, Al-Zahrā University  
**Hakimé Dabirān, Ph.D.** Associate Professor, Tarbiyat-e Mo'allem University  
**Shahin Gerāmi, Ph.D.** Professor, South West Missouri State University (USA)  
**Shokoofé GolKhoo, Ph.D.** Assistant Professor, Al-Zahrā University  
**Ahmad Ja'farNežād, Ph.D.** Associate Professor, University of Tehrān  
**Cathleen Kendall, Ph.D.** Assistant Professor, Southampton University (UK)  
**Zohré Khosravi, Ph.D.** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**Mohammad S. Mahdavi, Ph.D.** Professor, Shahid Beheshti University  
**Golnār Mehrān, Ph.D.** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**Khadijé Safiri, Ph.D.** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**Bāgher SārooKhāni, Ph.D.** Professor, University of Tehrān  
**Homā ZanjāniZādé, Ph.D.** Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

## Reviewers

---

- Fātemé Alā'ī Rahmāni, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**MohammadAli Bābā'ī, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**AshrafSādāt BaniJamāli, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**Manizé HaghighiNasab, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**Simin Hoseiniyān, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**Ahmad Ja'farNežād, Ph.D.** University of Tehrān  
**Fazilé Khāni, Ph.D.** University of Tehrān  
**Hosein MehrPoor, Ph.D.** Shahid Beheshti University  
**Mortezā Monādi, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**Esmā'il Moshiri, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**Farnāz NāzerZādé, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**Khadijé Safiri, Ph.D.** Al-Zahrā University  
**MohammadJavād Zāhedi, Ph.D.** Payām-é Noor University

*In the Name  
of God*

# Women's Studies

Vol. 4, No. 1  
Spring 2006

*A Peer Reviewed  
Quarterly Journal*

Al-Zahrā University  
Women's Research Center

---

**Publisher** *Al-Zahrā University*  
**Chief Executive** *Zohré Khosravi, Ph.D.*  
**Chief Editor** *Khadijé Safiri, Ph.D.*

---

**Persian Editor** *Vafā Sarmast*  
**English Editor** *Mohammad Hosein Hāshemi*  
**Layout Designer** *Vafā Sarmast*  
**Cover Designer** *Ashraf MoosaviLar*  
**Editorial Secretary** *Kobrā Mehrābi Kooshki*

---

**Publication Frequency** *Quarterly*  
**Publication Permit No.** *124/1406*  
**Peer Review Permit No.** *3/2910/1119*  
**Circulation** *1500*

---

**Website** <http://JWS.alzahra.ac.ir/>

---

**Address** *Vanak St., Vanak Sq., Tehrān, IRĀN*  
**Postal Code** *1993891176*  
**Telephone** *+98 (21) 8805 8926*  
**Fax** *+98 (21) 8804 9809*  
**Email** *women\_rc@alzahra.ac.ir*